

اعتماد سیاسی؛ حلقه مفقوده جامعه

صفحه ۲

گفت‌وگوی اختصاصی با سعید لیلای:

راه حل مشکلات اقتصادی درون کشور است

صفحه ۷



گفت‌وگوی اختصاصی با دکتر تورج دریایی:

ساسانیان، تالو اندیشه ایرانشهری

صفحه ۱۳

گفت‌وگوی اختصاصی با دکتر علیرضا آزاد:

سپهر کوتاه شده آرمان‌ها

صفحه ۱۷

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال ششم / شماره هفتاد و سه / سالنامه ۱۳۹۹

بنگریدز آغاز، فرجام را



فرشته نوری

کارشناسی علوم سیاسی ۹۶

دهه رو به پایانی که از سر گذرانیم تجربه‌ای سخت، عجیب و همراه با فراز و نشیب‌های سیاسی و اقتصادی خاص خودش بود. معضلات اقتصادی پیش آمده از سال ۱۳۹۰ تا کنون منجر به انجام چند مرحله اعتراضات شدید مردمی شد و آن بخش از مردم که در اعتراضات حضور مستقیم نداشت نیز نسبت به شرایط موجود به ستوه آمد. با استناد به یافته‌های رسمی ارائه شده توسط مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) می‌توان بر این سخن صحنه گذاشت. بر تمام دولت‌مردان و بخش حاکمیتی جامعه عیان است که تداوم این اعتراض‌ها و بی‌اعتنایی به عوامل ایجادکننده آن می‌تواند چه آسیبی در ابتدا به خود جامعه و در وهله بعد به ارتباط میان جامعه و حکومت برساند.

بازگشت این اعتماد از دست‌رفته می‌تواند سایه امید را دوباره بر سر مردم بیفکند و آسیب‌های وارده بر آنان را جبران نماید. به نظر می‌رسد سال ۱۴۰۰ به عنوان فرجام قرن سال خوبی برای آغاز تغییرات و اصلاح اموری باشد که منجر به این شرایط شده است. در صورت استفاده از این فرصت در نگاهی خوش‌بینانه می‌توان چشم‌اندازی نسبتاً روشن را رو به آینده ترسیم کرد. از آن‌جا که بخش اعظمی از جامعه نیز در این فرآیند و با استناد به آماری که پیش از این مطرح شد، حکومت را اصلاح‌پذیر می‌دانند، پس این انتظار آرمان‌گرایانه نیست.

در سویی دیگر صحیح به نظر نمی‌رسد که بر شهروندانی که برگه رأی خود را به عنوان حقی مسلم نادیده می‌انگارند خرده‌ای گرفت و آنان را بازخواست کرد. این قهر اعتراض‌گونه همان‌طور که پیش‌تر مطرح شد نیازمند توجه جدی و ارائه راه‌حل منطقی‌ست.

نقطه روشن برای آنان که به دنبال نیمه پر لیوان هستند، این است که این کشور بر مدار دموکراسی می‌چرخد و اظهارنظر بر روی برگه رأی ولو اینکه در پایان ما را به نتیجه مطلوب‌مان نرساند از جمله کنش‌های تاثیرگذاری است که می‌توانیم انجام دهیم. سیاست‌مداران حداقل در دوره‌های انتخاباتی به افکار عمومی بها می‌دهند و شنونده خواسته‌های جامعه هستند؛ حال اگر خواسته اکثریت تغییر در جهت بهبود اوضاع (در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، معیشت، فرهنگی و ...) باشد، کاندیداهای انتخاباتی نیز با توجه به انعکاسی که از صدای جامعه می‌شنوند در پی ایجاد تغییرات مطلوب، مسیرشان را ترسیم می‌کنند.

در گذرگاه‌های زندگی و در مواجهه با امور ناگزیر، نیمه‌ای از لیوان پر است و نیمی دیگر خالی. هیچ‌کس مجبور به تغییر نگرش نیست. ترسیم یک آینده روشن برای ترغیب و یا ترسیم یک آینده تاریک برای ارباب، دیگر راه‌کار مناسبی برای همراه ساختن جامعه محسوب نمی‌شود و باید به دنبال چاره‌ای مبتنی بر واقعیات بود تا هم مورد پذیرش واقع شود و هم زخمی را درمان کند.

در این شماره وقایع اتفاقیه نه به ترغیب به شرکت در انتخابات می‌پردازیم و نه با گفتن از واقعیات حاضر در جامعه قصد داریم بذر ناامیدی را بکاریم. آنچه روشن است این است که بخشی از جامعه تصمیم خود را گرفته تا در نوبت دیگر حق انتخاب سرنوشت سیاسی مشارکت نکنند، تصمیمی که هم قابل احترام است و هم با استدلال‌هایی همراه است که شنیدن آن شنونده را قانع می‌سازد. اما بخش دیگری نیز در جامعه وجود دارد که امیدوار است با استفاده درست از آن حقی که در یک نظام دموکراتیک به او اعطا شده، با انتخابی صحیح، تغییری مثبت در ادامه مسیر به وجود آورد.

بنابراین صحبت از این که رأی بدهیم یا نه، امری‌ست که نظر متخصصان و تصمیم نهایی مردم به عنوان کنش‌گران اصلی را می‌طلبد. امید است در وادی بعدی، اکثریت جامعه به انتخاب اصلح روی آورد و به آن دسته از شهروندانی که انتخابات را بی‌تاثیر در حل مشکلات‌شان می‌دانند این اعتماد برگردانده شود که برای برپایی تعاملی اصولی و صحیح میان ملت و حکومت به معضلات‌شان در تمام عرصه‌ها رسیدگی می‌شود.



میزگردی پیرامون چالش‌های انتخاب سیزدهمین رئیس‌جمهور

صاحب امتیاز: سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی خراسان رضوی
مدیرمسئول: سبحان گوهری
مشاوره فرهنگی: دکتر احمد رضا اصغرپور ماسوله
هیئت تحریریه: دبیر سرویس خبرنگار: سجاد کاشانی، سرویس اقتصادی و اجتماعی: سیده زهرا فاطمی یزدی، سید معین حسینی، سرویس محیط زیست: امیرعلی برومند، سرویس فرهنگی و هنری: مریم رحیمی، سرویس ادبی: المیرا طارقی، سرویس تاریخ و اندیشه: کتایون شاپوری، سرویس دارالفنون: الهام حق پرست، سرویس عکس: رسول هاشم‌آبادی، سرویس انگلیسی: شادی اسعدی
همکاران این شماره: میثم درستی، جمال مختاری، سید علیرضا حسینی، مسعود فتاح‌زاده، زکیه حسین‌پور، ریحانه قریشی، فاطمه حسینی، سمیه معمارزاده، پوریا سرداری، محسن مظلومی، سارینا دوستی، علیرضا ضیایی، آیدا زوارمی، اکرم نخعی، علی زارعی، زهراسادات وحیدی، محمدرضا خطیب، امیر حسین حسن‌زاده، ملیکا صباغی‌مقدم، مهدی رضازاده، سیده ساجده طهماسبی، علی اکبری، سپیده شریفی خراسانی، کیمیا عرفانی، صبا صمدی، شهریار احمدی، هنگامه الهی‌فرد. **با تشکر از:** دکتر تورج دریایی، دکتر مهدی مطهرنیا، دکتر علیرضا آزاد، دکتر احمد آفتابی ثانی، احمدرضا اصغرپور ماسوله، دکتر ابوالفضل حاجی‌زادگان، دکتر حسین رجب‌پور، میثم ظهوریان.
صفحه‌آرا: حامد خاکپور
وبسایت: www.sdjdm.ir
طراح جلد: امیررضا رنگ‌آمیز
طراح اینفوگرافیک: شادی اسعدی
ایمیل: vaghayeh.mag@gmail.com



خبرنامه

خبرنامه در سالی که گذشت

در ابعاد مختلف زندگی خصوصی و عمومی مردم، در انتخابات آینده نیز بحث کرونا به طور جدی می‌تواند در تعیین سرنوشت نامزد منتخب مردم بسیار تاثیرگذار باشد؛ چرا که برای مردم بسیار مهم و حیاتی است که فردی که قرار است در رأس امور سیاسی و اجرایی کشور قرار گیرد در مواجهه با کرونا در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی و همچنین رفع مشکلات و پیامدهای حاصل از آن چه رویکرد و اقداماتی انجام خواهد داد.

نکته دیگری که در ملاحظه چنین بحران‌هایی برجسته است، پرنرنگ شدن نقش اقلیت‌های فعال موفق است. برای نمونه، نوع مدیریت زنان در دروان کرونا، بسیار موفق و پویا بود. ملاحظه شد که بانوان سیاست‌مدار زیادی در سطح جهان که در مهار و مدیریت کرونا در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی عملکرد مثبتی داشتند و به نوعی موفقیت‌آمیز بحران کرونا را مدیریت کردند، در سطح ملی و حتی جهانی بیش از پیش مطرح شدند.

فرجام آن‌که کرونا یا هر بحران دیگری در ذات جامعه اجتماعی است، این وقایع همواره جهان را با دوران گذاری مواجه می‌کند که چنین جهانی به دو سو تقسیم می‌شود، جوامع پیشابحران و پسابحران. آن‌چه حائز اهمیت نبوده است، اکنون برجسته می‌شود و آن‌چه مورد توجه بوده است با تغییرات اساسی روبه‌رو می‌شود. مدیران می‌توانند در زمینه رشد و تعالی خود از آن‌ها استفاده کنند و همچنین این بحران‌ها می‌توانند در لباس افول آنان عمل کنند.

در مقایسه با پیش از کرونا به صورت چشمگیری افزایش می‌یابد و از نهادی گمنام، به سخنگوی اول اخبار و تعیین‌کننده تیتراهای پر استقبال می‌شود.

۲۰۲۰ با تمام وجهه ظلمانی خود، فرزند خلفی دارد که تخت‌گاه پرشی به‌سوی جهان پساکرونا است. ابتدای سال ۲۰۲۱، همانقدر برای جوامع روشن است که انتهای ۲۰۲۰ تار و ظلمانی. اکنون که سخن از کشف و پاسخ مثبت واکسن ضد کرونا-این‌کالای اساسی شده ضروری- مطرح شده است، سران و مدیران دولت‌ها، کنون به برنامه‌ریزی و بررسی خط‌مشی‌ها در راستای تسریع روند احیای جوامع می‌پردازند.

این سال را می‌توانیم یکی از سخت‌ترین سال‌های اقتصادی و پیچیده‌ترین سال‌های سیاسی بدانیم، چراکه عرصه‌بازی در اقتصاد فشرده و اعمال قدرت در سیاست گسترده شده است. از این نظر که در ۲۰۲۱ پیش از پیش مفهوم منافع ملی مطرح می‌شود.

همانطور که بیان شد، دولت‌ها از مسئله کرونا به حکم سیاست، به‌عنوان اهرم کنترل استفاده می‌کنند.

البته قوای این امر، تا انتهای واکسیناسیون ادامه خواهد داشت و از آنجایی که کرونا چهره بحرانی خود را از دست خواهد داد، قوت و اعتبار این اهرم فشار نیز تحلیل می‌رود. با نگاه تحلیلی به نتایج انتخابات آمریکا، می‌توان به راحتی یکی از عوامل پیروزی جو بایدن را موضوع کرونا دانست. صاحب نظران و کارشناسان سیاسی نیز معتقدند اگر کرونا نبود؛ پیروز انتخابات آمریکا به جای جو بایدن، دونالد ترامپ بود.

به دلیل همین فراگیری و گستردگی موضوع کرونا

جدید گسترده شد و ضرب‌الاجلی نیز برای ریشه‌کن شدن وضعیت قرنطینه تعیین شد. سرعت وقایع و اتفاقات به گونه‌ای است که می‌تواند درست همچون بهمن و اسفند ماه سال پیش، موج خوف و یاس را به ارمان بیاورد، و یا به مثابه حال و روز کنونی‌مان، امیدی شکننده را ایجاد کند.

مقصود از سطرهای فوق، اشاره به ذات جهان اجتماعی است، کرونا، بازیکنی بود که قاعده را برهم زد و میهمانی بود که همچون میزبان، جامعه بین‌الملل را مجبور به بازی کردن طبق قواعد خود ساخت. پیش از آنکه پاندمی کووید-۱۹ وجود داشته باشد، نفت و قدرت اقتصادی بود که در پوشش قوای نظامی، یک کشور را به صاحب‌نظر بازی‌های این عرصه تبدیل می‌کرد، تا با دست‌های باز، تنها با استفاده از اهرم فشار اقتصادی، دولت‌ها را به گونه‌ای کنترل کند که دست آخر سخن مقبول خود را بر کرسی غلبه بنشانند. با ورود کرونا اما قواعد تغییر کرد، گویا پاندمی آمده بود تا مشتی بر میز مذاکرات و رفتارها باشد، تا با صلابت هم‌را مجبور کند، نامی جدید در عناصر تعامل خود ایجاد کنند.

حتی عناصر شناخت قدرت نیز تغییر کرده و با میزان توان دولت‌ها در کنترل و واکنش شناخته می‌شود. بوریس جانسون، پس از گذشت ۱۰ هفته از آغاز واکسیناسیون، از روند واکنش شدن ۱۵ میلیون نفر از شهروندان سخن می‌گوید و ترامپ به علت عدم تواناییش در کنترل امنیت بهداشتی، از عرصه قدرت دور می‌شود.

حتی مخاطبان و پیروان سازمان جهانی بهداشت (WHO)



سجاد کاشانی
دبیر سرویس خبرنگار

از جبر به دنیا آمدن تا نوش اتمام حیات، زندگی، فرصتی برای انتخاب‌ها است که در میان دو جبر سکنی گزیده است. قدری که از پس‌کوچه‌های این بیداد مدرنیستیون و جهانی شدن بگذریم، بشر همان ذره‌ای است که از آخرین ایستگاه ثریا، در هیاهوی بقا، دیده می‌شود. وقتی که چشم‌ها را شستیم و از منظری دیگر-ایستگاه ثریا- نگرستیم، تفکر به تصاحب قدرت و بازیگری عرصه سیاست توسط بشری که ذره‌ای خرد از یک کل عظیم است جالب می‌شود. آن‌هم در جهانی که به نقل از ادبیات، بر پایه این مصرع است: «که تاثیر اختران شما نیز بگذرد».

مختصر آنکه شاید اگر اختیار بین دو جبر نبود و پیش از تولد، تقویم رویدادهای هستی را پیش روی‌مان می‌گشودند -در صورتی که سرنوشتش نیز موخر نوشته شده باشد- قطعاً چنین جهانی زیستن نداشت، و فارغ از آن میلی برای به دنیا آمدن وجود نداشت.

پیش از این، در بخش خبرنامه، با شما از ویروس کرونا و ردایی که بر قامت جهان‌مان پوشانده، سخن گفته‌ایم، اکنون نظراتان را به سرعت وقایعی جلب می‌کنم که بین شماره‌کنونی و پیشین نشریه-به مدت چهار هفته- نقشی جدید بر پیراهن اجتماع پوشانده است.

در این یک ماه مذکور، بشر به واکنش‌ها کردن شهروندان علیه ویروس کرونا پرداخت، اخبار واکسن‌های موفق

اعتماد سیاسی؛ حلقه مفقوده جامعه

مثل ملت، حمایت از قانون اساسی کشور، حمایت از امور اجرایی رژیم مثل دموکراسی و مانند آن، حمایت از کنش‌گران سیاسی و نهادهای سیاسی مثل دولت، پارلمان، قوه قضاییه، بوروکراسی و احزاب. اطمینان سیاسی بیشتر به نخبگان و رهبران سیاسی می‌پردازد ولی اعتماد سیاسی مفهومی عام‌تر است و علاوه بر کنش‌گران به نهادها و گاهی اوقات به خود نظام سیاسی هم می‌پردازد.

با توجه به نظریات بریتزر ابعاد اعتماد سیاسی را می‌توان در طیفی وسیع بین اعتماد سیاسی عام/انتزاعی تا اعتماد سیاسی خاص/به هم پیوسته در نظر گرفت که شامل سه بعد اعتماد سیاسی است. این سه بعد عبارتند از: میزان اعتقاد(باور یا اطمینان) افراد به سیستم یا نظام سیاسی، میزان اعتقاد (باور یا اطمینان) آنان به کارگزاران فعال در نظام سیاسی و میزان اعتقاد (باور یا اطمینان) آن‌ها به نهادهای سیاسی.

فوکویاما در تعریف اعتماد سیاسی به درک مشترک جامعه اخلاقی، اجتماعی و سیاسی با توافق بر روی ارزش‌های اجتماعی اشاره نموده است. هرینگتون می‌گوید اعتماد سیاسی عبارت است از درجه‌ای از باور شهروندان پیرامون توانایی و موفقیت حاکمان سیاسی در برآورده ساختن انتظارات آن‌ها. از نظر او ارتباط تنگاتنگی از یک سو، بین اعتماد اجتماعی (اعتماد مردم به یکدیگر) و سیاسی (اعتماد به نخبگان خود) و از سوی دیگر بین تجارب سیاسی افراد و برداشت آن‌ها از کارآمدی دولت وجود دارد. در این تعریف عنصر مهم و کلیدی در تلقی و ادراک شهروندان از کارآمدی دولت نهفته است و نه واقعیت مربوط به موفقیت‌ها و موقعیت‌های دولت به این معنا که ممکن است دولتی از نظر آمار و ارقام و اطلاعات دستگاه‌های خود یا دیگران از کارآمدی در عرصه‌های مختلف برخوردار باشد ولی مردم چنین تلقی و برداشتی از آن نداشته باشند. و در نهایت سیمز فساد رهبران بوروکراتیک (مدیران سازمان‌های دولتی) و عدم شایستگی اخلاقی آن‌ها، عملکرد نامناسب دولت در زمینه‌های مختلف، عدم تطابق انتظارات روافزون عامه مردم با عملکرد دولت و ضعف سیستم خدمات عمومی و کارکرد نامطلوب و غیر قابل دفاع بوروکراسی‌ها را از جمله عوامل اصلی بی‌اعتمادی مردم نسبت به حکومت‌ها ذکر می‌کند، به ویژه زمانی که بوروکراسی‌ها نمی‌توانند وعده‌های انتخاباتی سیاسیون را محقق سازند.



در آستانه انتخابات ریاست جمهوری نشان می‌دهد که سخت بتوان اقلیتی برای مشارکت مردم و حضور در پای صندوق‌های رای داشت. جریان موسوم به «اصلاحات» در محاق کامل فرو رفته است. ناکامی در انجام اصلاحات وعده داده شده، باعث روی‌گردانی حامیان آن‌ها شده است. جریان موسوم به «اصول‌گرایان» خیز بلندی به قصد یک‌دست‌سازی روند حکمرانی برداشته است. اما از این نکته نباید غافل شد که همیشه اوج گرفتن‌های زیاد سقوط‌های سهمگینی داشته است. «بی‌اعتمادی سیاسی» وضعیت غالب بر جامعه امروز ماست؛ گسست ناشی از بی‌اعتمادی در جامعه باعث می‌شود هیچ عضوی از جامعه احساس وظیفه نکند، گیدنز به «ذات مفهوم اعتماد سیاسی» اشاره کرده و معتقد است که در اعتماد سیاسی نوعی رابطه مبادله‌ای میان شهروندان و نظام سیاسی حاکم نهفته است. مردم برای رفع نیازهای خود به خصوص برای تأمین امنیت، آسایش و مشارکت در امور جامعه نیاز به ارتباط با دولت (منظور نظام سیاسی حاکم است نه دولت به معنای مصطلح آن در ایران) دارند و از سوی دیگر، این نیاز هم توسط دولت‌ها برای مشارکت شهروندان احساس می‌شود. هنگامی که در این مبادله مردم احساس کنند هزینه‌ها بیشتر از سود آن شده است، از مشارکت خود می‌کاهند. نوریس در تعریف اعتماد سیاسی به پنج شاخصه پرداخت که عبارتند از: حمایت از اجتماع سیاسی

سرمایه اجتماعی (مشارکت جامعه مدنی) در عرصه سیاسی و اعتراض مسالمت‌آمیز مردم دانست که بدون شک تبعات آن در آینده بیشتر مشخص می‌شود.

سال ۱۳۹۹ در شرایطی آغاز شد که جهان و ایران درگیر ویروس مرگبار کرونا بود. ویروسی که محدودیت‌های ناشی از آن منجر به ایجاد تنگناهای اقتصادی برای بخش عظیمی از مردم شد، اکنون که در پایان سال قرار داریم تحلیل وضعیت سیاسی انتخابات سال آینده چندان دشوار نیست. در یک‌سو جماعتی سرخورده از هر نوع مشارکت سیاسی و مدنی و در سوی دیگر جماعتی که همواره موفقیت خود را در عدم مشارکت و تک صدایی دیده است. به نظر نگارنده «تعلیق حق رأی» عنوانی است که می‌توان بر وضعیت فعلی مردم جامعه داد. توضیح آن که به نظر می‌رسد اکثریت جامعه آنچه که حق شرکت در انتخابات و حق رای دادن نامیده می‌شود را به حالت «تعلیق» درآورده‌اند. کسانی که اواسط دهه ۷۰ و سال‌های پایانی دهه ۸۰ و اواسط دهه ۹۰ خورشیدی در دانشگاه بوده‌اند حتماً به یاد دارند که در سال‌های منتهی به انتخابات ریاست جمهوری چه فضای پرشور و نشاطی در دانشگاه و جامعه وجود داشت. برگزاری مناظره‌های انتخاباتی، سخنرانی و تریبون آزادهای دانشجویی بی‌شک بخش جدایی‌ناشدنی از خاطرات مشترک دانشجویان آن دوره است. آسیب شناسی وضعیت موجود سیاسی



جمال مختاری
دکتری اندیشه سیاسی ۹۸

مهم‌ترین رویداد سیاسی ایران در سال ۱۴۰۰ انتخابات سیزدهمین دوره ریاست جمهوری خواهد بود. برای بررسی وضعیت پیچیده سیاسی و فضای سرد و کم‌رمق انتخاباتی ایران از حوادث و رویدادهای چندسال گذشته به خصوص از دی ماه ۱۳۹۶ می‌توان شروع کرد. نشاط و شادابی سیاسی که از انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۲ شروع و در اردیبهشت ۱۳۹۶ امتداد یافت به تدریج از دی ماه ۱۳۹۶ رو به زوال رفت. آنچه که در دی ماه ۹۶ و از مشهد پیرامون اعتراض نسبت به دولت جرقه خورد به سرعت سمت و سوی ضدیت با نظام را به خود گرفت و در مدت زمانی کوتاه در بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک کشور گسترش یافت، شروعی بود بر سلسله‌ای از اتفاقات و حوادث بعدی که آمریکایی‌ها آن را «تابستان داغ» نامیدند. اعتراضاتی که به دنبال خروج ترامپ از برجام و افزایش قیمت دلار و افزایش ناگهانی قیمت کالاهای مصرفی، نارضایتی‌های گسترده‌ای را به وجود آورد. اما این پایان ماجرا نبود. سال پر حادثه ۱۳۹۸ که با سیل ویران‌گر ابتدای سال در بسیاری از شهرهای کشور شروع شد با ظهور ویروس کرونا پایان خوشی نیز نداشت. مرور اتفاقات این سال پرفراز و نشیب روند کاهشی «سرمایه اجتماعی» را به خوبی نشان می‌دهد. از حوادث آبان ۹۸ و آمارهای منتشرشده از سوی رسانه‌های به خصوص خارجی و سکوت پر ابهام مسئولین داخلی و عدم اعلام آمار جان باختگان به طوری که هر نهادی مسئولیت اعلام آمار را بر گردن دیگری می‌انداخت و تا کنون نیز آمار دقیق اعلام نشده است، تا سقوط مرگبار هواپیمای مسافربری اوکراین و اصرار بر نقص فنی داشتن هواپیما و سرانجام پس از گذشت ۷۲ ساعت، صدور بیانیه ستادکل نیروهای مسلح و اعلام خطای انسانی پدافند سپاه پاسداران و شوک حاصل از آن بر جامعه، سیر صعودی کاهش اعتماد مردمی به ارکان مختلف کشور را شدت بخشید که سرانجام خود را در انتخابات ۲ اسفند با پایین‌ترین درصد مشارکت در تاریخ پس از انقلاب به وضوح نشان داد.

مشارکت ۴۲ درصدی در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی را به نوعی می‌شود کاهش



کاخ سفید در سند راهبردی امنیت ملی دولت جدید به تکرار ادعاهای بی اساس و نخ نمای خود علیه کشورمان پرداخت و مدعی شد که به تلاش‌ها برای مقابله با ایران ادامه می‌دهد. به گزارش ایسنا، کاخ سفید سند راهبردی امنیت ملی موقت دولت جدید آمریکا را با مصاد پنجشنبه، ۱۴ بهمن، منتشر کرد که در آن چهار بار به نام ایران اشاره شده است. دولت آمریکا به ریاست جو بایدن در این سند ادعاهای ساختگی و نخ نمای واشنگتن علیه کشورمان تکرار کرده و از ایران و کره شمالی که بمب هسته‌ای دارد در کنار یکدیگر به عنوان کشورهای نام برده است که منطقه و متحدان آمریکا را تهدید می‌کنند.

گفت‌وگو با استفان هرتزوغ، محقق پروژه مدیریت اتم در دانشگاه هاروارد توافق تدریجی با امتیازات متقابل امیدوارکننده ترین راه است

دهد. من شک ندارم که ایران روزی یک برنامه انرژی هسته‌ای پرچم و جوش خواهد داشت که مایه مباحثات ملی‌اش خواهد بود. اما تلاش‌هایی که ایران در حال حاضر برای عبور از محدودیت‌های برجام انجام می‌دهد می‌تواند برای صلح و حفظ اوضاع، کاهش یابد.

من معتقدم جمهوری اسلامی به دنبال سلاح هسته‌ای نیست اما برخی از سیاست‌گذاران در واشنگتن آن‌ها را به عنوان نشانه‌های واضح تمایل ایران به ساخت سلاح‌های هسته‌ای سوءتعبیر کرده‌اند.

فکر می‌کنید بایدن به برجام پای‌بند باشد؟

من دونالد ترامپ و مشاورانش را کاملاً مقصر عقب‌نشینی آمریکا از برجام می‌دانم. ایران به تعهدات خود در این معامله پای‌بند بود و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به طور منظم مطابقت آن را بررسی می‌کرد. به نظر می‌رسد ترامپ مشتاق است که این دستاورد تاریخی توسط باراک اوباما رئیس‌جمهور پیش از خودش، و رئیس‌جمهور روحانی را کنار بگذارد. او مکرراً بدون هیچ‌گونه اثباتی آن را «بدترین معامله‌ای که تاکنون به انجام رسیده است» می‌خواند و در نهایت هم از آن کناره‌گیری کرد. من فکر می‌کنم ترامپ درک بسیار محدودی از آنچه برجام در واقع انجام می‌دهد دارد و به راحتی سعی در جلب نظر برخی از اعضای حزب سیاسی خود که از اوباما خوش‌شان نمی‌آید و می‌خواهند ایران را مجازات کنند، داشت.

آنچه روشن است، این است که کمپین تحریم «فشار حداکثری» ترامپ کاملاً شکست خورده است. در این شرایط، بازگشت همه طرفین به قوانین برجام برای صلح، شفافیت و جلوگیری از سوءبرداشت‌ها ضروری است.

خوشبختانه، همه علائم نشان‌دهنده بازگشت ایالات متحده به برجام تحت نظر بایدن است. وی به عنوان معاون رئیس‌جمهور در زمان اوباما از این امر به شدت حمایت کرد. این خبر امیدوارکننده‌ای است اما با توجه به بی‌اعتمادی ایجاد شده توسط دولت ترامپ کار آسانی نخواهد بود.

بسیار بعید به نظر می‌رسد که ایران مایل به بازگشت به محدودیت‌های توافق، بدون لغو فوری بخشی از تحریم‌ها یا توانایی فروش آزاد نفت و گاز طبیعی باشد. به این ترتیب، تا زمانی که ایران در جهت کاهش سطح غنی‌سازی، ذخایر اورانیوم غنی شده و تعداد سانتریفیوژهای عملیاتی خود گام بردارد، ایالات متحده تحریم‌های کامل شامل برجام را ارائه نخواهد کرد. مذاکره درباره یک برنامه تدریجی با امتیازات متقابل و دوطرفه امیدوارکننده‌ترین نتیجه است.



اهداف صلح آمیز بدست آورد. ایران عضوی از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) است. ماده ۴ NPT «حق مسلم توسعه تحقیق، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز و بدون تبعیض» را به ایران می‌دهد. بنابراین، ایالات متحده به طور قانونی نمی‌تواند ایران را از توسعه یا دستیابی به انرژی هسته‌ای متوقف کند. اما تصورات کمی پیچیده‌تر است و نگرانی‌ها در مورد سطح غنی‌سازی اورانیوم است. ایران اکنون در حال برنامه‌ریزی برای غنی‌سازی مقادیر زیادی اورانیوم تا میزان ۲۰ درصد ایزوتوپ U-۲۳۵ است که بسیار فراتر از حد ۳۰۰ کیلوگرم غنی شده تا ۳۷۱۷ درصد بر اساس برجام است. برای این کار، جمهوری اسلامی چندین برابر سانتریفیوژهای مجاز در معاملات تأسیسات نطنز و فردو کار می‌کند. انتقال از اورانیوم به اصطلاح «بسیار غنی شده ۲۰ درصد» به «اورانیوم با درجه تسلیحات ۹۰ درصد» برای ساخت بمب اتمی چندان سخت نیست. بنابراین کمیت و سطح غنی‌سازی که توسط ایران دنبال می‌شود بسیار فراتر از حد برجام رفته است و هدف انرژی هسته‌ای غیرنظامی این مواد همچنان نامشخص است.

هر کسی در دولت‌های دونالد ترامپ یا بنیامین نتانیاهو استدلال می‌کند که ایران اجازه ندارد انرژی هسته‌ای بدست آورد، در اشتباه است. ایران این حق را توسط NPT تضمین کرده و می‌تواند این کار را انجام

تأیید نشده است. با این حال روشن است که برخی از بازیگران، سال‌ها دانشمندان هسته‌ای ایران را هدف قرار داده‌اند.

از یک سو، ممکن است ترور دکتر فخری‌زاده برای عقب انداختن برنامه هسته‌ای ایران باشد. اما همانطور که قبل‌تر اشاره کردم، این یک طرح احمقانه است. تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی از نظر جغرافیایی پراکنده است و دانش فنی و آموزه‌های دکتر فخری‌زاده مطمئناً در بسیاری از دانشجویان سابق وی که در زمینه علوم هسته‌ای در سراسر ایران کار می‌کنند، منتشر شده است.

از طرف دیگر، این حمله ممکن است توسط بازیگرانی صورت گرفته باشد که قصد دارند دیپلماسی آینده را بین ایران و دولت جو بایدن در ایالات متحده برهم بزنند. امیدوارم رئیس‌جمهور روحانی و مشاوران وی مسیر گفت‌وگو در مورد برجام با تیم بایدن را حفظ کنند. از نگاه من وقتی ایران و ایالات متحده با هم همکاری می‌کنند جهان مکان امن‌تری است.

از نگاه شما، با توجه به اینکه ایران بارها اعلام کرده‌است که به دنبال سلاح هسته‌ای نیست، حق دستیابی به انرژی هسته‌ای را دارد؟

ایران کاملاً حق دارد فناوری‌های انرژی هسته‌ای را برای



سجاد کاشانی
کارشناسی علوم سیاسی ۹۸

پیش‌مصاحبه: استفان هرتزوغ (Stephen Herzog) یکی از محققین پروژه مدیریت اتم در دانشگاه هاروارد است. تحقیقات وی در زمینه کنترل تسلیحات هسته‌ای، بازدارندگی و گسترش سلاح‌های هسته‌ای است. اکنون که سه ماه از ترور شهید محسن فخری‌زاده، دانشمند هسته‌ای کشور، می‌گذرد بر آن شدیم تا در این گفت‌وگو به تحلیل پیامد این ترور در سطح بین‌الملل بپردازیم.

تحلیل شما نسبت به حساسیت بین‌المللی در خصوص ترور دکتر محسن فخری‌زاده چیست؟

دیدگاه‌ها درباره دکتر فخری‌زاده در داخل و خارج از ایران متفاوت است. من می‌دانم که او در جمهوری اسلامی به عنوان استادی شناخته می‌شد که به توسعه برنامه هسته‌ای کمک می‌کرد و از مذاکره برنامه جامع اقدام مشترک JCPOA (برجام) پشتیبانی می‌کرد. دکتر فخری‌زاده توسط ایالات متحده و شورای امنیت سازمان ملل متحد مورد تحریم سفر و دارایی قرار گرفته بود. این تحریم‌ها به دلیل نقش وی در فعالیت‌های هسته‌ای اجرا شد. اسرائیل همچنین وی را به هدایت تلاش‌های تحقیقاتی ایران درباره سلاح‌های هسته‌ای از سال ۱۹۸۹ تا زمان قطع برنامه هسته‌ای در سال ۲۰۰۳ متهم کرد. هرچند مقامات ایرانی همواره این ادعاها را رد کرده‌اند.

حقیقت هرچه باشد، من فکر می‌کنم مورد هدف قراردادن دانشمندان برای سوءقصد، سیاستی نادرست است که بنا بر سه دلیل محکم نباید دنبال شود؛ نخست آن‌که، ترورهایی که توسط دولت‌ها انجام می‌شود طبق قوانین بین‌المللی غیرقانونی است. دوم، قتل‌های هدف‌مند اغلب منجر به تلافی‌جویی یا تشدید تنش‌ها می‌شود. سوم، اگر هدف این بود که برنامه هسته‌ای ایران عقب بماند، این اتفاق نمی‌افتد زیرا برنامه ایران بسیار گسترده‌تر از عملکرد و برنامه‌های فردی‌ست و شامل مجموعه‌ای پیچیده از امکانات و دانش فنی است.

آیا ایالات متحده یا اسرائیل می‌توانند در این ترور نقش داشته باشند؟ پیامدهای آن چه می‌تواند باشد؟

من ادعاهای مختلفی را شنیده‌ام که ایالات متحده، اسرائیل و مجاهدین خلق - با احتمالاً ترکیبی از این‌ها - در این ترور دخیل بوده‌اند. هیچ‌یک از این گزارش‌ها



مهیتم درستی
کارشناسی ارشد حقوق ۹۸

در جریان برگزاری مجامع عمومی احزاب برای تطبیق اساسنامه‌هایشان با قانون جدید وزارت کشور در سال ۱۳۹۷، همه شخصیت‌های حزبی و غیر حزبی از هر دو جناح؛ بر این موضوع اذعان کردند که بهترین راه اداره کشور از کانال احزاب است، اما به نظر می‌رسد شکل‌های سیاسی راهی طولانی برای دستیابی به این هدف دارند.

چهاردهم خردادماه ۱۳۹۷ آخرین مهلت برگزاری کنگره سراسری احزاب متقاضی فعالیت سیاسی در کشور بود و شکل‌های سیاسی باید تا این تاریخ خود را با قانون جدید فعالیت احزاب تطبیق می‌دادند. به همین دلیل احزاب و گروه‌های سیاسی اقدام به برگزاری مجمع و کنگره‌های خود کردند تا بتوانند برای ادامه فعالیت خود نظر وزارت کشور را تأمین کنند. البته این تاریخ به دلیل آماده نبودن برخی احزاب برای برگزاری کنگره چند بار تمدید شد.

قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مصوب چهارم بهمن ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی، هشتم آبان

ت حزب، بهترین راه ادارۀ کشور

را برنامه محور و احزاب رقیب را فصلی و انتخاباتی می‌دانند، اصل آموزش، کادرسازی و تمایل نداشتن به کسب قدرت را از محورهای فعالیت آینده خود تعریف می‌کنند. در این میان تعداد زیادی حزب در وزارت کشور ثبت شده‌اند که در اصطلاح به آن‌ها «احزاب کاغذی» گفته می‌شود، تکلیف این گروه از احزاب با قانون جدید احزاب وزارت کشور چه می‌شود؟ احزابی که حد نصاب تعداد عضو، دفاتر را ندارند و همچنین به عنوان حزب رسمی خود را آماده سهم خواهی در انتخابات بعدی می‌کنند.

نکته قابل توجه و تامل این روزها، اذعان شخصیت‌های حزبی و غیر حزبی هر دو جناح اصلی به ضرورت اداره کشور از کانال احزاب است. اینکه همه متوجه ضرورت حزب در اداره کشور شده‌اند جای بسی خوشحالی دارد، ولی سوالی که پیش می‌آید این است که کثرت احزاب چه کمکی می‌تواند به روند حزبی شدن پروسه سیاسی کشور بکند؟ به نظر می‌رسد تب و تاب احزاب در سال ۹۷ علاوه بر تکلیف وزارت کشور برای تطبیق اساسنامه و مرامنامه، نزدیک شدن به انتخابات مجلس شورای اسلامی است. نگارنده امیدوار است حزبی شدن اداره کشور موضوعی جدی و ادامه دار باشد.

ظهور بیرونی ندارند و بیشتر به دوره‌های گذشته‌های سیاسی شبیه‌اند تا تشکل سیاسی. شاید همین وضعیت نابه‌سامان احزاب در کشور است که سبب شده کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور اجرای قانون جدید سامان‌دهی تشکل‌های سیاسی مصوب مجلس نهم را در دستور کار خود قرار دهد.

حزب از پایه‌های استقرار دموکراسی است و انتظار می‌رود هر حزبی بنا به فلسفه وجودی‌اش بخشی از جامعه را نمایندگی کند، اما به اعتقاد قریب به اتفاق سیاسیون خشت اول حزب در ایران کج بنا شده چون اغلب مجموعه‌های سیاسی فصلی و فردمحور هستند و وقتی برخی اعضا نمی‌توانند خود را با سلیقه دیرکل و مجموعه مدیریتی حزب تطبیق دهند یا آثار اندیشه‌ها و تفکرات‌شان را در تصمیم‌گیری‌ها و کنش‌گری‌های آن حزب ببینند، بعد از مدتی جدا می‌شوند و حزبی جدید را تأسیس می‌کنند، بدون آنکه به اصل وجودی تأسیس حزب یعنی نمایندگی مطالبات طبقات و اقشار بیندیشند. در ماه‌های گذشته تعدادی از احزاب با برگزاری مجمع عمومی، اساسنامه و مرامنامه خود را با قانون جدید احزاب تطبیق داده اند. نقطه مشترکی که از زبان مسئولان این احزاب شنیده شد اعتقاد به اصل حزب و اداره جامعه از کانال حزب بود. همه این احزاب خود

اگر یک ساعت در برداشتن تحریم تعلل کنیم، حقوق مردم را پایمال کرده ایم



رئیس جمهور با تاکید بر اینکه تحریم باید برداشته شود، اظهار کرد: این حق مردم است و اگر یک ساعت در برداشتن تحریم تعلل و امروز و فردا کنیم و آینده را پیش پای خود بگذاریم حقوق مردم را پایمال کرده ایم؛ اینکه می گویند حقوق عامه همین است.

به گزارش ایسنا، حجت الاسلام والمسلمین حسن روحانی صبح امروز در جلسه هیات دولت اظهار کرد: FATF یک گروه ویژه است که اقداماتی راجع به مسائل مالی و ترانکش ها انجام می دهد و همه کشورهای شرق و غرب به آن ملحق شده اند. اگر بد است چطور همه دنیا آن را قبول کرده اند؟ تمام اروپا و همه شرق و چین و روسیه و ترکیه و همسایگان ما به آن ملحق شدند. این چیزی است که اجماع دنیا روی آن است و همه ملت ها تلاش می کنند رتبه بالاتری در این گروه بدست بیاورند، اما ما ایستاده ایم و تنها تماشا می کنیم.

ایران، در آستانه قرن ۱۵ هجری شمسی



سطح عمق و ژرفای به لایه‌های بیرونی تمایل پیدا خواهد کرد. در سطح اجتماع ما شاهد نوعی دگرگونی در سیستم حیات خانوادگی از وضعیت کلاسیک و سنتی آن به ساختارها و سبک زندگی جدید خواهیم بود که می‌تواند تراحم و اصطکاک میان نگرش‌های سنتی و جدید را در جامعه ایرانی افزایش دهد. پدیده گسترش طلاق در ایران در سال‌های اخیر همزمان با کاهش نرخ ازدواج، کاهش نرخ باروری زنان و کوچک‌تر شدن خانواده نیز می‌تواند آثار عمیق اجتماعی و سیاسی را در آینده به نمایش بگذارد، از سویی احتمال افزایش بیکاری و اعتیاد و پیامدهای اجتماعی آن نیز جامعه ما را به مخاطره می‌اندازد.

از طرفی دیگر باید بدانیم که وضعیت اقتصادی نیز در آغاز قرن ۱۵ برای ایران چندان چشم‌انداز روشنی ندارد، چرا که ایران در میان اقتصاد جهان، یک اقتصاد درحال رشد محسوب می‌شود. به گزارش انسیتو فرانسوی روابط بین‌الملل دربارهٔ امور بازرگانی جهان در قرن ۲۱، حتی کشورهای اروپایی از نظر اقتصادی در مرزهای بدی قرار دارند. قطعاً اقتصاد ایران نیز این خطر را متناسب با وضعیت خود از سرخواهد گذراند. گرچه اقتصاد ما به اقتصاد بین‌الملل وابستگی کمتری دارد، اما همین تک‌محصولی بودن اقتصاد می‌تواند در اثر رکود اقتصادی بین‌المللی خطرات خاصه خود را از داشته باشد.

احتمال اثرگذاری وقوع بحران‌های طبیعی بر اقتصاد ایران نیز در سال آینده بسیار بالاست. بر اثر گزارشات زمین‌شناسی و تغییرات آب و هوایی ناشی از سونامی‌هایی که در چندسال گذشته رخ داده است، بر این باورم که وضعیت آب و هوایی می‌تواند دوباره دگرگون شود و احتمال وقوع سیل و زلزله و پیامدهای آن را در ایران افزایش دهد. علاوه بر آن احتمال گسترش کووید ۱۹ و تبدیل آن به ویروس جهش‌یافته فرانگلیسی نیز نباید نادیده گرفته شود. حال این پرسش پیش می‌آید که آیا ایران برای مقابله با این اوضاع آمادگی دارد؟

داخل کشور، زمینه‌های ایجاد فضای فشار را بر زمره طبقات گوناگون مردم افزایش داد و به این ترتیب ما در سه لایه میدانی نزدیک، میانی و دور، هزارتویی از بحران‌ها را مشاهده کردیم که فضای تنفسی جامعه را محدود کرد. بحران کووید ۱۹ و به اوج رسیدن تحریم‌های حداکثری علیه جمهوری اسلامی در کنار رکود اقتصادی زمینه‌هایی را به وجود آورد که لایه‌های گوناگون مردم در یک مسیر سخت قرار بگیرند، صاحبان مشاغل ضربه اقتصادی دیدند و وضعیت روحی و اجتماعی جامعه نیز با بحران‌های زیادی درگیر شد که منجر به افزایش طلاق، بزه و به دنبال آن نامنی و بروز خشونت‌های متفاوت رفتاری و کنشی شد. این لایه‌بندی بحران نه تنها در سطح اجتماعی، بلکه در سطوح دیگر نیز خود را به نمایش گذاشت؛ در سازمان‌ها، نهادها و ارکان حرکت جامعه به گونه‌ای ایجاد اختلال کرد که

توقف اجرای پروتکل الحاقی؛

کاسه صبری که لبریز شد



به وعده‌های خود عمل نکردند، دولت ایران قانون مجلس شورای اسلامی به اجرا رساند و تمامی نظارت‌های فرا پادمانی را لغو و غنی‌سازی ۲۰ درصد را آغاز نمود. این اقدام اگر چه دیربنگام آغاز شد اما در زمانی روی داد که دولت جدید امریکا مشخص شده بود و به نحوی قاطع اعلام شد که خود نشانه‌ای از تغییر رویکرد مواجهه با کشورهای بدعهد غربی از موضع قدرت است.

در راستای قانون اقدام راهبردی مجلس و با آغاز نگرانی‌های کشورهای غربی از خروج ایران از پروتکل الحاقی، رافائل گروسی، دبیرکل آژانس بین‌المللی هسته‌ای، به ایران سفر کرد و حاصل این سفر امضای توافق راسستی‌آرما از سوی ایران و همگام با قانون اقدام راهبردی مجلس بود.

طبق این توافق، به مدت ۳ ماه تمامی دوربین‌های نظارتی در مراکز هسته‌ای ضبط می‌شود، در این مدت اگر کشورهای متعهد به تعهدات خود در چارچوب برجام عمل کنند، جمهوری اسلامی ایران نیز به تمامی تعهدات هسته‌ای خود عمل می‌کند و فیلم‌های دوربین‌های نظارتی مراکز هسته‌ای را در اختیار آژانس قرار می‌دهد، اما اگر چنین اتفاقی نیفتد، تمامی فیلم‌های نظارتی امحا شده و هرگز به دست آژانس نمی‌رسد.

به نظر نگارنده بعد از تصویب قانون مصوبه مجلس شورای اسلامی مبنی بر کاهش تعهدات برجامی، تضمین لغو تحریم‌ها با وجود تاخیرهای انجام گرفته، تصمیمی قاطع و در مسیری مناسب انجام گرفته است. دیگر جمهوری اسلامی ایران برای بازگرداندن توازن به اجرای برجام(تعهد در برابر تعهد و نقض در برابر نقض) مصمم و قاطع است. ایران دیگر نه خریدار وعده‌های بدون تضمین است و نه مشتاق مشوق‌هایی همچون اینستکس. اکنون فقط لغو راستی‌آزمایی همه تحریم‌های بانکی و نفتی، ایران را ملزم به اجرای تعهدات برجامی می‌کند.

مجلس شورای اسلامی برای عدم اجرای پروتکل آن را نپذیرد شرایط تغییر می‌کند.

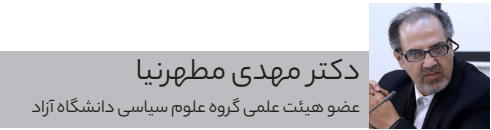
طرح دو فوریتی قانون اقدام راهبردی بر لغو تحریم‌ها و صیانت از حقوق ملت ایران ۱۲ آذرماه سال جاری در مجلس شورای اسلامی اصلاح و توسط شورای نگهبان تایید شد. در ذیل یکی از مفاد این طرح، دولت ایران موظف است در صورت عدم اجرای کامل تعهدات توسط کشورهای متعهد (۱+۴) و عادی نشدن روابط کامل بانکی، عدم رفع کامل موانع صادرات و فروش نفت و فرآورده‌های نفتی ایران و برگشت سریع ارزش حاصل فروش آن، دو ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون در مجلس شورای اسلامی نظارت‌های فراتر از پادمان از جمله اجرای داوطلبانه سند یا پروتکل الحاقی را متوقف کند.

در روز ۵ اسفند پس از آنکه کشورهای متعهد در برجام

پروتکل الحاقی کشورها باید ۵نوع فعالیت، واردات و صادرات برخی اقلام و تجهیزات خود را گزارش دهند. همچنین این امکان را دارد که درباره اماکن مشکوک، سوال و مهلتی را برای پاسخ کشور مورد نظر مشخص کند.

ایران در سال ۱۳۸۲ و پس از توافق با سه کشور اروپایی اعلام کرد که برای اعتمادسازی، پروتکل الحاقی را داوطلبانه اجرا می‌کند، اما در سال ۱۳۸۴ اجرای آن را متوقف کرد و نهایتاً ۱۰ سال بعد هم‌زمان با اجرای برجام بار دیگر آن را پذیرفت.

پروتکل الحاقی آژانس ممکن است نتواند فعالیت‌های اتمی را به طور کامل راستی‌آزمایی کند اما با این حال، تا زمانی که آژانس تقاضای بازرسی از مکانی مشکوک را ندهد؛ عملاً اتفاقی روی نخواهد داد. اما اگر آژانس درخواست بازرسی بدهد و ایران بر اساس مصوبه

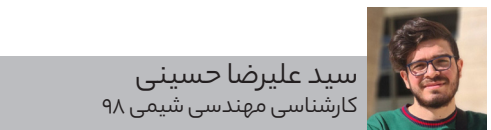


عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد

انتخابات ۱۴۰۰ چالشی عظیم از منظر همگرایی ملت و حکومت برای ایران محسوب می‌شود چرا که با دغدغه میزان مشارکت‌کنندگان در پای صندوق رأی روبه‌روست. اگرچه نظرسنجی‌ها از حضور بالغ بر ۴۰ درصد مردم در پای صندوق رای خبر می‌دهند اما این نظرسنجی‌ها و ارائه آمارها اغلب بسیار لغزنده است و مورد تأیید مردم و جامعه پژوهشی نیست. جامعه دچار دل‌زدگی انتخاباتی است. شان رئیس‌جمهور در قانون اساسی مناسب و متناسب با قدرت او در صحنه اجرایی نیست. از نظر مردم آرایش محتوایی، معنا، جایگاه، موقعیت و اثر رئیس‌جمهور به عنوان دومین مرد قدرتمند در قانون اساسی نشان‌گر آن است که رئیس‌جمهور صرفاً یک هماهنگ‌کننده اجرایی، رئیس دستگاه بوروکراسی و مسئول ایجاد ارتباط نهادهای گوناگون با یکدیگر است.

مهم‌ترین چالش پیش روی انتخابات ۱۴۰۰، اعتنای مردم نسبت به شرکت در انتخابات و القای این مسئله است که رئیس‌جمهور می‌تواند فرد تاثیرگذاری بر روند جریان‌ات آینده باشد است. مردم علی‌رغم جریان‌ات اخیر (درگیری رئیس دولت نهم و دهم با پنج‌مین رئیس مجلس شورای اسلامی) بر این نکته تاکید دارند که این درگیری‌ها در آستانه انتخابات، تنها ضرورت مشارکت را به نمایش می‌گذارد اما تاثیرگذار نیست. این اصطکاک‌ها انتخابات را به سمت قطبی کردن مردم می‌کشاند؛ درحالی که مردم از این رویکردها در جهت حرکت به سوی تفکر انتخاباتی روی‌گردان شده‌اند.

به صورت کلی سال ۱۳۹۹ یکی از بحران‌سازترین سال‌های اخیر محسوب می‌شود. در لایه‌های هزاتوی تغییراتی که جهان شاهدش بود، تغییرات پرشتاب و پرهزینه‌ای که در منطقه ایجاد شد و تحولات درونی



سید علیرضا حسینی کارشناسی مهندسی شیمی ۹۸

توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ موسوم به برجام(برنامه جامع اقدام مشترک)که در تیرماه سال ۱۳۹۴ به امضا رسید،گرچه اولین تجربه نقص خود را در زمان ریاست جمهوری اوباما از سر گذراند، اما با خروج یک جانبه ترامپ در (۷می ۲۰۱۸) عملاً دوران جدیدی را آغاز کرد.

در آن زمان طرف اروپایی(یعنی ۳کشور آلمان، انگلیس، فرانسه و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا) خواستار عدم خروج متقابل ایران از برجام شدند و با وعده تضمین منافع برجامی ایران ذیل ۱۱ بند، تهران را در خصوص تداوم انجام تعهدات خود متقاعد کردند؛ این درخواست از سوی ایران نیز پذیرفته شد .

در این راستا کشورمان تا یک سال یعنی اردیبهشت ۱۳۹۸ به صورت یک طرفه به اجرای تعهدات خود ادامه داد تا آن‌جا که مسجل شد طرف اروپایی متأثر از سیاست‌های ترامپ عزمی برای انجام تعهدات خود ندارد .

پس از گذشت حدود یک سال و نیم از آغاز گام‌های مربوط به کاهش تعهدات برجامی، ایران تنها در بخش مربوط به غنی‌سازی برخی اقدامات مقابله‌ای را انجام داده بود و در حوزه تعدیل (نظارت‌ها) اقدام خاصی را پیگیری نکرده بود که با خروج از پروتکل الحاقی نقطه عطفی در سیاست خارجی در حوزه برجام پدید آمد .

در سال ۱۹۶۷ پیمان‌ی به نام منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای(یا ان پی تی) متولد شد و اکنون ۱۸۹ کشور متعهد و عضو آن هستند، این سیستم متشکل از سیستم بازرسی به نام پادمان است تا صلاح‌آمیز بودن استفاده کشورها از انرژی اتمی را تضمین کند. بر اساس پادمان، آژانس انرژی اتمی از فعالیت‌های این کشورها بازرسی انجام می‌دهد و نتیجه را اعلام می‌کند.

پروتکل الحاقی سندی است که به منظور تقویت کارایی پادمان در سال ۱۹۹۷ طراحی شده است. بر اساس



مسعود فتاح زاده

دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی ۹۵

موضوع حضور اتباع افغانستانی در ایران قدمتی چهل ساله دارد و در طول این چهل سال به انحاء گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. اما این موضوع در ماه‌های اخیر به واسطه آغاز روند اخراج مهاجران افغانستانی از ایران و حواشی آن مانند سیلی زدن مامور نیروی انتظامی به مهاجر زن افغانستانی ابعاد جدیدی پیدا کرده است. به نظر می‌رسد مسئلهٔ اصلی در رابطهٔ با مهاجران افغانستانی اخراج آن‌ها از ایران نیست، بلکه خروج آن‌ها است که نشان از کاهش جذابیت ایران برای آن‌ها دارد و می‌تواند عواقب گوناگونی را به دنبال داشته باشد. این یادداشت تلاش می‌کند از دریچهٔ آمار نیم‌نگاهی به وضعیت پناهندگان و مهاجران در ایران و فرآیند خروج آن‌ها از کشور داشته باشد.

جمعیت پناهندگان^۱ در ایران چقدر است؟

موضوع پناهندگان افغانستانی در ایران از اواخر سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹) با حملهٔ نظامی شوروی به افغانستان و مهاجرت اجباری تعداد قابل توجهی از افغانستانی‌ها بر اثر آن، آغاز شد. سیاست درهای باز ایران در آن دوره، با حضور حداکثری مهاجران افغانستانی در ایران و میزبانی از آن‌ها در چهار دههٔ گذشته همراه بوده است. نمودار ۲ که بر اساس داده‌های کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل ترسیم شده است، روند تعداد پناهندگان افغانستانی به کشور را به روشنی نشان می‌دهد. در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران میزبان یکی از بزرگترین جمعیت‌های پناهندگی شهری در دنیاست. اگرچه آمارهای موجود در زمینه تعداد واقعی مهاجران افغانستانی در ایران چندان دقیق نیست، اما برآوردها نشان از جمعیت ات ۳ میلیون نفری آن‌ها در ایران دارد. آخرین آمار کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل مربوط به سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۵) است که تعداد پناهندگان در ایران را ۱٬۵۸۱٬۱۴۲ نفر اعلام می‌کند.^۲ اما بر اساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، تعداد اتباع خارجی در کشور ۱٬۷۵۴٬۳۸۸ نفر است که ۱٬۵۸۳٬۹۷۹ نفر از آنان را اتباع افغانستانی تشکیل می‌دهند.

از طرفی اظهارنظرهای مسئولان آمارهای متفاوتی را نشان می‌دهد. در میان مسئولان افغانستانی، سید حسین عالمی بلخی؛ وزیر امور مهاجران افغانستان در خرداد ۱۳۹۷ آمار رسمی اتباع این کشور در ایران را بیش از ۲٫۴ میلیون پناهجو و مهاجر اعلام می‌کند.^۳ اظهار نظرهای مسئولان ایرانی نیز مانند عبدالرضا رحمانی فضلی^۴؛ وزیر کشور در سال ۱۳۹۵، مهدی محمودی^۵؛ مدیرکل دفتر امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور در سال ۱۳۹۸ و حسین ذوالفقاری؛ معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور در سال ۱۳۹۸^۶، حاکی از حضور حدود ۳ میلیون مهاجر در ایران است. به نظر می‌رسد دلیل اصلی اختلاف آمار ارائه شده از سوی مسئولان ناشی از افزوده شدن تعداد مهاجران غیرمجاز در کشور است. بر اساس این آمار نه‌چندان دقیق، می‌توان گفت احتمالاً ایران در حال حاضر در میان پنج کشور اول پذیرندهٔ بزرگ پناهندگان در دنیا قرار گرفته است.

خروج مهاجران؛ روی دیگر مسئلهٔ پناهندگان در ایران

رویداد مهم در ارتباط با پناهندگان در سال‌های اخیر، ایجاد موج خروج پناهندگان افغانستانی از ایران است. مسئولان کشور معتقدند که ایران در طول چهل سال گذشته میزبانی خوبی از مهاجران افغانستانی انجام داده است، ولی ادامه این روند مستلزم دریافت بسته‌های مالی از نهادهای بین‌المللی و کشورهای غربی است.^۷ به نظر می‌رسد، ادراک مسئولان در وضعیت فعلی این است که هزینه‌های مهاجران خارج از توان ایران است یا لاقابل این رویکرد برای دریافت کمک‌های بین‌المللی در شرایط سخت اقتصادی حاکم بر کشور اتخاذ شده است. مثلاً عباس عراقچی؛ معاون سیاسی وزارت امور خارجه در اردیبهشت

رشد اقتصادی ایران مثبت شد

به گزارش ایسنا، بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در پاییز امسال رشد اقتصادی کشور، به مثبت ۰٫۸ درصد و رشد اقتصادی بدون نفت به مثبت ۰٫۲ درصد رسیده است. این در حالی است که رشد گروه کشاورزی به مثبت ۵٫۵ درصد، گروه صنایع و معادن به مثبت ۳٫۷ و گروه خدمات به منفی ۱٫۸ رسیده است.

محصول ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ در ۹ ماهه نخست سال ۱۳۹۹ به ۵۲۳ هزار میلیارد تومان با نفت و ۴۵۴ هزار میلیارد تومان بدون احتساب نفت رسیده است، در حالی که در مدت مشابه سال قبل با نفت ۵۲۹ هزار میلیارد تومان و بدون نفت ۴۵۹ هزار میلیارد تومان بوده که نشان از رشد منفی ۱٫۲ درصدی رشد اقتصادی با نفت و منفی یک درصدی بدون نفت دارد.

در ۹ ماهه اول امسال فعالیت‌های گروه کشاورزی ۳، گروه صنایع و معادن ۰٫۸ و گروه خدمات ۳٫۳- درصد نسبت به دوره مشابه سال قبل، رشد داشته است.

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال ششم / شماره هفتاد و سه / سالنامه ۱۳۹۹

ایران پساپناهندگان؛ فرصت یا تهدید

خروج از کشور را تسهیل می‌کند.

خروج مهاجران افغانستانی چه عواقبی به دنبال دارد؟

به نظر می‌رسد عواقب خروج مهاجران افغانستانی از کشور دارای دو بعد است. بخشی از عواقب این اتفاق به وضعیت سلامتی پناهجویان پس از خروج از ایران مربوط است. به نظر می‌رسد بسیاری از کشورها آمادگی پذیرش موج‌های بزرگ پناهجویان را ندارند و افغانستان از این نظر شرایط بحرانی‌تری دارد. این موضوع در دوران شیوع کرونا و ناامنی حاکم بر افغانستان می‌تواند منجر به رخداد فجایع انسانی شود.^{۱۴} بعد دیگر عواقب خروج مهاجران افغانستانی از ایران، در حوزهٔ اشتغال قابل بررسی است.

با نگاه به اشغال ۱٫۵ تا ۲ میلیون فرصت شغلی توسط مهاجران افغانستانی در ایران^{۱۵}، ممکن است این تصور به وجود آید که خروج افغانستانی‌ها با بازیابی فرصت‌های شغلی و بهبود اوضاع بی‌کاری در کشور همراه است، اما بررسی دقیق‌تر الگوی اشتغال مهاجران افغانستانی مسئله را متفاوت می‌کند. الگوی اشتغال مذکور دارای دو ویژگی اصلی است. اول این‌که مهاجران عمدتاً در حوزه مشاغل سخت در بخش ساختمان و خدمات فعالیت می‌کنند. محسن ابراهیمی، مدیرکل اشتغال اتباع خارجی وزارت کار در سال ۱۳۹۸ بیان می‌کند که ۷۰ درصد افغانستانی‌های ساکن ایران در بخش ساختمان مشغول به کار هستند^{۱۶} و بسیاری از ایرانیان به دلیل سختی این دسته از مشاغل حاضر نیستند به راحتی به آن تن بدهند. دوم این‌که این افراد حاضر به فعالیت در مشاغل پایین‌مرتبه هستند و عمدتاً دستمزدهای پایینی دریافت می‌کنند. بسیاری از جوانان ایرانی به دلیل افزایش سطح تحصیلات و به دنبال آن توقع داشتن شغلی با منزلت و درآمد بالا، از قرار گرفتن در موقعیت‌های شغلی کم‌درآمد و پایین مرتبه اجتناب می‌کنند. در این ارتباط علی ربیعی، وزیر سابق تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال ۱۳۹۲ بیان می‌کند که «متأسفانه در کل کشور سخت کوشی و همت اجتماعی رو به افول است و باید برنامه‌ریزی لازم صورت گیرد تا فرهنگ کار در افراد نهادینه شود. در حال حاضر دو و نیم میلیون شغل در کشور وجود دارد که ایرانی‌ها تمایلی به انجام آن ندارند.»^{۱۷}

برخی از متخصصان پیش‌بینی می‌کنند روند فعلی خروج مهاجران افغانستانی از ایران، بخش مسکن و خدمات را با کمبود نیرو مواجه کرده است و در نهایت می‌تواند از طریق به کاهش میزان ساخت‌وساز، به نابودی بسیاری از فرصت‌های شغلی در این حوزه از اقتصاد و همچنین افزایش قیمت مسکن در ایران بینجامد. بنابراین به نظر می‌رسد خروج مهاجران افغانستانی از کشور لزوما منجر به ایجاد وضعیت بهتر نمی‌شود، بلکه می‌تواند جان بسیاری از مهاجران افغانستانی خارج شده از کشور را در معرض خطر قرار دهد و اقتصاد ایران را با کمبود نیروی کار مواجه سازد.

۱. کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان (Convention Related to the Status of Refugees) (کنوانسیون)، پناهنده را شخصی تعریف می‌کند که به دلیل «ترس موجه از تحت آزار بودن» به دلیل هویت مذهبی، سیاسی، جنسی یا سایر (ابعاد) هویت اجتماعی از مرزهای بین‌المللی عبور کرده است، و کشورش نمی‌خواهد یا نمی‌تواند از وی محافظت کند یا ممکن است در واقع عامل اصلی آزار و اذیت او باشد و پناهجویان افرادی هستند که طبق تعریف کنوانسیون درخواست شناسایی پناهندگی داده اند (Assembly Convention relating to the status of refugees. (1۹۵۱). U. N. G Convention, United Nations, Treaty Series ۱۸۹. (۱۳۷۰).

۲. unhcr.org/ir/fa/refugees-in-iran/

۳.b2n.ir/472353

۴. b2n.ir/078800

۵. b2n.ir/933045

۶. b2n.ir/472353

۷.b2n.ir/635386

۸.b2n.ir/923780 |https://b2n.ir/749362

۹. migrationdataportal.org/?i=avrr..origin&t=2019&cm49=4

۱۰.b2n.ir/897911

۱۱.محمد قنبری، سید مصطفی حسینی، سلمان حیاتی، (۱۳۹۵) تحلیل میزان رضایت از زندگی و تمایل به بازگشت مهاجرین افغانستانی (نمونه موردی: استان خراسان رضوی)، نشریه جغرافیای سیاسی، (۲) ۱۳۹-۱۷۲.

۱۲.b2n.ir/163937

۱۳.b2n.ir/749362

۱۴.b2n.ir/904063 |https://b2n.ir/635386

۱۵.b2n.ir/904063

۱۶.b2n.ir/118383



■ سرمایهٔ اجتماعی (قسمت دوم)

مراجع و مساجد؛ علل ایجاد همبستگی در دههٔ اول انقلاب



سمیه معمارزاده

دکتری اندیشه سیاسی ۹۷

مطالعهٔ تاریخ ایران پس از انقلاب اسلامی، دههٔ اول انقلاب را پرحادثه‌ترین و سخت‌ترین دههٔ عمر انقلاب نشان می‌دهد. حوادثی از جمله، انفجارها و آشوب‌های گوناگون در نقاط مختلف کشور، ترور شخصیت‌های تاثیرگذار انقلاب، درگیری‌های پس از عزل بنی‌صدر، واقعهٔ صحرای طبس، کودتای نوژه و از همه مهم‌تر حملهٔ عراق به ایران و آغاز جنگ هشت ساله.

اما در کنار تمامی این مسائل پس از پیروزی انقلاب، اقداماتی نظیر کادرسازی نیروهای انقلابی، بسیج عمومی و استفاده از قدرت توده‌ها و تشکیل بسیج مستضعفین، ایجاد کمیتهٔ امداد امام و تحت پوشش قراردادن محرومین جامعه، نهاد جهاد سازندگی با هدف آبادانی روستاها، نهاد سپاه پاسداران برای نگهدیانی و حفظ انقلاب، نهاد بنیاد مسکن جهت خانه‌دار کردن محرومین، نهضت سوادآموزی با هدف ریشه‌کن‌کردن بی‌سوادی، تاسیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی برای حمایت از خانواده شهدا و… جهت سر و سامان دادن به امور جامعه صورت گرفت. پس از مرور مختصر در خصوص اتفاقات دههٔ اول انقلاب و همچنین اقدامات صورت گرفته توسط نظام، نکتهٔ قابل تامل بالا بودن سطح سرمایهٔ اجتماعی در این دهه است.

البته کاملاً روشن است که به دلیل کیفی بودن مفهوم سرمایهٔ اجتماعی و شاخص‌های آن، یافتن عدد مشخص و قابل قبولی برای بیان میزان سرمایهٔ اجتماعی در هیچ جامعه‌ای به صورت قطعی امکان‌پذیر نیست. لذا در جامعه پیچیده و بزرگی همچون ایران نیز این مهم، کاری بس دشوار و مشکل است. ولی اگر سرمایهٔ اجتماعی را با واژهٔ اعتماد که یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین شاخص‌های سرمایهٔ اجتماعی است، تعریف نمائیم به جرات می‌توان گفت مقابله با این حجم از مسائل و حوادث در دههٔ اول انقلاب برخاسته از میزان اعتماد و وفاداری مردم ایران به انقلاب است؛ یعنی ادامهٔ همان اعتماد و وحدت کلمه که این انقلاب را در سال ۵۷ به پیروزی رساند. و اما سوال این است که چه عللی باعث این حجم از همبستگی و همدلی و همراهی مردم با نظام در دههٔ اول انقلاب شد؟

یکی از گزینه‌هایی که می‌توان به آن در این‌جا اشاره کرد و در تعریف سرمایهٔ اجتماعی نیز وجود دارد، وجود شبکه‌های غیر رسمی و مردمی با پیوند و ارتباط قوی است؛ یعنی وجود شبکه‌های اجتماعی در ایران که در جوامع غربی از آن‌ها تحت عنوان جامعهٔ مدنی یاد می‌شود. این شبکه‌های اجتماعی که تاثیر فراوانی در دههٔ اول انقلاب در بالا بردن میزان اعتماد عمومی داشتند از جمله نهاد روحانیت و مرجعیت که با توجه به وجود ویژگی‌های شخصی روحانیون آن دوره همچون صداقت، تعهد، ساده زیستی، مردمی بودن و استقلال مالی از دولت، در جذب جامعهٔ آن روز ایران به این نهاد نقش به سزایی داشت.

در ساختار جامعه مذهبی ایران و به ویژه با وجود مذهب شیعه که ماهیت سیاسی اجتماعی دارد، مورد تاثیرگذار دیگر، نقش شعائر و مناسک مذهبی از جمله نماز جماعت و نماز جمعه و اجتماع سالیانه حج است که تاثیر فراوان در ایجاد همدلی و همبستگی بین مردم داشت. مناسبت‌ها و اعیاد، عزاداری‌ها به ویژه ماه محرم و صفر، برپایی دستجات مذهبی، منبرها، هیئت‌ها و همچنین وجود مساجد به عنوان پایگاه‌های قوی که در دههٔ اول انقلاب جدای از فرایض دینی، مکانی جهت سازماندهی امور اجتماعی سیاسی فرهنگی و حتی اقتصادی برای مردم بود، نیز حائز اهمیت است. به صورتی که می‌توان کارکرد مساجد را همانند سازمان‌های داوطلبانه و یا مردم‌نهاد در جوامع مدرن دانست.

در پایان یادداشت نکتهٔ قابل تامل پس از مرور شیرینی این همبستگی و بالا بودن سطح سرمایهٔ اجتماعی و اثبات مجدد وفاداری و اعتماد مردم ایران در دههٔ اول انقلاب در کنار تمام تلاطم‌ها و تجربه‌های سخت و سنگین، این مهم است که در دهه‌های بعدی انقلاب شاهد چه تغییرات اجتماعی و به تبع آن چه تغییراتی در اعتماد عمومی هستیم و میزان سرمایهٔ اجتماعی به چه صورت است؟

ارتباط استفاده از اینترنت با افزایش تنهایی و کاهش روابط اجتماعی

یک روانشناس گفت: میزان استفاده از اینترنت و شبکه‌های مجازی در زوجینی که احساس تنهایی بیشتری را گزارش می‌دهند، بیشتر است چراکه افزایش کاربرد اینترنت با افزایش تنهایی و کاهش روابط اجتماعی مرتبط است. گوهر یسنا انزانی در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: این روزها به علت کووید ۱۹ و اخبار فوت عزیزان این احساس تنهایی شدت گرفته است. در واقع احساس تنهایی پدیده‌ای ذهنی و تجربه‌ای منفی و ناخوشایند است که طی ارزیابی فرد از روابطی که دارد با روابط ایده‌آلی که آرزوی آن را دارد ایجاد می‌شود. به گفته این روانشناس تنهایی ناشی از مجموعه‌ای از احساسات، شناخت‌ها، پریشانی‌ها و تجارب هیجانات منفی از کمبودهای ادراک شده فردی در روابط خصوصی و اجتماعی است.



در گفت‌وگو با دکتر احمدرضا اصغریور مطرح شد: ترویج واقع‌نگری یکی از عوامل شکل‌دهنده امید اجتماعی است

به نظر من مزیت نسل جوان فعلی‌ست باعث می‌شود که خودتان را کوچک‌تر یا بزرگ‌تر از آنچه که واقعا هستید، نبینید. نه تنها خودمان را، بلکه فرهنگ و تمدن‌مان را. ما نه آنقدر باهوشیم که با تبلی به جایی برسیم و نه آنقدر بی‌استعدادیم که با تلاش به جایی برسیم. بنابراین آن چیزی که ما را به مقصد می‌رساند نگاه واقع‌نگر به تاریخ و اجتماع کشورمان است. حال به این پرسش می‌رسیم که این واقع‌نگری را چگونه می‌توان ترویج کرد؟ پاسخ این است: از طریق گفت‌وگو. به‌طور مثال همین فعالیت نشریاتی که دانشجویان در آن نقش دارند، یعنی ایده‌پردازی می‌کنند و نتایج را نشر می‌دهند. صحبت کردن درباره این موضوعات ذهن انسان‌ها را باز می‌کند به شرط اینکه تبدیل به یک گفت‌وگو عمومی شود که خوشبختانه رسانه‌های اجتماعی هم به این موضوع کمک می‌کنند.

عامل موثر دیگر که می‌توان به اشاره کرد، تقویت انسجام ملی‌ست. یعنی تقویت حس «ما» بودن است. فکر می‌کنم برای اینکه امیدوارتر بشویم باید از هر عاملی که «ما» را دچار شکاف می‌کند مفهوم «ما» را

نصف می‌کنم. وقتی همه این موارد را کنار هم بگذاریم فکر می‌کنم بتوان امید خوبی نسبت به تحولات مثبت اجتماعی داشت. اصطلاحی در جامعه‌شناسی داریم به نام self-fulfilling prophecy یعنی، پیش‌نگری خودتحقق‌بخش، به این معنی که اگر هرچیزی را در آینده تصور کنید، آن امر محقق می‌شود؛ نه اینکه قرار بوده محقق شود بلکه چون شما این چنین تصور کرده‌اید، محقق شده است. این برای ما مهم می‌تواند به لحاظ اجتماعی رخ دهد اگر مدام از آینده تاریک صحبت کنیم چه بسا که آن آینده تاریک برای ما رخ بدهد و در عوض اگر امیدوار باشیم و منطقی و نوآور به‌نظرمان آینده خوبی در انتظار جامعه ما است.

در پایان نتیجه‌گیری کلی شما از این مبحث چیست؟

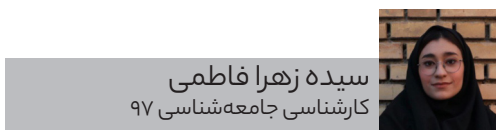
در یک نتیجه‌گیری کلی نظر من این است که یکی از عناصر فرهنگی که اکنون به آن نیاز داریم امید اجتماعی است. امید اجتماعی یک سرمایه اجتماعی و یک دارایی جمعی‌ست که باید از آن مراقبت کنیم و باید برای تولید و تقویت آن عزم‌مان را جزم کنیم. این عنصر خودبه‌خود به وجود نمی‌آید و اگر هم به وجود بیاید نیاز به نگاه داری و حفاظت دارد؛ و برای نگاه‌داری از آن باید مراقب آن چه به جوانان می‌گوییم باشیم و از انجام کارهایی که در واقع بخشی از مخاطبین ما را حذف، ناراحت یا دل‌خور می‌کند، اجتناب کنیم و رویکرد کلی‌مان به سمت یکپارچگی ملی و فرهنگی باشد.



این عنصر کم‌رنگ شده را پررنگ کرد. اگر بخواهیم یک نگاه مقایسه‌ای از نظر زمانی و مکانی داشته باشیم به دلایل متعددی من فکر می‌کنم که ما نه بدترین کشور دنیا هستیم و نه در بدترین وضعیت دوران معاصر خود قرار داریم. ما شرایط خیلی دشواری را در زمان جنگ پشت سر گذاشته‌ایم. از طرف دیگر علی‌رغم تمامی مسائل و فشارها و گرفتاری‌هایی که تحریم‌ها در سال‌های اخیر برای کشور ما به وجود آمد، ظرفیت‌های مناسبی در تولید و مبادله اقتصادی در کشور ایجاد شد. به هر حال این ضعف بنیادین اقتصادی که در کشور ما وجود دارد، مربوط به ۱۰ یا ۲۰ سال گذشته نیست؛ در تمام یک قرن اخیر ما اقتصاد رو به سامانی نداشتیم و دوره‌های محدودی رونق به چرخه اقتصادی باز می‌گشت که آن هم به دلیل پول فروش نفت بوده است. هر وقت که قیمت نفت بالا می‌رفت، ما هم وضع‌مان کمی بهتر می‌شد. بنابراین فکر می‌کنم الان به لحاظ ظرفیت‌ها، نیروی کار جوان و همچنین آگاهی و آمادگی فکری یعنی روشن‌بینی و روشن‌نگری در جامعه در وضعیت مطلوبی قرار داریم. ما نسل جوانی داریم که از هر جهت منطقی و اهل تلاش‌اند؛ اهل افراط و تفریط نیستند، واقع‌نگر و نوآورند و از بسیاری جهات می‌توانند از نسل قبل برتری داشته باشند.

چه عوامل و ساختارهایی موثر بر امید اجتماعی هستند؟

یکی از مهم‌ترین عناصر شکل‌دهنده به امید اجتماعی ترویج واقع‌نگری است، یعنی اگر ما نسبت به خودمان خیلی بدبین باشیم و مدام نکات منفی و تیره فرهنگ و اقتصاد کشور را تکرار کنیم و یا به شکل غیرمنطقی نسبت به خودمان خوش‌بین باشیم و خیال بافی‌هایی درباره گذشته پرشکوهی که وجود داشته، دوران طلایی تمدن داشته باشیم، هر دو حالت ما را دچار خسران کرده و از مسیر واقعی دور می‌کنند. در حالی که واقع‌نگری که



سیده زهرا فاطمی
کارشناسی جامعه‌شناسی ۹۷

پیش‌مصاحبه: همواره افراد در طول زندگی و تجربه زیسته خود، سختی‌ها و ناملایمات فراوانی را متحمل می‌شوند که به نوعی بر روی کیفیت زندگی آن‌ها تأثیرگذار است. در این میان بررسی امید، به عنوان عاملی نجات‌دهنده برای جامعه رکنی ضروری و مهم است. در همین راستا در این گفت‌وگو با دکتر احمدرضا اصغریور ماسوله، عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی، به بررسی این مولفه مهم پرداختیم.

امید اجتماعی چگونه تعریف می‌شود؟

امید اجتماعی می‌تواند تعاریف مختلفی داشته باشد. اما تعریف من از امید اجتماعی در واقع انتظار تحول مثبت است. امید، نشان‌دهنده انتظار است به معنی چیزی که هنوز تحقق پیدا نکرده، این کلمه در زبان فارسی معنی مثبت دارد، یعنی اگر منتظر یک رخداد ناگواری باشیم دیگر نام آن امید نیست. افزودن صفت «اجتماعی» به «امید»، جمعی بودن امید را نشان می‌دهد یعنی امیدی که بین همه مشترک است و خصیصه فردی نیست. بنابراین امید اجتماعی در تعریفی که عرض کردم یعنی «انتظار جمعی برای تحول مثبت».

چرا موضوع امید اجتماعی موضوع مهمی است؟

از این جهت که به نظر می‌رسد به دلایل گوناگون، در یکی دو سال اخیر که احساس فشار بیشتری بر روی افراد جامعه مستولی گشته است. تحریم‌های اقتصادی آزاردهنده دوران ترامپ و معضلات اقتصادی که در جامعه ما ریشه دارد و چند اتفاق ناگوار خاص که در دو سال اخیر رخ داد و در نهایت هم، کرونا منجر به وارد ساختن فشارهای بیشتر بر مردم شد؛ چرا که بسیاری بیکار و خانه‌نشین شدند و سطح تعاملات اجتماعی هم محدود شد و این خانه‌نشینی و بیرون رفتن افراد را کلافه کرد.

مجموع همه این اتفاقات منتهی به یک ناراحتی جمعی شد که به صورت دل‌سردی و دل‌مردگی و ناامیدی در جامعه بروز پیدا می‌کند. آن چنان که افراد این تصور و احساس را دارند که در موقعیت بسیار بدی قرار گرفته‌اند. اما نکته حائز اهمیت این است که می‌توان



زکبه حسین پور
کارشناسی ارشد روانشناسی صنعتی

در سازمان‌ها با افرادی روبه‌رو می‌شویم که دانش فنی خوبی دارند اما در تعامل با همکاران هم‌رده و با سطوح بالاتر و یا پایین‌تر خود به مشکل برمی‌خورند. از بهترین دانشگاه‌های ایران فارغ‌التحصیل شده‌اند، اما نمی‌توانند مسائل ارتباطی خود را حل کنند. در زمینه کاری خود علم فراوانی دارند اما نمی‌توانند در جلسه‌ای از کارهای خود دفاع خوبی داشته باشند. دچار سوءتفاهم‌های زیادی با مدیرشان می‌شوند و...

قطعا در این میان افرادی وجود دارند که مستثنا از این موضوع هستند، اما این چالش را به خوبی می‌توان در سازمان مشاهده کرد. بعد مغفول مانده‌ای در نظام آموزشی و دانشگاهی‌مان وجود دارد و آن نبود آموزش مهارت‌های نرم (soft skills) است. ما فارغ‌التحصیلان و نیروهایی را به صنعت و سازمان‌ها تحویل می‌دهیم که بیشتر بعد دانشی و فنی آن‌ها رشد کرده‌است تا بعد مهارت‌های نرم. نمی‌توان اهمیت مهارت‌های فنی و دانشی را نادیده گرفت چرا که این موارد جزء جدایی‌ناپذیر کار و مشاغل است و بدون آن‌ها کاری جهت عرضه و پیش بردن اهداف فنی نخواهیم داشت. از طرفی بسیار معتقدم و تجربه‌ام نشان داده‌است که سازمان‌ها برای انتخاب و استخدام نیروی کار صاحب صلاحیت، توانا و خلاق، زمان، پول و انرژی فوق‌العاده‌ای صرف می‌کنند. درست است که همیشه تعداد قابل توجهی نیروی بی‌کار وجود

نیروی متخصص بیکار



دارد اما بازار کار نیروهای واقعا ماهر کساده است. سازمان‌ها برای به دست آوردن کارمندان بسیار ماهر و دارای بهره‌وری بالا با همدیگر رقابت می‌کنند. فرایند جذب نیروها، فرایندی است زمان و هزینه‌بر. اگر از مدیران سازمان‌ها بپرسیم که چه نیرویی مدنظر آن‌هاست؟ بدون شک با این جمله معروف روبه‌رو می‌شویم: نیروی متخصص متعهد. اگر بخواهیم درباره آن‌ها با جزئیات بیشتری صحبت کنیم این جملات را می‌شنویم: نیرویی که دانش خوبی داشته‌باشد، دلسوز باشد، مسئولیت‌پذیر و متعهد باشد، بتواند از پس چالش‌های کاری خود برآید، ارتباط خوبی با همکاران و مشتریان داشته‌باشد، تفکر نقادانه و حل مسئله خوبی داشته باشد و...

دارد. همچنین ۸۹٪ معتقدند که عمده استخدام‌های نامناسب به دلیل فقدان مهارت‌های نرم است. نتایج برای‌تان تامل برانگیز بود؟ اگر هنوز اهمیت آن برای شما شفاف نشده‌است در ادامه سعی می‌کنم با تجربیات بیشتری این موضوع را نشان دهم. ما نیروهایی را در سازمان‌ها جذب می‌کنیم که زومه‌ی دانشی و تجربی خوبی داشته و از بهترین دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل شده‌اند اما وقتی وارد کار می‌شوند به خوبی نمی‌توانند مسائل و مشکلات‌شان را حل کنند. به گفته و تشخیص ما روان‌شناس‌ها، هوش هیجانی پایینی دارند. هوشی که در تعامل با دیگران خود را نشان می‌دهد.

این موضوع آن قدر حائز اهمیت است که مراکز ارزیابی (assessment center) در زمان گزینش و انتخاب نیروها ایجاد و اجرا می‌شود. در این فرآیند ارزیابی، شایستگی‌هایی مانند کارتی، قدرت حل مسئله، مسئولیت‌پذیری، مهارت‌های ارتباطی و... سنجیده می‌شود. همه‌ی این موارد از جنس مهارت‌های نرم هستند. مهارت‌های نرم: مهارت‌های شخصی، درون‌فردی و رفتاری و ترکیبی از مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، شخصیت یا ویژگی‌های شخصیتی، نگرش‌ها و هوش‌هیجانی است که کارمندان را قادر می‌سازد در محیط خود با دیگران خوب کار کنند، عملکرد مطلوب داشته باشند، این سازمان‌پذیرتر باشند و در نهایت به موفقیت برسند. این مهارت‌ها به سادگی قابل سنجش نیستند، در عین حال قابل یادگیری و توسعه هستند. شما فکر می‌کنید جهت ارتقای این مهارت‌ها و موفقیت شغلی‌مان چه باید کرد؟

مکانیزم استرداد پول‌های ایران از کره جنوبی مورد توافق طرفین قرار گرفته است



وزیر امور خارجه کشور آخرین وضعیت پول بلوکه شده ایران در کره جنوبی را تشریح کرد. به گزارش ایسنا، محمدجواد ظریف، با اشاره به بلوکه شدن پول‌های ایران در کشور کره جنوبی و آخرین وضعیت آن‌ها، گفت: هفته گذشته با وزیر خارجه کره جنوبی به درخواست وی گفت وگو داشتیم، وزیر جمهوری کره بیان کرد حداکثر تلاش خود را برای به نتیجه رساندن موضوع می‌کنند، ما هم از جانب خود در حال پیگیری هستیم.

وی تاکید کرد: مکانیزم‌ها و ساز و کارها مورد توافق قرار گرفته است، اما ظاهراً کره‌ای‌ها هنوز مجوزهای لازم را دریافت نکرده‌اند از این رو اعلام می‌کنند که پیگیر موضوع هستند.

وزیر امور خارجه کشورمان در گفتگو با خانه ملت بیان کرد: از نظر ایران دریافت مجوز از آمریکایی‌ها غیر ضروری است اما با این حال طرف کره ای تلاش دارد که مجوزها را از آمریکا برای آزاد کردن پول‌های بلوکه شده ایران در کره دریافت کند.

مصاحبه اختصاصی با دکتر سعید لیلان راه حل مشکلات اقتصادی درون کشور است



درصد قدرت خریدش نسبت به ابتدای سال ۹۷ کاهش پیدا کرده است.

چالش سوم فقدان بهره‌وری است. فقدان بهره‌وری بزرگترین مشکلات ایران است که یک مشکل چهارم را درست کرده است که آن مشکل کاهش میل به تشکیل سرمایه است. چالش بعدی اقتصادی ایران فساد و حشتمناکی است که درسطوح مختلف و حوزه‌های گوناگون وجود دارد.

این چهار مسئله، مسائل اساسی اقتصاد ایران است. اگر بخواهیم فقط ریشه اصلی این مشکلات را بررسی کنیم، در وهله اول سوءمدیریت و در وهله دوم ازحمایت دولت بر اقتصاد می‌دانم.

ریشه سوم این است که به هر حال ما دچار حاکمیت دوگانه هستیم. این حاکمیت دوگانه ۳۲ سال است در ایران عمر دارد. قبلاً هم بوده اما بعد از دهه هفتاد شدیدتر شده است. حتی قبل از انقلاب نیز وجود داشت، منظور همان تفاوت و

تضاد بین دول مجری و بقیه ارکان حکومتی است. مشکل چهارم مسائل بین‌المللی ماست که مهم‌ترین آن تحریم‌ها هستند. من خودم هرگز معتقد نبودم که تحریم عامل تعیین‌کننده برای خوشبختی و بدبختی ماست، به طور کلی صرف داشتن رابطه با ایالات متحده یا هر کشور دیگری هرگز تعیین‌کننده خوشبختی و یا بدبختی هیچ کشوری نبوده است، این را با اطمینان کامل می‌گویم.

به هر حال این‌ها مشکلاتی است که اقتصاد ایران دارد. من تصور نمی‌کنم از این چهار-پنج مشکل و ریشه‌هایی که برشمردم هیچ‌کدام منشأ خارجی داشته باشند؛ فکر می‌کنم راه حل ما در داخل کشور است که می‌توانیم این مسائل را حل کنیم.

آیا می‌توان حمایت دولت برای تعدیل قیمت‌ها در بازار بر نرخ تورم اثر بخش دانست؟

در این شرایط، افرادی که تمکن مالی دارند، اوقات فراغت گران‌تر و متنوع‌تری تجربه می‌کنند؛ اما افراد کم درآمدتر باید با اوقات فراغت ارزان‌تر کنار بیایند. در حقیقت، هر چقدر جامعه صنعتی‌تر شود، این شکل کالایی شدن اوقات فراغت شدیدتر خواهد شد.

مثال دیگری که می‌توان درخصوص رابطه علی میان تغییرات مفهوم اوقات فراغت و تغییرات اقتصادی و اجتماعی به آن اشاره کرد این است که روند رو به افزایش شهرنشینی و گسترش شهرها سبب شده که خصوصی سازی خانواده و عقب نشینی به طرف خانه و صرف اوقات فراغت در خانه اتفاق بی‌افتد.

در ادامه خالی از لطف نیست که نظریه استنلی پارکر، نظریه‌پرداز فراغت را نیز در خصوص رابطه کار و فراغت

مفهوم فراغت دست‌خوش تغییر شد و با مصرف و تجارت درهم آمیخت. بدین شکل که افراد از طریق مصرف کالا در پی آن بودند که هویت و تفاوت خود را ابراز کنند و از آن جا که خرید و مصرف کالا عمده‌تاً در فراغت آن‌ها انجام می‌شد، خرید و مصرف و هویت‌یابی از طریق مصرف کالاها به فراغت پیوند خورد.

مفهوم جامعه فراغتی این موضوع را به روشنی توضیح می‌دهد. در این مفهوم بیان می‌شود که با صنعتی‌تر شدن جوامع، اوقات فراغت هم دارای تحولی عمده می‌شوند؛ این که به سمت کالایی شدن حرکت می‌کند و زمان و کیفیت این اوقات، وابسته به رشد جامعه مصرفی می‌شود.



فاطمه حسینی
کارشناسی جامعه‌شناسی ۹۶

پیش‌مصاحبه: بر کسی پوشیده نیست که در سالی که گذشت بحران‌های اقتصادی هم‌چون تورم، بیکاری و قدرت خرید مردم مشکلات زیادی را پدید آورد. در این گفت‌وگو با سعید لیلان، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر اقتصادی، به مباحثی پیرامون روند طی شده اقتصادی کشور در یک سال اخیر و راهکار برون‌رفت از آن پرداختیم که شرح آن تقدیم شما می‌شود.

در سال‌های اخیر اقتصاد ایران با سیاهه بلندی از مشکلات مواجه بوده است. از جمله مشکلات معیشتی، تورم، رکود و مشکلات مالی مثل ناپایداری بدهی‌های دولت. همه این‌ها مسائلی هستند که اقتصاد ایران را در یکی دو سال اخیر به صورت خاص و با یک دید بلند مدت‌تر در یک دهه اخیر دچار چالش کرده‌اند. از نگاه شما اصلاح این مسائل از چه راهی امکان‌پذیر است؟

من به‌خوبی به مشکلات که بخشی از آن را از زبان شما شنیدیم واقف هستم. ما مسائل بسیار بزرگی در ایران داریم. مهم‌ترین آن نرخ تورم است که فقط در دوماه تیر و مرداد امسال به تنهایی ۱۱ درصد سطح عمومی قیمت‌ها را افزایش داده است. این نرخ پارسال ۴۲ درصد و سال قبل از آن ۳۴-۳۵ درصد بوده است. این خود ناشی از یک بحران در رشد نقدینگی است که در ایران وجود دارد. مشکل دوم که بسیار بسیار بزرگ است کاهش شدید رشد اقتصادی ایران است که در دو سال و نیم گذشته حدود ۱۵ درصد از تولید ناخالصی داخلی ایران کم کرده و باعث شده است که حجم و سهم اقتصادی ایران ۱۵ درصد کوچک‌تر شود. اگر ما در این سه سال فرض کنیم که جمعاً ۵ درصد جمعیت ایران اضافه شده، اکنون به طور متوسط هر ایرانی ۲۵



ریحانه قریشی
کارشناسی جامعه‌شناسی ۹۷

فراغت مسئله‌ای است که برخی گمان می‌برند در فرهنگ و اقتصاد ما جایی ندارد و میان انبوهی از مسائل حائز اهمیت چرا باید به آن پرداخت. شناخت فراغت از آن جهت ضرورت دارد که به عنوان یکی از عرصه‌های انتخاب آزادانه فردی؛ نشان‌دهنده کلیشه‌ها، الگوها و قواعد خاص سبک زندگی و هویت اجتماعی افراد است.

در توضیح آن باید گفت که شامل مجموعه فعالیت‌هایی‌ست که فرد به منظور استراحت و تفریح بعد از فارغ شدن از الزامات خانوادگی، شغلی و اجتماعی به آن می‌پردازد. باید توجه داشت فراغت امری نسبی است و هیچ چیز را نمی‌توان به عنوان فراغتی مشترک برای همگان تلقی نمود و در عین حال هر چیزی را چنان‌چه رضایت‌بخش باشد، می‌توان فراغت نامید. انسان در زمان فراغت در جستجوی حالتی از رضایت و خشنودی است و ارضا، لذت و شادمانی از ویژگی‌های فراغت به خصوص در جوامع کنونی است. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا اوقات فراغت چیزی است که ما به اختیار خود برمی‌گزینیم و انتخاب می‌کنیم و یا پدیده‌ای‌ست که باید تغییرات مفهوم آن با تحولات اقتصادی و اجتماعی، روشن و مشخص شود؟

در پاسخ باید گفت طبق نظر روزک، در تعریفی که از اوقات فراغت ارائه می‌شود باید به متن و زمینه‌های پیدایش و کاربرد آن توجه کرد. بنابراین نمی‌توان اوقات فراغت، نحوه گذران و چگونگی کیفیت آن را بدون در نظر گرفتن پهنه تحولات اقتصادی و اجتماعی موثر در شکل‌گیری‌اش، مورد توجه قرار داد.

با در نظر گرفتن همین امر باید عنوان کرد که بعد از انقلاب صنعتی، رشد سرمایه‌داری و تحولات پس از آن،

جستاری در باب فراغت



عنوان کنیم. پارکر معتقد است که فراغت در سایه کار معنا می‌یابد و بدون کار، فراغتی وجود ندارد. وی سه الگو ارائه می‌دهد که عبارتند از: امتداد، تقابل و خنثی بودن.

در الگوی اول یعنی امتداد، بخش اصلی و مرکزی زندگی کار است و علایق کاری حتی در زمان فراغت نیز دنبال می‌شود. در ادامه آنچه در الگوی تقابل عنوان می‌شود این است که فعالیت‌های فراغتی و کاری در تضاد و تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند و اساساً کار برای تأمین کردن فرصتی برای فراغت است. و در نهایت در الگوی خنثی، فعالیت‌های فراغتی کاملاً از فعالیت‌های کاری مستقل و جداساز و فعالیت‌های فراغتی مستقل و تفکیک شده از کار مطرح می‌شوند.

توجه به این نکته ضرورت دارد که اوقات فراغت جزئی از فرهنگ به شمار می‌آید و فرهنگ‌ها در زمان‌های گوناگون، فراغت‌های مختلفی را ایجاد می‌کنند؛ پس اوقات فراغت در جوامع مدرن و پیشامدرن با هم متفاوت است. همچنین الگوهای گذران اوقات فراغت نیز متأثر از ۲ متغیر پایگاه طبقاتی و متغیر جنسیت است و گروه‌های جنسی مصرف‌کننده چیزهایی هستند که به طور هم‌زمان طبقه اجتماعی و جنسیت در اختیار آن‌ها می‌گذارد.

نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است که افراد برای انتخاب نوع اوقات فراغت‌شان آزادی عمل و آزادی انتخاب دارند، ولی این انتخاب توسط متغیرهای ساختاری و زمینه‌ای محدود شده است.

منابع: سعیدی، علی اصغر، تحول در مطالعات فراغت. مطالعات جوانان. تابستان ۱۳۸۷

ربانی، رسول، شیری، حامد، اوقات فراغت و هویت اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۸

میر محمد تبار، سید احمد، نوغانی دخت بهمنی، محسن، مسلمی، رقیه، عوامل موثر بر نحوه گذران اوقات فراغت سایت انجمن جامعه شناسی ایران، فراغت و فرهنگ عامه

یک دولت ممکن است بگوید من کالاهای اساسی را کنترل می‌کنم؛ بنابراین به یک قشر مخصوص از جامعه رسیدگی می‌کنم. این ممکن است، اما سطح عمومی قیمت‌ها هیچ‌گاه با به صرف حمایت یا عدم حمایت دولت‌ها افزایش پیدا نمی‌کند. این فقط تابعی است از عرضه و تقاضای کل که عرضه و تقاضای کل به معنی بازنمایندگی رشد نقدینگی است.

یکی از مسائلی که در چند ماه اخیر بحث برانگیز شد آمارهایی بود که دولت درباره نرخ بیکاری ارائه داده است. با توجه به آن که ما می‌دانیم بخش خدمات چه ضربه‌ای از شیوع کرونا دیده و اکثر اقتصادهای دنیا با رشدهای شدید بیکاری روبه‌رو بودند، چطور می‌توان به این آمارهای متناقض با آمارهای جهانی اتکا کرد؟

این آمارها قابل اتکاست. چند نکته درباره نرخ بیکاری وجود دارد؛ در آمارها ما با مسئله پرسش‌گری روبه‌رو هستیم. به همین دلیل می‌گوییم بیکاری به لحاظ اقتصادی یک نرخ دارد و از نظر فنی و آنچه که سازمان کار جهانی و استانداردهای بین‌المللی مشخص می‌کند، نرخ دیگری. این آمارها دروغ نیستند این امر که رشد اقتصادی ایران منفی بوده و در عین حال به دنبال آن نرخ بیکاری کاهش پیدا کرده عجیب نیست. تعداد بسیار قابل توجهی از خارجی‌های مقیم ایران که عمدتاً افغانستانی بودند، به دلیل سقوط ریال از ایران خارج شدند و ایرانی‌ها جای‌شان را گرفتند و حالا شاغل محسوب می‌شوند بدون این‌که ما رشد اقتصادی داشته باشیم. از نظر علم اقتصاد ممکن است این اتفاق افتاده باشد. من هیچ حرکتی سازمان یافته‌ای نه در دولت احمدی‌نژاد و نه در دولت فعلی ندیدم که ما بتوانیم آمارهای دولتی را زیر سوال ببریم. به لحاظ فنی هیچ مشکلی در نظام آمارگیری بیکاری ایران ندیده‌ام.

دولت بعدی سیاست‌های احیای دریاچه ارومیه را ادامه دهد



رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ضمن تشکر از تلاش‌هایی که طی سال‌های گذشته در زمینه احیای دریاچه ارومیه صورت گرفته، از برخی مسئولان و مدیران در این زمینه گله کرد و گفت: ما در کشور هنوز به توسعه پایدار اعتقاد نداریم. به گزارش ایسنا، عیسی کلانتری در مراسم تجلیل از خدمات تلاشگران احیای دریاچه ارومیه که امروز برگزار شد، ضمن بیان اینکه مساله خشک شدن دریاچه ارومیه از سال ۱۳۷۴ مطرح شده بود، گفت: طی این سال‌ها تلاش‌های زیادی در زمینه احیای دریاچه ارومیه صورت گرفت اما گوش شنوایی وجود نداشت چراکه هنوز نیز با وجود گذشت ۲۱ سال از قرن ۲۱ به توسعه پایدار اعتقادی نداریم.



پوریا سرداری دانش‌آموخته مهندسی محیط‌زیست

نگهداری از حیوانات در اسارت دارای پیشینه دیرینی در تاریخ بشریت است. انسان‌ها از یک سو حیوانات را برای رفع نیازهای خود مانند غذا و امنیت نگهداری و اهلی کردند. از سوی دیگر آنان برای اهداف مختلف دیگری نیز مانند سرگرمی و نشان دادن قدرت پادشاهان و اشراف هم به این امر اهتمام داشتند.

از گذشته به مجموعه‌هایی که انسان‌ها جانوران وحشی را نگهداری می‌کردند دامگاه یا شکارگاه menagerie می‌گفتند. در دیوان‌نگاره‌های مصر باستان و بین النهرین که به حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بر می‌گردند نشان داده شده که افرادی، به سفرهای طولانی می‌رفتند تا نمونه‌هایی از جانوران مختلف دنیا را جمع‌آوری و برای نگهداری به محل سکونت خود بیاورند. حتی در این سنگ‌نگاره‌ها نشان داده شده، که افرادی برای نگهداری از این جانوران استخدام می‌شدند. شاید بتوان چنین مجموعه‌هایی را باغ وحش‌های باستانی اطلاق کرد که هدفشان نگهداری از جانوران غیر اهلی بوده است. هدف این مجموعه‌های باستانی نمایش عمومی نبوده و بیشتر برای سرگرمی اشراف‌زاده‌ها و

پادشاهان علاقه‌مند به حیات وحش کاربرد داشته‌اند. باغ‌وحش‌های امروزی یا مدرن با هدف نمایش جانوران به مردم از قرن ۱۸ میلادی پا به عرصه وجود نهادند. علت آغاز به کار چنین مجموعه‌هایی را شاید بتوان گسترش علم و علاقه‌مندی عموم مردم به علوم بیان کرد. یکی از علومی که در گذشته خیلی مورد توجه قرار داشت، جانورشناسی بوده است. به همین خاطر افراد محقق شروع به جمع‌آوری جانوران زنده کردند. جمع‌آوری و نگهداری جانوران مخصوصاً آن‌هایی که بزرگ جثه بودند نیاز به جایگاه‌های ویژه‌ای داشته تا بتوانند مطالعات رفتار شناسی و زیستی را بر روی آن‌ها انجام دهند. برای چنین مطالعاتی محققین مجبور بودند زیستگاهی شبیه به زیستگاه طبیعی جانور درست کنند تا بتوانند در شرایط نسبتاً طبیعی جانور را مورد مطالعه قرار دهند که نیازمند بودجه فراوانی بود. در مقابل، افراد دیگری وجود داشتند که علاقه‌ی چندانی به علم نداشتند ولی تمایل داشتند جانوران را برای سرگرمی ببینند. این گونه شد که اولین باغ‌وحش‌های مدرن به وجود آمدند. اما چندی نگذشت که درآمذزایی از مطالعات علمی مهم‌تر شد و باغ‌وحش‌ها تبدیل به یک بنگاه اقتصادی مطلق گردیدند. مجموعه‌دارها کوشیدند جانوران مختلف دنیا را به هر قیمتی شده برای درآمذزایی به باغ وحش‌های خود بیاورند. حتی گزارشاتی از به اسارت گرفتن مردمان

باغ وحش‌ها؛ از دوران کهن تا دوران معاصر

تمام این مرگ‌ها را می‌توان در عدم مدیریت درست جایگاه‌های باغ وحش جویا شد. به گفته مسئولین باغ وحش ارم بیر نر با کندن فنس‌های بین جایگاه وارد جایگاه ببر ماده شده و درگیری دو جانور باعث کشته شدن ببر ماده شده است. چنین اتفاقی بار دیگر بیانگر غیر استاندارد بودن جایگاه جانوران می‌باشد. حوادث مشابهی نیز در تمام باغ وحش‌های سرتاسر ایران اتفاق افتاده است. اکثر جایگاه‌های نگهداری جانوران در باغ وحش‌های ایران غیر استاندارد می‌باشند، به عنوان مثال جایگاه شامپانزه‌های باغ وحش ارم تهران.

واقعاً مرگ جانوران باغ وحش‌ها ناراحت‌کننده است. مخصوصاً که افراد زیادی از بازدیدکنندگان و کارمندان باغ وحش با چنین جانورانی ارتباط نزدیکی برقرار می‌کنند. مرگ غیر قابل اجتناب است، بالاخره همه ما روزی می‌میریم! اما مرگ جانورانی که دلیل آن بی مسئولیتی و سهل انگاری است باید به حداقل برسد! و حالا چاره آن چیست؟ بسته شدن باغ وحش ارم تهران؟ و یا به طور کل هر باغ وحشی در ایران؟ در ادامه این جستارها به این سوالات پاسخ داده خواهد شد.

روی خوش و ناخوش کرونا

نگاهی اجمالی به پیامدهای مثبت و منفی ویروس کرونا بر محیط‌زیست (قسمت پایانی)



سارینا دوستی کارشناسی مهندسی محیط‌زیست ۹۶

عمده‌ این آلاینده‌ها (به عنوان منبع آلایندگی متحرک) از طریق سوزاندن سوخت‌های فسیلی به‌شمار می‌آیند (همچون اتوبوس‌های درون شهری و تاکسی و ... و همچنین وسایل نقلیه‌ی بین شهری همچون قطارها و اتوبوس‌های بین شهری)، انتشار این آلاینده‌ها کاهش محسوسی یافت و از بار ترافیکی شهرها و خودروهای شخصی درون شهرها به شدت کاسته شد. هم‌چنین شیوع ویروس کرونا(کووید ۱۹) با تعطیلی رستوران‌ها، هتل‌ها و ... باعث کاهش میزان تقاضا برای خرید انواع مواد غذایی از قبلی ماهی، گوشت، مرغ و ... شده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با کاهش مصرف‌گرایی در استفاده و خرید انواع خوراک و پوشاک به علت عدم برگزاری مهمانی‌ها و مجالس مختلف، تولید سایر انواع پسماندها از قبیل منسوجات و مواد غذایی نیز کاهش یافته است. به علت کاهش مصرف مواد غذایی همچون ماهی و انواع آبریان در رستوران‌ها و هتل‌ها و ... می‌توان گفت این امر باعث کاهش میزان صید شده و

این کاهش تقاضا و عرضه، باعث افزایش و بازیابی میزان ذخایر آبریان در آینده خواهد شد. برای نمونه می‌توان گفت مدت کوتاهی پس از اجرای قرنطینه سراسری در کشور ایتالیا، تصاویری در سراسر دنیا از آبراهه‌های پاک و شفاف شهر و نیز انتشار پیدا کرد و این در حالی است که استفاده از کشتی‌های ویژه سفرهای تفریحی نیز متوقف شده است.

از دیگر پیامدهای مثبت دوران شیوع کرونا می‌توان به این مورد اشاره کرد که با کاهش فعالیت‌های کشتی‌های تفریحی و یا فعالیت‌های صنعتی، اقیانوس‌ها کاهش آلودگی‌های صوتی را تجربه می‌کنند و سطح اضطراب حیوانات دریایی مانند نهنگ‌ها نیز کاهش یافته است. در حالت کلی می‌توان گفت که این دوران باعث آرامش بیشتر موجودات زنده در طبیعت شده است، برای نمونه بر اساس مشاهدات، بیشتر پرندگان و جانداران خشکی‌زی و دریایی در مناطق گردشگری جهان به نوعی از فرصت تنفسی دوباره بهره‌مند شده‌اند.

در انتها بایستی با توجه به کلیه پیامدهای مثبت و منفی شیوع کرونا، این پیامدها را تلنگری در برخورد با محیط‌زیست تلقی نمود و آن‌ها را درسی برای رفتار با محیط‌زیست در آینده دانست چرا که با گذر از شرایط بحرانی این بیماری، شرایط به حالت اولیه بازخواهدگشت و تنها تغییر اساسی در رفتار با طبیعت برای مواجهه با تهدیدات انسان بر محیط‌زیست و تغییر اقلیم می‌تواند چاره‌ساز باشد؛ همچنین باید گفت که تمام افراد در سراسر جهان بایستی با استفاده از اصولی ساده همانند استفاده از ماسک و دست‌کش پارچه‌ای به جای استفاده از نمونه‌های یکبار مصرف پلاستیکی، مصرف درست، اصولی و به اندازه از آب و مواد شوینده و ضد عفونی‌کننده، سعی کنند که در دوران شیوع همه‌گیر این ویروس با شناخت پیامدهای منفی که این دوران برای محیط‌زیست در برداشته است، تلاش خود را برای تقلیل این پیامدهای منفی به‌کاربندند.

ارتباط دیرینه هنر و محیط‌زیست در عصر پارینه‌سنگی



محسن مظلومی کارشناسی مهندسی محیط‌زیست ۹۶

هنر و محیط‌زیست رابطه‌ای به قدمت پیدایش اولین آثار هنری در دل تاریخ دارند. زمانی که اجداد ما در حدود سی هزار سال پیش از میلاد مسیح در عصر پارینه‌سنگی غارنگاره‌ها را به عنوان یکی از اولین اشکال پیدایش هنر به وجود می‌آوردند، از محیط‌زیست پیرامون‌شان به عنوان منبع الهام‌بخش خود بهره می‌جستند. در این که هدف اصلی از ترسیم این غارنگاره‌ها چه بوده بین باستان‌شناسان اختلاف نظرهایی وجود دارد. عده‌ای این فرضیه را دارند که غارنگاره‌ها بخشی از مراسمات خرافی بودند که به منظور افزایش بخت و اقبال شکارگران اجرا شده است. برخی دیگر هم گفته‌اند که این تصاویر احتمالاً به منزله ابزار آموزشی برای تعلیم خصوصیات جانوران مختلف به شکارگران تازه است. به هرجهت هدف از ترسیم غارنگاره‌ها هرچه که باشد، نفی‌کننده میل بشر نخستین به درک طبیعت پیرامونش نیست. میل به درک طبیعت را می‌توان در نظام پیچیده اساطیر و خدایان در جهان باستان به خوبی مشاهده کرد؛ جایی که وجود هر خدا و اسطوره توضیحی بر اتفاقات ناشناخته طبیعی پیرامون بشر نخستین بود و ذهن ابتدایی اجداد قدیمی ما از این راه در پی یافتن پاسخی بر پرسش‌های خود بود.

نمونه‌هایی از ارتباط غارنگارها و محیط‌زیست
نقاشی‌های برجای مانده از حدود ۳۰ هزار سال پیش از میلاد مسیح یعنی دوره پارینه‌سنگی یا پالئولیتیک (Paleolithic) از گوناگونی شگفت‌انگیزی برخوردارند. نقاشی‌ها و حکاکی‌ها از اشکال انسانی و جانوری هستند و سطح دیوارهای عظیم غارها را پوشانده‌اند.

غارنگارهای پرش مرل (Pech-Merle) در فرانسه
غار پرش مرل در فرانسه دارای تصویر دو اسب است که یکی از اسب‌های موجود دارای سر و گردنی است که به سطح دیوار غار شباهت دارد. در این نقاشی چندین تصویر دست هم دیده می‌شود. برخی پژوهشگران معتقدند این نقش‌ها امضای اعضای گروه یا به احتمال ضعیف‌تر امضای شخصی بوده‌اند.



غارنگارهای لاسکو (Lascaux) در فرانسه
شاید معروف‌ترین غار در دوره پارینه‌سنگی غاری واقع در لاسکو در نزدیکی فرانسه است. این غار تالار بزرگی به نام گاوها دارد، اما همه حیوانات نقش‌بسته در دیوار



این دالان گاو نیستند و اندازه‌شان با یکدیگر متفاوت است. احتمالاً پرسش برانگیزترین نقاشی در میان غارنگاره‌های دوره پارینه‌سنگی، نقاشی چاه لاسکو باشد که یکی از نخستین آثار هنری پیش تاریخی است. در سمت چپ این تصویر کرگدن قابل مشاهده است. در سمت راست گاومیشی دیده می‌شود که نقاش این گاومیش احتمالاً شخص دیگری بوده است. میان این دو جانور مردی با چهره پوشیده از نقاب (پرنده مانند) دیده می‌شود و با جزئیاتی به مراتب کمتر از دو جانور کشیده شده است. مرد ممکن است زخمی یا مرده باشد یا اینکه زنده و سالم و فقط به عقب خم شده است. به هرجهت داستان این نقاشی بر ما پوشیده است، اساساً آیا این نگاره‌ها (گاومیش، مرد و کرگدن) به هم ربط دارند؟ پژوهشگران نمی‌توانند مطمئن باشند، اما اگر نقاش آن‌ها را کنار هم چیده باشد تا ماجرابی را روایت کند، نتیجه می‌گیریم که قدمت خلق تصاویر به دورانی بس دورتر از آنچه تا کنون تصور می‌کردیم برمی‌گردد.

از غارهای به جا مانده عصر پارینه‌سنگی در ایران می‌توان به غار شکارچیان واقع در دامنه کوه بیستون در استان کرمانشاه، غار رزمه واقع در کوه قاضی‌وند در شهرستان اسلام‌آباد غرب و غارهای دربند رشی در بخش رحمت آباد شهرستان رودبار در استان گیلان اشاره کرد. می‌توان نتیجه‌گیری کرد در عصر باستان، زمانی که انسان خودش را به عنوان جزء کوچکی از فرآیندهای ناشناخته طبیعی می‌پنداشت، تلاش برای درک فرآیندهای ناشناخته طبیعت، اصلی‌ترین رابطه بین هنر و محیط‌زیست بوده است. همان‌طور که گفته شد، اسطوره‌ها و خدایان این دوران نیز گواهی بر این مدعا هستند. گیلگمش که احتمالاً شناخته‌شده‌ترین افسانه اثر باستان باشد، افسانه‌ای ست برجاً مانده از سومریان که در جای جای



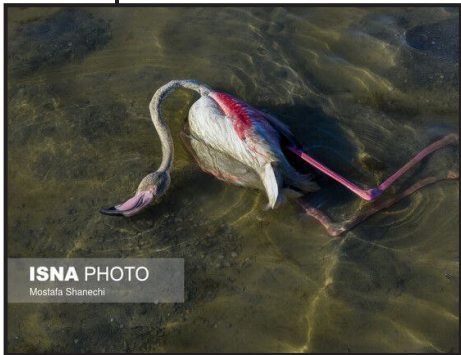
آن، از منطق پیشبرد داستان تا توصیفات که از خدایان و موجودات آسمانی می‌شود، می‌توان رد پای تاثیر عمیق از محیط پیرامون و نوعی تلاش برای درک چستی حقیقت و ساز و کارهای طبیعت را یافت.

چرا بوتولیسم در خلیج گرگان ایجاد می‌شود؟

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس گفت: یکی از مهم‌ترین دلایلی که می‌تواند باعث ایجاد بوتولیسم در خلیج گرگان شده باشد، ورود مواد آلی و مغذی حاصل از پساب مراکز پرورش ماهی و لایروبی نيزارهای منطقه به داخل خلیج بوده که موجب شکل‌گیری محیط بی‌هواری شده است.

سید محمود قاسم پوری در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: سال گذشته تلفات غیرعادی پرندگان در تالاب میانکاله و خلیج گرگان از دهه اول دیماه و تقریباً یک ماه زودتر از امسال شروع شد. در آن سال بیش از ۴۰ هزار لاشه پرنده با همکاری نیروهای محیط زیست، دامپزشکی و همیاران محلی جمع‌آوری و به‌صورت بهداشتی دفن شد. بعد از آن سازمان دامپزشکی به‌عنوان مرجع تشخیص بیماری‌های حیات وحش، با انجام نمونه‌برداری و آزمایشات مختلف علت مرگ‌ومیر پرندگان را بیماری بوتولیسم اعلام کرد. وی خاطرنشان کرد: با توجه به نزدیک بودن فصل مهاجرت پرندگان و تعداد تلفاتی که تاکنون در خلیج داشتیم، انتظار داریم امسال میزان تلفات پرندگان نصف سال گذشته باشد.

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال ششم / شماره هفتاد و سه / سالنامه ۱۳۹۹

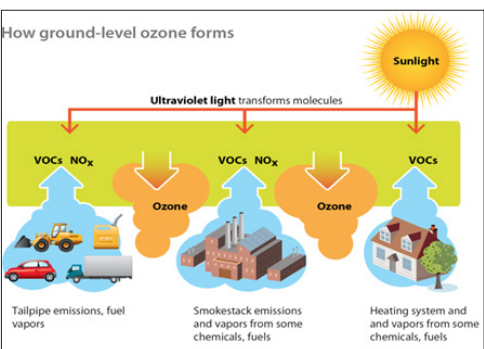


ISNA PHOTO
Mostafa Sharihi

چرا از نبرخلاف بقیه آلاینده‌ها در دوران کرونا افزایش پیدا کرد؟

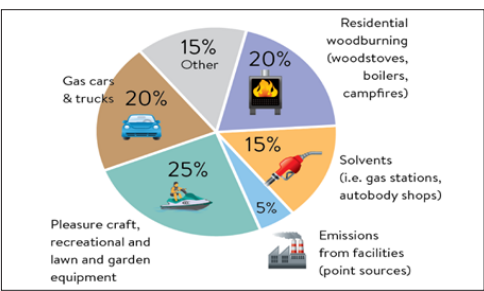
اکسیدهای فتوشیمیایی به‌خصوص از نبر عبارتند از اتوموبیل‌ها، احتراق سوخت‌های فسیلی و فرآیندهای صنعتی که در آن‌ها دی‌اکسید ازت به وجود می‌آید. میزان اثرات از نبر بسته به غلظت و مقدار زمان در معرض بودن انسان، حیوان یا گیاه دارد؛ که برای انسان می‌تواند موجب آسیب به چشم و سیستم تنفسی شود (شکل ۴، بوتکین و کلا، ۱۳۹۴).

مطالعه حاضر با مرور مقالات و گزارش‌های موجود به دنبال پاسخ به پرسش «چرا در دوران قرنطینه درکل دنیا غلظت همه آلاینده‌های شاخص کاهش یافت اما غلظت از نبر افزایش پیدا کرد؟» صورت گرفته است. برای پاسخ به این سوال پس از معرفی آلاینده از نبر، عواقب و اثرات، منابع تولید (شکل ۵) و توضیح چگونگی اثرگذاری عوامل و شرایط بر وضعیت انتشار و غلظت آن، پاسخ این‌گونه تحلیل شد که با توجه به این‌که این آلاینده ثانویه است برای تحلیل غلظت آن باید به سراغ منابع آن یعنی NOx و VOC (شکل ۶ و ۷) رفت که به شکل‌گیری از نبر سطح زمین کمک می‌کنند.

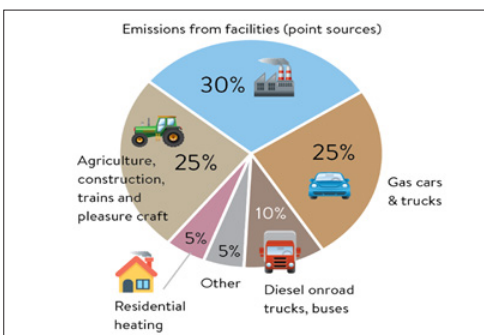


شکل ۵. منابع تولید آلاینده‌های هوا که در گروه نانریج منابع تولید از نبر توضیح داده شده است

این منابع شامل وسایل نقلیه، فعالیت‌ها و تجهیزات کشاورزی و باغی، رنگ‌ها، حلال‌ها و شوینده‌ها، ایستگاه‌های سوخت‌گیری، کارخانه‌ها و ... هستند (شکل ۶ و ۷) که اگرچه به دلیل قرنطینه‌های محلی، ملی و بین‌المللی بعضی منابع آن‌ها مثل تردد خودروها و سوختن سوخت‌های فسیلی کاهش قابل توجهی داشته، منابع خانگی و بعضی کارخانجات و فعالیت‌های زراعی از یک سو افزایش داشته یا ثابت مانده‌اند و از سوی دیگر افزایش دمای هوا، طول روز و درجه تابش خورشید به فراخور تغییر فصل افزایش چشم‌گیری داشته و فرآیند تولید این آلاینده را تسریع و تسهیل کرده است.



شکل ۶. منابع تولید Volatile organic compounds



شکل ۷. منابع تولید Nitrogen oxides

مجموعه این عوامل در کنار بعضی دیگر همچون افزایش رعد و برق و بارش‌های فصلی به تناسب تغییر فصل باعث شده تا این آلاینده در این برهه نه تنها کاهش پیدا نکند بلکه روند افزایشی داشته باشد.

و آلاینده‌های ثانویه و اکسیدکننده‌های بسیار قوی است که از واکنش‌های متقابل فتوشیمیایی اکسیدهای نیتروژن و هیدروکربن‌ها در حضور نور خورشید تولید می‌شود. واکنش‌های فتوشیمیایی تشکیل از نبر در طول ساعات روز از طلوع خورشید تا غروب خورشید صورت می‌گیرد. در مناطق شهری در طول روز معمولاً دو نقطه اوج غلظت از نبر داریم. اوج اول به علت ترافیک اتوموبیل‌ها در اواخر صبح، چند ساعت بعد از طلوع خورشید و اوج دوم به علت افزایش تابش پرتوهای خورشید واکنش‌های فتوشیمیایی تشدید می‌شود و به دنبال آن غلظت از نبر در اواسط بعدازظهر به حداکثر میزان خود می‌رسد.

تا حدود ۲۵ سال قبل تصور همگان بر آن بود که از نبر تروپوسفری، منحصراً در استراتوسفر تشکیل شده و تحت‌تأثیر فرآیندهای انتقال به لایه‌های تحتانی اتمسفر منتقل می‌شود. امروزه تحقیقات نشان داده‌اند، تنها بخشی از از نبر تروپوسفری از استراتوسفر تأمین گردیده و منبع اصلی تشکیل مولکول‌های از نبر واکنش‌های فتوشیمیایی می‌باشد. غلظت از نبر با شدت تشعشع خورشید، سرعت باد و درجه حرارت هوا ارتباط مستقیم دارد؛ زیرا افزایش شدت تشعشع خورشید و افزایش درجه حرارت هوا موجب افزایش فعالیت فتوشیمیایی و افزایش سرعت باد باعث اختلاط سریع‌تر واکنش‌دهنده‌ها و در نتیجه افزایش غلظت از نبر می‌شود. در نهایت باید گفت از نبر آلاینده ثانویه است و از اکسید نیتروژن و مواد آلی فرار در حضور نور خورشید تشکیل می‌شود.

ویروس کرونا موجب اهتمام بیشتر جامعه جهانی به بهداشت همگانی شد. که موضوع عامل افزایش مصرف محلول‌ها، شوینده‌ها، ضدعفونی‌کننده‌ها، نرم‌کننده‌ها و دیگر مواد شیمیایی از این دست در بین مردم دنیا شد. به علاوه از زمان شیوع ویروس کرونا تا امروز هوا مدام به سمت گرم‌تر شدن (افزایش دما و شدت تابش خورشید) رفته است که این خود واکنش‌هایی که منجر به تولید از نبر می‌شوند را افزایش می‌دهد.

عامل دیگر آن‌که اگرچه بسیاری از مردم در محل‌های کارشان حاضر نشدند، آن‌ها با درخانه ماندن در فصل سرما نیاز بیشتر به گاز و دیگر سوخت‌ها پیدا کردند و اکنون با شروع و اوج گیری فصل گرما نیاز بیشتری به مصرف برق برای کولرها و سایر وسایل سرمایشی دارند؛ این موضوع خود با افزایش مصرف انرژی به‌طور غیرمستقیم تشدیدکننده تولید از نبر است؛ زیرا بخاری‌ها و اجاق‌گازهایی که بوتان می‌سوزانند عامل انتشار نیتروژن دی اکسید هستند و منابع تولیدکننده مواد آلی فرار به عنوان ماده لازم برای تولید از نبر در نیروگاه‌های انرژی بیشتر تولید شده‌اند. از سوی دیگر فعالیت بیمارستان‌ها و سایر مراجع درمانی افزایش یافته و علاوه بر شهروندان، پزشکان و پرستاران نیز به‌طور فزاینده ای ضدعفونی کننده و ... استفاده می‌کنند.

از طرف دیگر زمان شیوع کرونا روند فصلی به نحوی پیش رفت که بارندگی، رعد و برق و نیتریفیکاسیون به که از موارد طبیعی تولید اکسید نیتروژن در اتمسفر است افزایش یافت.

بحث و نتیجه‌گیری

هوایی که تنفس می‌کنیم دریایی از اکسیژن دو اتمی است. ازون یک ترکیب سه اتمی از اکسیژن است و در یک وحدت ناپایدار قرار دارد. ازون یک اکسیدکننده قوی است که با بسیاری از مواد در هواسپهر ترکیب می‌شود. برخلاف لایه سپهر (استراتوسفر) که حضور ازون در آن همچون سپر دفاعی در مقابل تابش‌های فرابنفش عمل می‌کند، در ارتفاع تنفسی ما ازون یک آلاینده به‌شمار می‌رود که بر اثر واکنش‌های فتوشیمیایی در شرایط وجود نور آفتاب، اکسیدهای ازت، هیدروکربن‌ها و اکسیژن دواتمی به وجود می‌آید. کانون‌های عمده به‌وجودآورنده

دیگری تغییرات فصلی از نبر سطحی و پیش‌سازهای آن در یک منطقه شهری در هند مورد بررسی قرار گرفته که نتایج آن حاکی از بیشینه بودن مقادیر از نبر در فصل تابستان و در نیم‌روز به دلیل واکنش‌های فتوشیمیایی آلاینده‌های ناشی از فعالیت‌های انسانی مختلف از قبیل فعالیت‌های صنعتی و دود اتوموبیل‌ها می‌باشد. تحقیق دیگری به منظور آنالیز از نبر در مناطق شهری و روستایی در مالاکا اسپانیا انجام شده که نشان می‌دهد مقادیر از نبر سطحی در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری بیشتر بوده همچنین تغییرات فصلی حاکی از بیشینه بودن مقدار از نبر در تابستان و کمینه بودن آن در زمستان است. تحقیقات دیگر انجام شده نشان دهنده وجود همبستگی مثبت معنی‌دار بین مقادیر از نبر سطحی و عرض جغرافیایی در تمام فصول سال بوده و این همبستگی در فصل‌های زمستان و بهار قوی‌تر از سایر فصل‌ها گزارش شده است؛ همچنین در فصل‌های تابستان و پاییز همبستگی منفی معنی‌داری بین مقادیر از نبر و ارتفاع برقرار بوده و این همبستگی در تابستان قوی‌تر از پاییز گزارش شده است. از جمله تحقیقات دیگری که نشان‌دهنده بیشینه بودن مقدار از نبر در فصول تابستان و بهار و کمینه بودن آن در زمستان می‌باشد، می‌توان به نتایج تحقیقات در امریکا اشاره نمود.

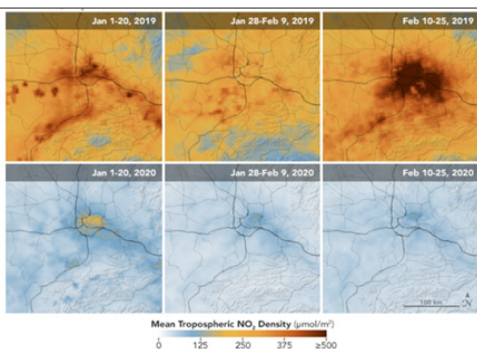
شیوع ویروس کرونا و تغییر غلظت آلاینده‌ها

شیوع ویروس COVID-19 از وهان چین به سراسر جهان در سال ۲۰۲۰ به یک بحران جهانی تبدیل شد و همچنان نیز ادامه دارد. این بحران ابعاد مختلف زندگی مردم جهان را تحت تأثیر قرارداد و بر اثر شیوع همه‌گیر موجب اعمال قرنطینه‌های وسیع در سطح جهان -بالغ بر دویست کشور- شد (شکل ۲).



شکل ۲. همه‌گیر شدن بیماری کرونا از وهان چین

این محدودیت‌ها و تعطیلی فعالیت‌های صنعتی، تجاری، حمل و نقل و ... موجب گردید تا سطح اغلب آلاینده‌ها به طرز بسیار محسوسی کاهش یابد و بسیاری از شهرها همچون وهان چین شاهد هوای به مراتب پاک‌تر نسبت به مدت مشابه سال گذشته باشند (شکل ۳).



شکل ۳. مقایسه آلاینده‌های فرار آسمان وهان چین و کاهش معنی‌دار از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰

نکته قابل توجه و سوالی که مطرح است آن است که چرا با وجود کاهش معنادار در سطح اغلب آلاینده‌ها، از نبر کاهش نیافت و حتی بالعکس افزایش پیدا کرد؟

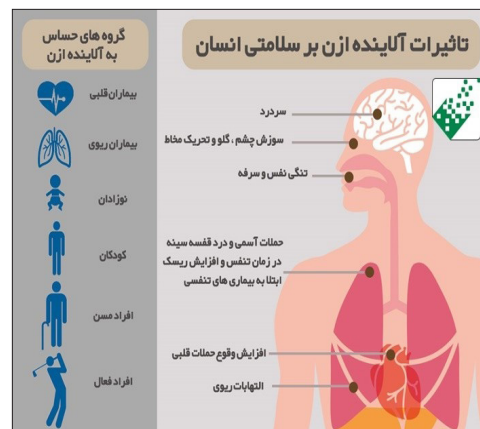
از نبر یکی از آلاینده‌های شاخص (علاوه بر از نبر شامل: اکسیدهای گوگرد، اکسیدهای نیتروژن، سرب، مونوکسید کربن و ذرات معلق هستند) می‌باشد

امیرعلی برومند

کارشناسی مهندسی محیط‌زیست ۹۶



مقدمه: آلودگی هوا به‌عنوان یکی از چالش‌های عمده محیط‌زیستی شهرها به شمار می‌رود که پیش مداوم آن و ارائه راهکارهایی جهت کاهش آن لازمه بهبود کیفیت زندگی شهروندان است. درحالی که از نبر موجود در استراتوسفر در غلظت‌های ۲-۸ ppm انسان را در مقابل خطرات اشعه ماوراء بنفش محافظت می‌کند، از نبر تروپوسفری یا از نبر سطحی آلاینده‌ای است که از دو منبع اصلی شامل ریزش از نبر استراتوسفری به تروپوسفر و واکنش‌های فتوشیمیایی در حضور برخی آلاینده‌های هوا به‌وجود می‌آید و به گیاهان، حیوانات و انسان آسیب می‌زند. در انسان پتانسیل اکسیدکنندگی بالای از نبر باعث بروز مشکلات جدی تنفسی می‌شود. همچنین تنفس از نبر می‌تواند مشکلاتی از جمله درد سینه، سوزش گلو و چشم، حملات آسمی، برونشیت، آمفیزم و سردرد را در پی داشته باشد (شکل ۱).



شکل ۱. آثار آلاینده از نبر (Global Catholic Climate Movement, ۲۰۲۰)

در خصوص روند تغییرات غلظت از نبر سطحی در نقاط شهری مختلف دنیا گزارش‌های متعددی در چند دهه گذشته منتشر شده است که نتایج حاکی از روند افزایشی شدید غلظت از نبر سطحی در نقاط شهری مورد مطالعه بوده است.

اگرچه از نبر سطحی حدود ده درصد کل از نبر اتمسفری را تشکیل می‌دهد، با این حال، نقش به‌سزایی در تغییرات آب‌وهوایی و ویژگی‌های بیولوژیکی و شیمی جو دارند و به کمک جذب تابش‌های با طول موج بلند ساطع شده از سطح زمین در زمرة گازهای گلخانه‌ای قرار می‌گیرد. از نبر سطحی یکی از مهم‌ترین اکسیدان‌های فتوشیمیایی موجود در جو است که در اثر واکنش بین اکسیدهای نیتروژن NOx و ترکیبات آلی فرار VOC در حضور تابش نور خورشید ایجاد می‌شود.

مطالعات متعددی نیز درخصوص تغییرات غلظت از نبر سطحی و NOx در نقاط مختلف دنیا انجام شده است. نتایج این تحقیقات حاکی از آن است که بالاترین غلظت‌های از نبر در طول شبانه‌روز مربوط به ساعات بعد ازظهر و پایین‌ترین غلظت‌ها مربوط به ساعات اولیه صبح بوده ضمن این‌که مقادیر میانگین ماهانه نسبت اختلاط از نبر از فروردین ماه شروع به افزایش نموده و در مرداد ماه به حداکثر مقدار ممکن رسیده است. همچنین، مقادیر نسبت اختلاط از نبر در تعطیلات آخر هفته در تمام مناطق تا ۲۸ درصد بیشتر از مقادیر ثبت شده در روزهای دیگر هفته بوده که یکی از دلایل آن کاهش غلظت NOx در تعطیلات آخر هفته گزارش شده است.

با مطالعه تغییرات غلظت روزانه و فصلی از نبر سطحی و NOx با استفاده از اطلاعات دو دهه در مناطق شرقی ایالات متحده، کاهش غلظت از نبر سطحی به میزان ۱۶ ppb در هر دهه را گزارش کرده‌اند که در نتیجه کاهش شدید انتشار NOx از نیروگاه‌های برق در طول این دو دهه بوده است. بر این اساس در ماه‌های زمستان و اوایل بهار، افزایش غلظت از نبر مشاهده شده است. در تحقیق

گرانی و مشکل معیشتی مردم راه حل دارد

رهبر انقلاب اسلامی پس از کاشت دو اصله نهال میوه در روز درختکاری تصریح کردند: گرانی و مشکل معیشتی مردم راه‌حل دارد در جلسات متعدد این را به مسئولان تذکر دادیم. به گزارش ایسنا، رهبر انقلاب اسلامی با ابراز نارضندی از گرانی‌ها و مشکلات معیشتی، افزودند: این وضع در آستانه عید غصه بزرگی ایجاد کرده است. البته اجناس مانند میوه‌ها فراوان است اما قیمت‌ها بسیار بالا است که سود این قیمت بالا هم به جیب باغداران زحمتکش نمی‌رود بلکه نصیب دلالها و واسطه‌های سودجو می‌شود و ضرر آن به مردم می‌رسد. ایشان با تأکید بر اینکه مسئولان باید مشکل معیشتی و گرانی را حل کنند، گفتند: این مشکلات، همه راه‌حل دارد و بارها در جلسات متعدد این نکات را تذکر داده و راه‌حل‌های مورد نظر کارشناسان را به مسئولان گفته‌ایم.

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال ششم / شماره هفتاد و سه / سالنامه ۱۳۹۹



همین نفر

تختاب سیزدهمین رئیس جمهور



میثم ظهوریان
فعال فرهنگی

دعوا بر این است که مردم بدانند برنده این انتخابات، این اراده را دارد که وضعیت را تغییر دهد و این اجازه را دارد که دولت مقتدری تشکیل دهد یا نه. اکنون یکی از معضلاتی که ما دچارش هستیم ناکارآمدی نهاد دولت است و این بحث فارغ از احمدی نژاد، روحانی یا خاتمی‌ست. مشکل اصلی بخش معترض جامعه که قهر اعتراض‌آمیز کرده و نسبت به انتخابات نگاه انتقادی دارد این است که به طور

مثال اگر برآیند اراده جامعه به این سمت باشد که معضل هسته‌ای و تنش‌های ناشی از آن در اولویت قرار بگیرد، این امر در اختیار رییس جمهور منتخب نیست. لذا بهتر است همه جریان‌های سیاسی تکلیف را با مردم

مشخص کنند که آیا برنده انتخابات ۱۴۰۰ به اتکای رأیی که از مردم می‌گیرد، می‌تواند در امور سیاست خارجی تعیین‌کننده باشد یا نه. اگر پاسخ منفی است صراحتاً بگوییم که در کشور ما دولت اجازه دخالت در سیاست خارجی را ندارد و دولت باید در حوزه قیمت گوشت و برنج و سایر مسائل داخلی شعار بدهد. اگر من بخواهم بر رویکرد اصلاح طلبان در این جریان نقدی وارد کنم به طور مصداقی از آقای بهزاد نبوی نام می‌برم که چندی پیش در توجیه عملکرد دولت روحانی گفت دولت در ایران ۱۰ تا ۱۵ درصد قدرت را در اختیار دارد. ولی خودشان شده‌اند رییس نهاد اجماع‌ساز اصلاح‌طلبان (ناسا). سوال من این است که آیا آقای نبوی حاضر است در هنگام تبلیغ برای کاندیدای موردنظر در انتخابات نیز چنین حرفی را به مردم بزند؟ صداقت سیاسی که لازمه فعالیت سیاسی برای جریان‌های مختلف است ایجاب می‌کند تمام شعارها و صحبت‌هایی که در ایام غیرانتخاباتی می‌زنیم را در دوره انتخابات نیز بگوییم، نه اینکه در خفا چیزی بگوییم و در انتخابات صحبت از امید کنیم.

رجب‌پور: درباره اینکه وضعیت امروز ما با کدام گفتمان پاسخ داده می‌شود، من با این مسئله شروع کردم که مهم است کدام نیروی سیاسی می‌تواند تعهد دهده که چشم‌اندازی که ترسیم می‌کند، قابلیت تحقق دارد. آقای ظهوریان از گفتمان عدالت صحبت کردند. من ۴ موضوع را درباره گفتمان عدالت مورد بحث قرار می‌دهم. مسئله اول این است که شما کسی را به عنوان قهرمان گفتمان عدالت مطرح کردید که امروز در فضای سیاسی رسمی ایران صلاحیت و امکان رقابت ندارد. اگر شما بر این باور هستید که این گفتمان چنین رأسی دارد باید به این سوال هم پاسخ دهید که اساساً چرا اجازه داده نمی‌شود در فضای سیاسی حضور داشته باشد؟ مسئله دوم این است که وقتی ما درباره عدالت صحبت می‌کنیم یک سری متغیر کنترلی داریم مثلاً وقتی شما به متغیر اشتغال نگاه می‌کنید در دوره احمدی‌نژاد درحالی که بمب جمعیت دهه شصت به دوره اشتغال رسیده بود، نرخ بیکاری ایران و جمعیت غیرفعال آن افزایش پیدا کرد. دولتی که ادعای عدالت داشت پایین‌ترین نرخ اشتغال‌زایی را داشت. یا حتی اگر از منظر رشد حجم منابعی که برای یک واحد رشد صرف

رجب‌پور: آنچه دهه «از دستر فته» ایران را توصیف می‌کند، این است که ما فقدان عملکرد داریم، چه از سوی گفتمان عدالت‌گرا، چه گفتمان روبه‌روی آن با هر اسمی که خوانده شود.

کرده را مقایسه کنیم می‌بینیم که سه برابر دولت قبلی بوده و به این به معنای اتلاف سرمایه است. آن‌چه باعث شد کسانی که در دهه هشتاد از اقتصاد ایران صحبت میکردند مسئله نفرین منابع را تکرار کنند، دلیلش درآمدهای نفتی بود که به ولخرجی‌های بسیاری منجر شد ولی از دل آن اشتغال و رشد ایجاد نشد و جامعه در انتهای آن دوره با وضعیت نابسامانی مواجه شد. این دولت کار را به دولتی سپرد که با کاهش درآمدهای نفتی و دو دوره تحریم روبه‌رو بوده و عملکردش با توجه به این اوضاع باز هم نسبت به دولت قبلی بهتر بود. بنابراین وقتی درباره گفتمان عدالت صحبت می‌کنیم باید متغیر کنترلی خود را تعیین کنیم. اینکه عدالت را در عملکرد می‌سنجیم یا در شعار نکته بعدی آن که وقتی شما درباره فرودستان صحبت می‌کنید یکی از مباحث این است که تقسیم طبقات با توزیع درآمد انجام می‌شود در حالیکه اگر شما به توزیع جغرافیایی فقر در ایران بپردازید می‌بینید که سهم بالایی از دهک‌های پایین درآمدی، در استان‌های مرزی توزیع شده‌اند. فقیرترین استان‌های ایران یعنی سیستان و بلوچستان، کردستان، گلستان و خوزستان پایگاه رأی گروه‌هایی که شما عدالت‌خواه می‌خوانید نیستند. چرا؟ به دلیل آنکه محرومیت استان‌های مرزی تابع یک سری از جهت‌گیری‌های خاصی است که منابع را هر چه کمتر به آن‌ها اختصاص می‌دهد. اگر بخواهم تضاد را در مثال دیگری نشان دهم در میان تخلفات بانکی و موسسات مالی اعتباری غیرمجاز، بیشترین تعدد موسسات غیرمجاز در مشهد و قم تشکیل شده؛ دو شهر مذهبی و نزدیک به حکومت. شما می‌توانید نسبت میان ایدئولوژی و فرادستی را در ایران ببینید. در نسبت دیگری در سال‌های ۸۵ تا ۹۰ نسبت مشارکت زنان در بازار کار از ۱۷ درصد کل زنان به ۱۵ درصد رسید. یک اقلیت دیگر زنان هستند که آن‌ها نیز وضعیت نامطلوبی داشتند. ما با یک سری شعار و یک سری عملکرد روبه‌رو هستیم. در خلاصه کلام باید بگوییم آنچه دهه از دست‌رفته ایران را توصیف می‌کند این است که ما فقدان عملکرد داریم، چه از سوی گفتمان عدالت‌گرا، چه گفتمان روبه‌روی آن با هر اسمی که خوانده شود؛ وقتی نتوانیم عملکرد را توجیه کنیم، بحث درباره شعارها بی‌فایده است.

باتوجه به اینکه در جناح اصول‌گرایان با تعدد نامزدها روبه‌رو هستیم و در مقابل در جناح اصلاح‌طلب بر حسب عرف معرفی نامزدهای اصلی به بعد از تأیید و رد صلاحیت‌ها موقوف می‌شود، آیا می‌توان پیش‌بینی کرد که در انتخابات آتی رئیس‌جمهور منتخب از کدام جناح و با چه برنامه‌هایی خواهد بود؟
ظهوریان: البته باید ذکر کنم من مدافع احمدی‌نژاد فعلی نیستم ولی الان دارم از ادراک اجتماعی نسبت به ایشان صحبت می‌کنم. هرچند که دولت ایشان را در مقایسه با دولت‌های دیگر در اغلب شاخص‌ها موفق‌تر می‌دانم.

در مورد صحبت آقای حاجی‌زادگان باید بگوییم به نظرم عدم کارآمدی یک امر نسبی است. درباره کمپین‌ها با ایشان موافقم؛ من آن‌ها را تاکتیسین می‌خوانم. کسانی که مسئله‌شان صرفاً تاکتیک انتخابات است و به جای اغنای اثباتی صرفاً به دنبال جذب سلبی مردم هستند. مثلاً می‌گویند اگر طرف مقابل روی کار بیاید در خیابان‌ها دیوار می‌کشد و دیگری می‌گوید اگر طرف دیگر قدرت را به دست گیرد، دین شما را از بین می‌برد. نکته بعدی این است که دولت اختیار دارد یا ندارد؟ واقعیت این است که ادراک عمومی این را نشان می‌دهد که سیاست خارجی روحانی با احمدی نژاد اختلاف دارد. دولت روحانی این قدر اختیار داشته که توانسته ایده‌های خود را پیاده سازد. با اینکه رهبری صراحتاً مخالفت خود را اعلام کرد و گفت خوش بین نیستم و جواب نمی‌دهد اما اجازه پیاده‌سازی ایده‌ها فراتر از قانون عادی هم بود. این که ما بگوییم دولت اختیاری ندارد، هیچ تطبیقی با واقعیت ندارد. وقتی زمان انتخابات شعارهای غیرعملی می‌دهیم و در اجرا امکان تحقق آن را نداریم، ناچاریم یک دست پنهان ایجاد کنیم، تا ضعف‌هایمان را پوشش دهیم. در این وادی‌ست که صحبت از دولت پنهان یا کم‌بودن اختیارات به میان می‌آید.

حاجی‌زادگان: اساساً در شرایط فعلی تا وقتی تحول اساسی در ساختار سیاسی کشور به معنای اصلاحات رخ ندهد دولت کارآمدی که بتواند وعده انتخاباتی را محقق سازد، نمی‌تواند بر سرکار آید. اینکه چرا پیش از این صحبت این چنینی نمی‌شد برای این است که هیچ‌وقت به اندازه حالا بحث سیاست خارجی تعیین‌کننده زندگی مردم نبوده و مسئله اصلی این است مردم حق دارند در این باره اظهارنظر کنند و برآیند نظر آن‌ها سرلوحه قرار بگیرد. این مردم در دهه ۹۰ بارها نشان دادند که خواستار مذاکره و تنش‌زدایی از طریق مذاکره‌اند و بارها برای تحقق برجام به صورت خودجوش جشن برپا کرده‌اند. در شعارهای اعتراضات دی ۹۶ و آبان ۹۸ بخشی از اعتراض‌ها به سیاست خارجی بازمی‌گشت لذا تا وقتی این مسئله حل نشود، احتمالاً این اعتراضات ادامه خواهد داشت. من با بخشی از صحبت‌های آقای رجب‌پور مبنی بر «شورش کور» خواندن اعتراضات، مخالفم. این دوگانه‌سازی نیز اشتباه است، حق اعتراض مسالمت‌آمیز، بخشی از سیاست دموکراتیک است و اگر ما طرفدار آن هستیم در ذیل آن اعتراضات ۹۸ و ۹۶ نیز باید بخشی از حقوق سیاسی بدیهی بدانیم. ولی اگر بگوییم آن برهه اشتباه بوده و شورش کور محسوب می‌شود و حالا کار درست مشارکت در انتخابات است، این حاصل یک نگاه گزینشی به حوزه سیاست و دموکراسی است. به این معنا جریان اصلاح‌طلبی فهم گزینشی و محدودی از دموکراسی دارد و دموکراسی و مشارکت را به کنش انتخاباتی تقلیل می‌دهد. در صورتی که اعتراض سیاسی هم بخشی از کنش سیاسی است به خصوص در وضعیت ناکارآمدی نهادهای سیاسی در ایران. این اعتراض به معنای به پا خاستن علیه نظام نیست بلکه به معنای اعتراض اصلاح‌طلبانه است.

رجب‌پور: ما با بحران کارآمدی رو به‌رویم هم‌چنان که با بحران برنامه روبه‌رو هستیم. که این بی‌برنامگی از دل سازمان‌نیافتگی جامعه بیرون می‌آید. من دوگانه‌ای نساختم و منظورم این بود در ۴ سال گذشته علاوه بر روش‌های مرسوم مشارکت با نوعی از انسداد مواجه شده‌ایم که به تحولات خشن منجر شده است. مسئله‌ای که وجود دارد این است که قیمت بنزین جهش می‌یابد و در پی آن تظاهراتی راه می‌افتد، این تظاهرات تبدیل به درگیری و در نهایت کشته‌شدن عده‌ای از مردم می‌شود اما سیاست اتخاذی همچنان پابرجاست. مقصود نظر من این بود که آن حرکت اعتراضی علی‌رغم هزینه‌ای که داشت، به آن خواسته‌ای که در بدو امر در پی‌اش بود، نرسید و از این نظر کور محسوب می‌شود. نکته بعدی اینکه فقدان برنامه در میان نیروهای سیاسی در ایران است که ما باید برگردیم به اینکه چرا امروز بسیاری از شخصیت‌ها از جمله محمود احمدی‌نژاد

علی‌رغم تمایل‌شان به کاندید شدن این صلاحیت به آن‌ها داده نمی‌شود؟ وقتی در ۴-۵ ماه مانده به انتخابات با این شرایط مواجه‌ایم که در یک جناح نمایندگان اعلام آمادگی کرده‌اند و درباره تعدادی دیگر نیز گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد و جناح دیگر هم تاکنون هیچ نماینده مشخصی ندارد، چطور می‌توانیم انتظار داشته باشیم آن شخص برای اداره کشور برنامه داشته باشد؟ متأسفانه تا رقابت سیاسی در ایران منظم نشود نمی‌شود بر بخشی از ناکارآمدی غلبه کرد. من امروز نمی‌توانم بگویم کدام جناح برنامه‌های دارد چرا که مشخص است هیچ‌کدام به یک کاندیدای قطعی نرسیده‌اند تا برنامه داشته باشند. ۴ ماه به انتخابات همه‌چیز در حالت ابهام است و همه‌چیز بر اثر گمانه‌زنی‌هاست. در چنین شرایطی من چشم‌اندازی ندارم از اینکه گزینه‌ای که برنده انتخابات پیش رو باشد، برنامه‌ای برای گذر و حل بحران‌ها داشته باشد.

ظهوریان: بر خلاف نظر شما معتقدم برای مردم هیچ وقت مذاکره یا عدم مذاکره اصالت نداشته است. مسئله مردم رفع تحریم و حل مسائل اقتصادی بوده و مذاکره و توافقی که به این هدف نینجامد و بعدها بگویند مهم‌ترین دستاورد آن پیروزی اخلاقی بود، ارزشی ندارد. معتقدم ما باید حل مسئله تحریم را به عنوان راهبرد در دستور کار بگذاریم اما مذاکره یا توافق صرفاً یک ابزار است. اشکال دولت فعلی این است که اصل مذاکره و توافق را بدون توجه به نتایج آن به ایدئولوژی خود تبدیل و وزارت خارجه صریحاً راهبرد خود را «هر توافقی بهتر از عدم توافق است» اعلام کرد. مذاکره نهایتاً یک ابزار است که بسته به کارکردش باید از آن استفاده کنیم. متأسفانه هم مذاکره و هم توافق در دولت فعلی تبدیل به یک ایدئولوژی شده و به همین واسطه، به محتوا و نتیجه توجهی نشده است.

حاجی‌زادگان: به عنوان یک پژوهشگر اجتماعی که در این حوزه کار کرده‌ام به شما این اطمینان را می‌دهم که نظرسنجی پیمایش دانشگاه مرینند هیچ ارزشی ندارد چرا که در یک تماس تلفنی از مردم درباره حساسیت برانگیزترین مباحث پرسش مطرح می‌شود، بنابراین نمی‌توان به آن استناد کرد. درباره نظرسنجی‌های داخلی نیز این نکته وجود دارد که بهتر است برای درک بهتر نظرات مردم به نظرسنجی‌های غیرانتخاباتی نیز توجه داشته باشیم. وقتی نظرسنجی‌های ایسپا را قبل و بعد از اعتراضات بررسی کنیم دیگر نمی‌توانیم بگوییم شعارهای اعتراضات ربطی به کل جامعه ندارد چرا که فرای بعضی از مصادیق شعارها، بخشی از جامعه با کلیت اعتراضات موافق بوده‌اند.

سوال پایانی اینکه در میان گمانه‌زنی‌ها پیش‌بینی شده است که چهره‌های جدید شانس بیشتری برای برگزیده شدن دارند. در میان این چهره‌های جدید در این دوره ما شاهد نظامیانی هستیم که اعلام آمادگی کرده‌اند، آیا ورود نظامیان به عرصه سیاست منافی تأکید امام بر عدم دخالت نظامیان بر سیاست نیست؟

حاجی‌زادگان: مشخصاً بحث دخالت نظامیان در سیاست یک مسئله اظهر من‌الشمس است و علی‌رغم نقل قول‌های صریح آیت‌الله خمینی مبنی بر منع ورود نظامیان به سیاست در این دوره می‌بینیم که پر قدرت‌تر از قبل به صفت نظامی وارد سیاست می‌شوند و این امر نگران‌کننده است.

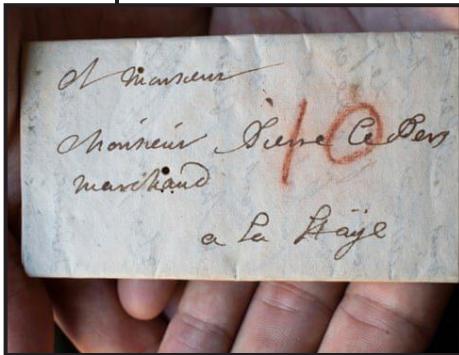
ظهوریان: در مورد افرادی که بالفعل نظامی هستند هم منع قانونی وجود دارد و هم شرایط کشور شرایط مساعدی برای پذیرش آنان نیست. ولی اینکه باید از حضور هر فردی با سابقه نظامی ممانعت ایجاد شود، نه به لحاظ قانونی معنی وجود دارد و نه در عرف فضای بین‌الملل مسئله نامتعارفی است. همان طور که در کشورهای مختلفی مانند آمریکا و فرانسه و انگلیس نیز افرادی با سابقه نظامی روی کار آمده‌اند و در ادارک همان جامعه بعضاً موفق هم محسوب می‌شوند. هرچند که من گزینه مناسبی میان افرادی که سابقه نظامی داشته‌اند و اعلام آمادگی کرده‌اند، نمی‌بینم اما معتقدم منع قانونی و شکلی برای حضور آنان وجود ندارد.

نامه‌های تاریخی بدون باز شدن، خوانده شد

به گزارش ایسنا و به نقل از گاردین، محتوای یک نامه که توسط یک تاجر فرانسوی در ۳۱ جولای سال ۱۶۹۷ نوشته شده بود تا از شهری در فرانسه به دست یکی از اقوامش در هلند برسد توسط دانشمندان آشکار شد، اما نکته قابل توجه این جاست که دانشمندان بدون باز کردن نامه به محتوای آن دست پیدا کرده‌اند.

این نامه یکی از ۲۶۰۰ نامه‌ای است که در فاصله بین ۱۷۰۶ تا ۱۹۸۹ از سراسر اروپا به شهری در «لاسه» ارسال شده بودند، اما هرگز به دست گیرنده نرسیده‌اند. ۶۰۰ مورد از این نامه‌ها تاکنون باز نشده‌اند.

یک گروه بین‌المللی تحقیقاتی متشکل از محققان دانشگاه «ام آی تی»، «کالج کینگ لندن»، دانشگاه «کوئین مری لندن»، دانشگاه «اوترخت» و «لیدن» با استفاده از اشعه ایکس-ری تصاویر سه بعدی از داخل این نامه خلق کرده‌اند.



گفت‌وگوی اختصاصی با دکتر تورج دریایی:

ساسانیان، تلالو اندیشه ایرانی شهری



نقش استادان و صاحب‌نظران غربی در مطالعات ساسانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در غرب نظریه‌ها و تئوری‌هایی مطرح شده و از آن استفاده شده؛ مخصوصاً در مورد تاریخ رم، دوره‌های موسوم است به «اواخر دوره باستان» یا «پساباستان» که به انگلیسی به آن late antiquity گفته میشود و در واقع ایده‌ها و نظریاتی است که میتوان از آن برای شناخت دوره ساسانی استفاده کرد. این نظریات برای گنجاندن ساسانیان در الگوی خاص و مرتبط کردن آن به تمدن‌هایی دیگر همچون رم بسیار اهمیت دارد. البته این نکته در تفاوت مطالعه ساسانیان در ایران و اروپا نیز حائز اهمیت است که غربیها از ما پیشی گرفته‌اند زیرا متدولوژی را بهتر می‌دانند و منابع غیرایرانی را بسیار خوب میشناسند. البته که ما هم در ایران می‌توانیم پیشرفت کنیم چون متون فارسی و عربی را به خوبی می‌شناسیم.

آیا این استنباط که فرهنگ و سیاست ساسانی متأثر از گفتمان شرقی بوده است، درست است؟

در مقایسه با فرهنگ رم، البته که شرقی‌ست؛ اما اگر توجه کنیم جهانیابی ساسانی کاملاً ایرانی است و از ایران‌شهر آمده است. این خیلی مهم است؛ می‌توان گفت جهانیابی ساسانیان ایران‌شهر و دید ایران‌شهری در واقع یک دید جهانی‌ست که مدیون اتفاقاتی است که در فلات ایران رخ داده و این‌ها وام‌دار سنت هستند.

ارزیابی شما از سیاست‌های فرهنگی و سیاسی ساسانیان برای حضور آنها در شرق چیست؟

از همان ابتدا ساسانیان با شرق ارتباطات مهمی داشتند. مهمترین اقدامیکه اردشیر در جریان شکست اردوان پنجم انجام می‌دهد این است که به شرق می‌رود.



سبحان گوهری
کارشناسی تاریخ ۹۶

پیش مصاحبه: مطالعه تاریخ امپراتوری ساسانیان می‌تواند به تعریف و تشریح دوام و اهمیت دنیای ایران پیش و پس از ورود اسلام و به‌ویژه ظهور آنچه که محققان از آن به عنوان «سرزمین خلافت مشرق» و در نهایت دنیای پارسی‌ست کمک شایانی کند. از این جهت مطالعه تاریخ ساسانیان نه تنها در شناخت تاریخ ایران اهمیت دارد بلکه در بررسی تاریخ خاورمیانه ضروری است. به همین منظور برآن شدیم با دکتر تورج دریایی (استاد تاریخ باستان در دانشگاه کالیفرنیا و متخصص تاریخ عصر ساسانی) گفت‌وگویی در این باره داشته باشیم.

جایگاه مطالعات تاریخ ایران باستان به طور خاص دوره ساسانیان در غرب چگونه است؟

مطالعات درباره دوره ساسانی در همین نسلی که من در خارج هستم پا گرفته است. قبل از اینکه من وارد دانشگاه شوم، تقریباً در هیچ‌جا، نه در کلاس مستقل در رابطه با دوره ساسانی تدریس میشد و نه کسی آن را مطالعه می‌کرد. عمده مطالعات تاریخی یا در حیطه مطالعات تاریخ اسلامی بود یا تاریخ رم و یا مطالعه باستانشناسی و بازمانده تمدن ساسانی؛ اما خوشبختانه در این سه دهه اخیر جایگاه مطالعات این دوره تاریخی کاملاً عوض شده و کسانی هستند که تخصص‌شان به طور خاص تاریخ و تاریخ ساسانی است. در مجموع توجه به ساسانیان از طریق اشخاصی که زبان پهلوی می‌دانند و تاریخ ساسانی را مطالعه کرده‌اند و همچنین به تاریخ تمدن‌های هم‌جوار ما نیز اشراف کامل دارند، بیشتر شده است.

بزرگ جهان یادکرد. با توجه به ابهاماتی که وجود دارد، روابط ساسانیان با اعراب را چگونه می‌توان توصیف کرد؟

ما برحسب دیدی که در دوران حاضر داریم به اعراب نگاه می‌کنیم، اما در تاریخ نباید به مسائل با نفرت برخورد شود. بلکه باید سعی کرد مسائل را تجزیه و تحلیل کرد. من فکر میکنم تاریخنگاری، دیدگاه و همچنین منابع ما نگاهمان را نسبت به رابطه بین ایران و اعراب از دوران هخامنشی با هم در ارتباط بودند. نزدیک به هزار و اندی سال ایرانیان بر آنها چیره بودند و برای مقطعی این چیرگی برعکس شد.

به نظر شما، علل حائز اهمیتی که موجب ضعف و سقوط ساسانیان شده ولی کمتر به آن‌ها پرداخته شده است، کدام‌اند؟

مسئله بسیار مهم در این باره مسئله توجه کافی به کودتای ژنرال خسرو پرویز است که توانست با امپراطور روم کنار بیاید. دیگر عامل مهم شهروراز است به نوعی به خاندان ساسانی پایان رسمی می‌دهد؛ ولی با کاری که می‌کند ارتش ساسانی را نگه میدارد و می‌گذارد خسرو پرویز که هنوز شکست نخورده بود در دربار دستگیر شود و توسط فرزند خودش و درباریان کشته شود. در واقع این کودتاست که باعث نزول چشم‌گیر و قابل توجه قدرت می‌شود و در شاهنشاهی ساسانی هرج و مرجی به راه می‌اندازد.

در نتیجه ساسانیان با اقداماتی که در تاریخ انجام داده‌اند تمدن و کشوری به نام ایران‌شهر برپا نهادند که یک فرهنگ به خصوص و نفوذ بسیاری بر همسایگان داشتند و این فرهنگ و تمدن بعد از ۲۰۰۰ هزار سال است که در ایران و منطقه با ما همراه بوده است.

دولت کوشان را یکسال بعد از شکست اردوان، در سال ۲۲۵، نابود و قدرت ساسانیان را در شرق تثبیت میکند. دلیل این اقدام این است که کوشانیان و رومیان، اشکانیان را از لحاظ قدرت اقتصادی در تنگنا قرار میدادند.

در این راستا ساسانیان لازم داشتند راه شرق را هموارکنند. از زمانیکه جاده ابریشم باز و هموار شد این فرهنگ نیز رواج پیدا کرد و نگاه شرقی ساسانیان با توجه به آنچه دکتر رضا خانی در کتاب «ایران شرقی» نوشته، با آمدن هفتالیان و شکست ساسانیان در قرن ۵ هجری افزایش پیدا میکند و به روم نگاه ویژه‌ای انداخته می‌شود؛ اما در نهایت تا آن زمان نگاه، نگاه شرقی‌ست و فرهنگ ایرانی

دولت کوشان را یکسال بعد از شکست اردوان، در سال ۲۲۵، نابود و قدرت ساسانیان را در شرق تثبیت میکند. دلیل این اقدام این است که کوشانیان و رومیان، اشکانیان را از لحاظ قدرت اقتصادی در تنگنا قرار میدادند.

در این راستا ساسانیان لازم داشتند راه شرق را هموارکنند. از زمانیکه جاده ابریشم باز و هموار شد این فرهنگ نیز رواج پیدا کرد و نگاه شرقی ساسانیان با توجه به آنچه دکتر رضا خانی در کتاب «ایران شرقی» نوشته، با آمدن هفتالیان و شکست ساسانیان در قرن ۵ هجری افزایش پیدا میکند و به روم نگاه ویژه‌ای انداخته می‌شود؛ اما در نهایت تا آن زمان نگاه، نگاه شرقی‌ست و فرهنگ ایرانی

در روزهای آینده همراه با سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی



سه دقیقه با کتاب

مسابقات های

کتاب

(3MBP)

موضوعات:


الف) معرفی کتاب‌های ایران‌شناسی
ب) آزاد؛ شامل معرفی کتاب مورد علاقه، بدون محدودیت موضوعی

با ساخت یک فیلم کوتاه سه دقیقه‌ای در مورد کتاب مورد علاقه خودتان می‌توانید در این مسابقه شرکت کنید!

ارسال آثار تا ۱۳ فروردین ماه

دریافت اطلاعات بیشتر و ارسال اثر: @sdjdm_admin

جهت کسب اطلاعات بیشتر به www.jdmprss.com مراجعه نمایید.



پارک سبز

اردوی خیریه مهرباران

اردوی خدمت‌رسانی به مناطق محروم حاشیه شهر مشهد

- تاریخ برگزاری: ۲۰ تا ۲۲ اسفندماه ۱۳۹۹
- برنامه‌های خدماتی و بهداشتی
- برنامه‌های تفریحی
- دوره‌های آموزشی

برای مشارکت در این طرح، تا **۱۶ اسفندماه** به آدرس @sdjdm_admin مراجعه کنید

بررسی روابط دو کشور از روی سفال

نویسنده کتاب «سفالینه گونه موسوم به کوباچه» می‌گوید سفال‌های موسوم به کوباچه به روشن شدن پیشینه روابط ایران و قفقاز به‌ویژه از جهت فرهنگی و مبادلات تجاری و حتی سیاسی کمک می‌کند.

به گزارش ایسنا، فیروز مهجور که کتاب «سفالینه گونه موسوم به کوباچه» او در گروه هنر سی‌وهشتمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی شایسته تقدیر شده است، درباره موضوع کتابش گفت: از جنبه‌های سیاسی، برخی سفالینه‌ها اهمیت دارند. مثلاً برخی از حکومت‌ها و دولت‌ها در یک‌سری از این سفال‌ها نقش داشته‌اند، این‌که پشتیبانی کنند یا نه، خودشان استفاده کنند یا نه. مثلاً در دوره صفویه، شاه عباس اول، حدود ۳۰۰ سفالگر چینی را با خانواده، در ارتباط با تولید بهتر و بیشتر سفالینه‌ها با چینی‌های آبی و سفید در داخل کشور، به ایران دعوت می‌کند. سفالینه مشهور زرین‌فام هم که خیلی مهم است، و در سامرا، در قرن دوم هجری تولید شده، به نوعی در دوره فاطمیان مصر اهمیت پیدا می‌کند.

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال ششم / شماره هفتاد و سه / سالنامه ۱۳۹۹

۲۵ اسفند، سال‌روز پایان سرایش شاهنامه سرآمدکنون‌قصه‌یزدگرد



ISNA PHOTO
Zahra Ayani

فردوسی پس از پایان داستان یزدگرد، تاریخ و زمان پایان شاهنامه را ذکر می‌کند. در تقویم ایران باستان، روز «ارد» مصادف با ۲۵ اسفند بوده و فردوسی متذکر می‌شود که در این روز، کار شاهنامه را به پایان رسانده است.

«سرآمد کنون قصه یزدگرد/ به ماه سفندارمژ روز ارد ز هجرت شده پنج هشتاد بار/ به نام جهان داور کردگار چو این نامور نامه آمد به بن/ ز من روی کشور شود پر سخن از آن پس نمیرم که من زنده‌ام/ که تخم سخن من پراگنده‌ام

هرآن کس که دارد هش و رای دین/ پس از مرگ بر من کند آفرین» (فردوسی، ۱۳۸۸: ۸۱۷).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که جامعه بشری پیش از ابداع روشی برای نگارش و مکتوب‌سازی، در ابتدا با ساخت ترانه‌ها و سرودها به حفظ و نگهداری داستان‌ها و وقایعی که رخ داده، می‌پرداختند. سپس با ابداع خط، آن را مکتوب و به دوره‌های بعد منتقل ساختند. آرام آرام این وقایع از واقعیت اصلی خود فاصله گرفته و با کم و زیاد شدن (شاخ و برگ گرفتن) به افسانه

اینگونه ترانه‌ها در طی روزگار طول و تفصیل و زیادت و نقصان پذیرفته در اوقات و نقاط مختلف به اختلاف انشاد و روایت می‌گردید. «(زرین کوب، ۱۳۸۱: ۱۱).

منابع اصلی فردوسی همان خدای‌نامه‌های عصر ساسانی و داستان‌های شفاهی بوده که سینه به سینه نقل شده و توسط فردوسی جمع‌آوری و ثبت شده است. «جز از خدای نامه که ماخذ اصلی شاهنامه است بعضی از داستان‌ها نقل از دیگران است و بیشتر به نام دهقان؛ و دهقان را مردی است که از نژاد و تخمه بزرگان باشد.» (یغمائی، ۱۳۵۴: ۱۱).

نام فردوسی و شاهنامه در برخی منابع این چنین آمده است:

«بسی یاد نام نکورانده شد/ بسی دفتر باستان خوانده شد
ز هرگونه رای فکندند بن/ پس آنکه گشادند بند سخن
که فردوسی طوسی پاک مغز/ بدادست داد سخن‌های نغز
به شه‌نامه گیتی بیاراستست/ بدان نامه نام نکو
خواستست» (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۱۴).



اکرم نخعی
کارشناسی تاریخ ۹۶

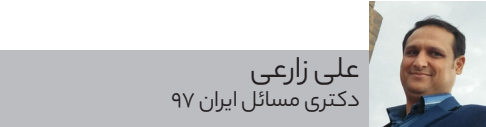
در این یادداشت پژوهشی سعی بر این است تا نمایی کلی از شاهنامه و سراینده آن حکیم ابوالقاسم فردوسی به دست آید تا تلاشی هرچند اندک در شناخت هر چه بهتر این احیاگر زبان و فرهنگ و ادب فارسی باشد. به منظور شناخت شاهنامه بهتر است که ابتدا به شناخت سراینده و خالق این منظومه عظیم، یعنی فردوسی بپردازیم.

فردوسی بارها از واژه دهقان در اثر خود نام برده و روایات خود را از زبان دهقان بیان می‌کند. این موضوع نشان از استفاده وی از روایات و نقل‌های شفاهی موجود در بین دهقانان است. می‌توان گفت که او از دهقانان بوده و با توجه به پیشینه‌ای که داشته؛ با متون کهن و داستان‌های شفاهی آشنایی کامل داشته است.

«سخنگوی دهقان چه گوید نخست * که نام بزرگی به گیتی که جست؟» (فردوسی، ۱۳۸۸: ۱۵).

آدمی قبل از ابداع خط و نگارش، از طریق نقاشی، اصوات و آواها با هم‌نوع خود ارتباط برقرار می‌کرد. انسان با استفاده از آواها و اصوات موفق به برقراری ارتباط، ترانه‌سرایی و داستان‌سرایی شده و از این طریق مولفه‌ها و شاخصه‌های فرهنگی که در طی هزاران سال زندگی پدید آمده را حفظ و نگهداری کرده است. سپس با ابداع نگارش و خط به ثبت و ضبط آن‌ها پرداخته تا از گزند ناپودی در امان باشند. این ترانه‌ها و آواها اینگونه پدید آمده‌اند. «اقوام دیرینه گیتی از همان زمان که به مقتضای زندگانی نظامی با طوایف و امم مجاور همواره در ستیز و پیکار بودند. پهلوانان و دلاوران خود را گرمی شمرده و بدان‌ها افتخار می‌کرده اند... از این رهگذر ترانه‌های پرشوری که از منبع تعصب قومی زائیده می‌شد در وصف مفاخر و ذکر مآثر آنان پدید آمده بر السنه و افواه جاری گشت و بی‌گمان

نقش منبر در فرآیند جامعه‌پذیری در ایران بعد از انقلاب



علی زارعی
دکتری مسائل ایران ۹۷

یکی از عوامل جامعه‌پذیری، رساه‌ها علی‌الخصوص رسانه‌های سنتی هستند. دین و نهادهای دینی می‌توانند به صورت مستقیم و غیر مستقیم در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی موثر واقع شوند. نقش مستقیم دین در جامعه‌پذیری سیاسی از طریق نهادهای و سازمان‌های مذهبی اعمال می‌شود. همه در جریان ارتباط مستقیم با نهادها، اماکن و گروه‌های مذهبی و روحانیت شناخت حاصل می‌کنند. مسجد به طور عام و منبر به طور خاص در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی نقش فعالی ایفا می‌کنند. منبر به عنوان یک رسانه سنتی در شکل دادن به سمت‌گیری اصلی و نیز افکار خاص بیشتر مردم نقش مستقیمی دارد. در ایران با توجه به اکثریت مسلمان جامعه و حاکم بودن فرهنگ شفاهی و چهره به چهره، یکی از کارگزاران اصلی جامعه‌پذیری مساجد و نهادهای مذهبی و منبرها هستند.

هر مکتبی برای معرفی و گسترش فرهنگ خود نیاز به تبلیغ و رسانه دارد. مکتب اسلام هم از این قاعده مستثنی نیست. ساده‌ترین و در دسترس‌ترین رسانه اسلام، منبر است. مهمترین کارکردهای آن در جامعه اسلامی را به طور خلاصه می‌توان در دو محور بیان داشت: ۱- رسانه‌ای با نفوذ برای رساندن مسائل جهان اسلام ۲- ابزاری مطمئن برای تبلیغ دین و آموزش معارف. جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی به فرآیندی مستمر و پویا اطلاق می‌شود که طی آن جامعه و نظام سیاسی از طریق نهادها و عوامل جامعه‌پذیری سیاسی، گرایش‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی و معیارهای مورد قبول جامعه و ساختار حاکم دینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. آثار جامعه‌پذیری سیاسی را می‌توان در رفتارهای سیاسی - اجتماعی افراد جامعه در حکومت دینی مشاهده کرد.

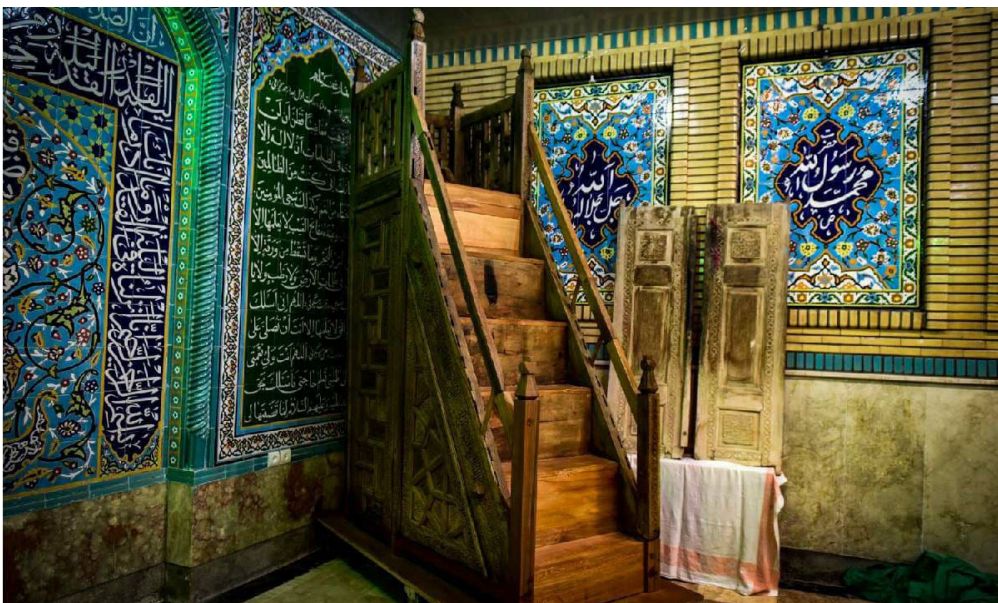
انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطفی در تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی دنیای معاصر محسوب می‌شود که تغییرات زیادی را به همراه داشته است. پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ نماد پیروزی یک حکومت مبتنی بر

گسترده را در کل کشور ایجاد کرده بودند که پیام‌های امام خمینی را از طریق این شبکه منسجم منتشر می‌کردند. رسانه، منبر یکی از مهم‌ترین ابزارهای انقلابیون برای پیگیری اهداف انقلاب اسلامی بود. همزمان با شکل‌گیری انقلاب در دهه ۵۰ برای مقابله با دستگاه تبلیغاتی پهلوی از این رسانه به نحو شایسته استفاده شد.

انقلاب اسلامی از منبرها شروع شد و با منبرها اوج گرفت. سال‌های اولیه بعد از پیروزی انقلاب مسجد و منبر محور اساسی جهت‌دهی مردم در مسیر انقلاب بودند. ولی هرچه زمان پیش‌تر می‌گذشت گرایش مردم به منبر سیاسی کمتر شد؛ در حالی که زمانی منبر غیرسیاسی مذموم بود.

پرسشی که در اینجا مطرح است این است که جامعه‌پذیری سیاسی طی مراحل خود با چه روش‌هایی صورت می‌گیرد؟ جوابی که می‌توان مطرح کرد، این است که به دو صورت مستقیم و آشکار و روش پنهان یا غیرمستقیم، همان‌گونه که اشاره شد یکی از آن شیوه‌ها رسانه جمعی و رسانه سنتی هستند. دین و آموزه‌های دینی از عوامل و منابع شکل دادن به جامعه‌پذیری است. روحانیت از ارکان مهم نهادهای مذهبی در ایران به شمار می‌رود. از مهم‌ترین منابع قدرت روحانیون که از آن مجرا اقدام به جامعه‌پذیری می‌کنند می‌توان به حضور در مساجد، برگزاری نمازهای جماعت، خطبه عقد، وعظ و خطابه و استفاده از منبر اشاره کرد.

مساجد یکی از مهم‌ترین مسیرهایی هستند که همواره راه ارتباط روحانیت با مردم بوده‌اند. روحانیت در مسجد مستقیماً به وسیله منبر با مردم پیوند برقرار می‌کند. یکی از نمودهای موثر استفاده از منبر را می‌توان در نماز جمعه مشاهده کرد. در حال حاضر تغییر در سلیقه نسل‌ها، ضرورت تغییر در رویکرد منبرها را موجب گردیده است. از آنجا که شیوه‌ها و روش‌های سنتی با توجه به فناوری‌های جدید تبلیغاتی از جاذبه و تاثیر کم‌تری برخوردار است، بایستی در منبرها تغییرات گسترده انجام گیرد. رسانه‌های جدید و نوظهور از چالش‌ترین مسائلی است که منابر با آن روبه‌رو هستند.



ارزش‌ها و اعتقادات بود که فصل تازه‌ای در جنبش‌های مردمی گشود و جایگاه باورهای ایدئولوژیک را ارتقا داد. بعد از پیروزی انقلاب و حاکمیت روحانیت در اداره کشور، استفاده از منبر در نیل به اهداف سیاسی بیشتر احساس شد.

در جامعه‌پذیری سیاسی ارزش‌های قدرت منتقل می‌شود. در هر حکومتی، حاکمان جامعه دنبال مجاری جامعه‌پذیری هستند. در طول ۴۲ سال که از عمر انقلاب می‌گذرد از ابزارهای جهت این مقصود استفاده کرده اند. صدا و سیما، مطبوعات و منبر جزء رسانه‌های سنتی بوده که در خدمت این نظام حکومتی‌ست و با توجه به ماهیت مذهبی انقلاب نقش خود را به خوبی ایفا کرده است.

مسجد و منبر، تکیه و حسینیه، مجالس روضه‌خوانی، وعظ و خطابه و مراکز متبرکه عمده‌ترین مراکز رسانه‌های سنتی بوده‌اند که در گردآوری مردم، ایجاد ارتباط، همدلی و همفکری در میان آن‌ها، شکل دادن و تفهیم منافع مشترک جمعی و در نهایت، آگاه کردن توده مردم از خوب و بد و آن‌چه در پیرامون آن‌ها می‌گذرد، حتی تا

امروز نیز جایگاه مهم خود را حفظ کرده‌اند. پیام‌رسانی از طریق منبر در دو مقطع از تاریخ انقلاب اهمیت پیدا کرد، مقطع اول زمانی که امام خمینی هنوز از ایران تبعید نشده بود و مقطع دوم از تبعید تا پیروزی انقلاب اسلامی را شامل می‌شد. طیفی از وعظ در سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ درصد برآمدند با استفاده از منبر، مشروعیت نظام حاکم را به چالش بکشند و افکار عمومی جامعه را به سوی خود جلب کنند، آیت‌الله طالقانی و محمدتقی فلسفی به عنوان دو نفر از پیشگامان این رسانه نقش به‌سزایی ایفا کردند. نقش منبر به عنوان مجرای ارتباطی حاکمان با مردم در گذشته اهمیت زیادی داشت و منحصر به سلسله خاصی نبود. حاکمان در دوره‌های مختلف برای توجیه استقرار حکومت و مشروعیت‌بخشی از منبر استفاده می‌کردند. در مشروطه واعظانی مانند بهبهانی و طباطبایی نقش مهمی در مقابله با استبداد حاکم و پیش‌برد مقاصد مشروطه‌خواهی ابراز کردند.

در پیروزی انقلاب اسلامی منبرها نقش رسانه انقلاب را داشتند، یعنی تعداد زیادی منبری یک شبکه ارتباطی

اختصاص اعتبار به صداوسیما برای فرهنگ سازی، آگاهی بخشی و اطلاع رسانی



نمایندگان مجلس در مصوبه‌ای سازمان برنامه و بودجه را مکلف کردند اعتبار لازم برای تولید برنامه جهت فرهنگ سازی و آگاهی بخشی و اطلاع رسانی را از محل هزینه‌کرد یک درصد از اعتبارات هزینه‌ای دستگاه‌های اجرایی را در اختیار صداوسیما قرار دهد. به گزارش ایسنا، نمایندگان مجلس در جریان بررسی جزئیات لایحه بودجه در بخش هزینه‌ای بند الحاقی تبصره ۲۵ را به تصویب رساندند که براساس آن در اجرای بند(ج) ماده(۳۷) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مبنی بر تکلیف دستگاه های اجرایی مشمول ماده(۵) قانون مدیریت خدمات کشوری به هزینه کرد یک درصد(۱٪) از اعتبارات هزینه ای خود (به استثنای فصول ۱، ۴ و ۶) طی قرارداد مشخص با سازمان صدا و سیما برای تولید برنامه جهت فرهنگ سازی و آگاهی بخشی و اطلاع رسانی، سازمان برنامه و بودجه کشور مکلف است با تنظیم سازوکار مناسب در هر مرحله از تخصیص اعتبارات هزینه ای، اعتبارات موضوع این بند را متناسب با تخصیص اعتبار دستگاه اجرائی مشمول کسر، و به سازمان صدا و سیما اختصاص دهد.

ایران از دریچه نگاه ویلیام شکسپیر



محمد رضا خطیب
کارشناس ارشد کارگردانی

آسمان درام نویسی جهان از ابتدای تاریخ تا به امروز ستاره‌های زیادی را به خود دیده است اما این آسمان نیز مانند آسمان بالای سر ما، یک خورشید دارد. خورشیدی به نام شکسپیر که علی‌رغم وجود ستاره‌های بزرگی از دوران یونان باستان مانند سوفوکل، اوریپید و آشیل، در روم سنکا، در نسانس مولیر، بن جانسون، کورنی، راسین و در قرن نوزدهم و بیستم با بزرگانی همچون چخوف، ایسن و جورج برنارد شو ، همچنان از او به عنوان بزرگ‌ترین درام‌نویس تاریخ یاد می‌کنند. مطلب حاضر سعی دارد تا رابطه شکسپیر و کشور ایران را بررسی کند و اینکه آیا شکسپیر شناختی از ایران و ایرانی داشته است یا خیر؟

شکسپیر، خالق همלט، شاه لیر و مکبث در سال ۱۵۶۴ در شهر استراسفوردر در انگلستان متولد شد. از زندگی شکسپیر چیز زیادی در دسترس نیست اما چیزی که بسیار واضح است این است که او از تاریخ و جغرافیا و ادبیات به شدت مطلع بوده و این را می‌شود در نمایشنامه‌هایش و ارجاعاتی که می‌دهد، فهمید. وارد جزئیات زندگی شخصی شکسپیر نمی‌شویم چون از مبحث اصلی ما به دور است. برای اینکه بدانیم اطلاعات شکسپیر از شرق و به خصوص ایران چه قدر بوده است باید به دوران تاریخی‌ای که شکسپیر در آن می‌زیسته است اشاره شود. دوره‌ای که شکسپیر در آن شاهکارهای جاویدان ادبیات نمایشی را خلق کرده است به «دورهٔ الیزابت» معروف است . در این دوره ملکه انگلستان، الیزابت، ملکه‌ای هنر دوست بوده که به هنر بهای زیادی می‌داده است.

در این دوران مسافران مغرب زمین چه در قالب سفیر و چه در قالب تجارت و جهان‌گردی علاقهٔ زیادی به شرق و مخصوصا ایران نشان می‌دادند. این را می‌توان از خیل سفرنامه‌هایی که در آن دوره نوشته شده دریافت. این سفرنامه‌ها به شدت مورد علاقهٔ مردم اروپا قرار داشته، به این دلیل که تعریف‌ها و توصیف‌هایی عجیب و گاه با اغراق از شرق نوشته می‌شده که در نوع خودش برای اروپاییان جالب توجه بوده است. شکسپیر به‌طور مشخص سفرنامه‌های مسافران غربی به ایران



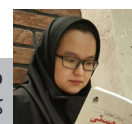
را می‌خوانده و اطلاعات جامعی از ایران و شرق داشته است. شکسپیر در دوران زندگی خود یک حامی از طبقه اصیل‌زاده داشته است که گاهی شعرهایی در مدح او می‌سراییده است. این کنت دوستی بسیار نزدیکی با برادران شرلی داشته است که به دربار شاهان صفوی آمده بودند و از خود سفرنامه‌هایی به جا گذاشته‌اند. در نتیجه شکسپیر از نزدیک با این افراد نشست و برخاست داشته و از اوضاع ایران اطلاعات زیادی داشته است. در اواخر قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷ میلادی اروپا با دشمن بسیار بزرگی به نام امپراطوری عثمانی روبه‌رو بوده است. دشمنی که بر قلمروی وسیعی شامل آسیای صغیر و بین‌النهرین تا شامات و مصر و شبه جزیرهٔ عربستان را در سلطه خود داشت و تهدید بزرگی برای اروپا بود. امپراطوری عثمانی بارها به اروپا حمله کرده و حتی تا پشت دروازه‌های وین نیز رسیده بود. اروپائیان همیشه از ترکان عثمانی ترس داشتند. امپراطوری عثمانی مانند سدی برای تجارت میان کشورهای اروپایی بالاخص انگلستان با ایران و هند بوده است به شکلی که تجار مغرب زمین ناچاراً قلمرو عثمانی را دور می‌زدند تا به ایران برسند. تنها دست‌آویزی که می‌توانست باعث نجات اروپائیان از تهدیدات عثمانی‌ها شوند امپراطوری صفوی ایران بود که هم از لحاظ مذهبی و هم از لحاظ قدرت رقیبی جدی و سرسخت در شرق امپراطوری

عثمانی برای ترکان شمار می‌رفتند. برای همین بهترین وسیله برای مشغول نگه‌داشتن امپراطوری عثمانی، به راه انداختن جنگی میان ایران و عثمانی بود. اروپائیان سعی داشتند با ترغیب شاهان صفوی به جنگ با عثمانی از تهدیدات آن‌ها در امان بمانند. به همین خاطر تبلیغات وسیعی بر علیه ترکان و در مدح ایرانیان در اروپا جریان داشت و در نتیجه شکسپیر هم بارها در نمایشنامه‌هایش از ایرانی‌ها به خوبی و از ترکان به بدی یاد می‌کند. در همین راستا کارلو گولدونی نویسنده کمده‌های ایتالیایی نیز نمایشی با عنوان «عروس ایرانی» که تماماً در اصفهان می‌گذرد نوشته است.

در ادامه یک نمونه از آثار شکسپیر که در آن به ایران اشاره شده است را مرور می‌کنیم: شاهزاده مراکش؛ به این خنجر که یک صوفی (مقصود شاه صغویان است) و یک شاهزاده ایرانی را کشت و در سه نبرد بر سلطان سلیمان (شاه عثمانی) پیروز شد، سوگند که من قادرم تیزنگاه‌ترین چشم را با نگاه خود مغلوب سازم و جسورترین قلب را در این دنیا منکوب سازم. [تاجر ونیزی پرده ۲ صحنه ۱.]

در این دیالوگ به خوبی اطلاع شکسپیر از اوضاع ایران دورهٔ صفوی و همچنین شیوه یادکردن از شاه صفوی و شاه عثمانی مشهود و موید مطلب فوق است. منبع: شکسپیر، ایران و شرق نوشته سیروس غنی

مرلو پونتی ستایشگر نقاشی‌های پل سزان



مریم رحیمی
کارشناسی ارشد علوم اجتماعی ۹۸

مرلو پونتی یکی از مطرح‌ترین پدیدارشناسان قرن ۲۰، پژوهش‌های فراوانی روی آثار هنری (به خصوص نقاشی) و فلسفه انجام داده است. او که وام‌دار پدیدارشناسی هوسرل است، از وی نیز پا را فراتر گذاشته است و حتی به رد یا تصحیح فلسفهٔ وی پرداخته است. فلسفهٔ او در مواجهه با جهان و علی‌الخصوص آثار هنری برگرفته از اندیشه‌های بسط‌یافته هوسرل، (در جهان بودن) هایدگر، دکارت و... است. فلسفه او ۳ جز اصلی و مهم دارد: احساس، آگاهی ادراکی، و تن. ۱. احساس در نظرگاه پونتی ما را در حضور هستی قرار می‌دهد، چراکه ادراک حسی من از یک چیز ذات آن را می‌نمایاند. حس کردن یا حرکت کردن در ارتباط است، اگر موجود زنده قادر است چیزی را حس کند، به دلیل حرکت جهت‌مندی است که می‌کند. حرکت می‌کند تا بتواند بهتر حس کند. حس کردن در فلسفه پونتی از خود بیرون شدن است نه در خود فرورفتن و درونی کردن یک تجربه.

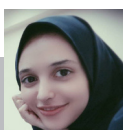
۲. آگاهی ادراکی در اندیشهٔ وی به ۲ دسته کلی تقسیم می‌شود: الف) آگاهی از تن (خود ادراکی) ب) آگاهی از چیزها و اشیای خارجی (بیرون ادراکی)؛ در نگاه پونتی آگاهی ادراکی ما با معنا مرتبط است. پونتی که مخالف جزه‌اندیشی علم قدیم و عینیت‌گرایی مطلق است، در بحث معنا و تن به رابطه اشتراکی و التقاطی معتقد است. به عبارت دیگر معنا و تن هم ابژه و هم سوژه هستند. اهمیت هر دو وجه سوژگی و ابژگی در فلسفهٔ پونتی برگرفته از فکر در جهان بودن هایدگر است. وی می‌گوید چون ما در جهان هستیم، این بودن در جهان باعث ارتباطی دوسویه با جهان است و ایجاد و برقراری



یک سوئیه ارتباط باعث کج‌اندیشی می‌شود. در باب فلسفهٔ پدیدارشناسی هنر، هنرمندی که خیلی به وی نزدیک است و تحسین او را برمی‌انگیزاند، پل سزان فرانسوی است. سزان نقاش طبیعت است، وی طبیعت را چهره می‌دید و باور داشت که نقاش ابله نیست. چهره به تعبیر لوییناس عبارت است از: در چهره است که تجلی دیگری آفریده می‌شود. خود سزان می‌گوید: اشیا صرفا شیء نیستند، دیگری هستند، دیگری که باید به دست نقاش تفسیر شوند، مانند توصیف یک رومیزی در چرم ساغری اثر بالزاک. خود پونتی هم دربارهٔ نقاشی‌های سزان چنین نقل می‌کند: نقاشی سزان فسخ عادت هاست، فسخ روزمرگی، تعلیق یا ابوخه تجربه‌های معمول است، آثار او ساحت روح و سکون حقیقت را برما

نمایان می‌کند. نقاشی‌های او تهی بودن را به خوبی نشان می‌دهد و تحویل استعلایی و ذات‌گرایی هایدگری در آن‌ها نمایان است. سزان به تعبیر سارتر وجهٔ زیادی یا فی‌نفسه بودن عالم را نشان می‌دهد، هم وجه تعالی جهان ماهیات را نشان می‌دهد و در عین حال آگاهی ما را به سوی آن برمی‌انگیزاند. پونتی معتقد است تنها انسان است که با تعلیق جهان می‌تواند از آن فاصله بگیرد و به آن بنگرد و با خلق نقاشی‌هایی چون سزان، ماهیت پنهان واقعیت را دریابد. وقتی با اندیشهٔ فلسفی پونتی به اشیاء هنری می‌نگریم، متوجه می‌شویم زمانی که درهم تنیدگی حس و جهان فاصله‌ها را از بین برده است، آثار هنری زاده شده‌اند.

دنیا آن قدرها هم که فکر می‌کنیم، بد نیست!



زهراسادات وحیدی
کارشناسی مهندسی باغبانی ۹۸

کتاب واقع‌نگری نوشته هنس، اورلا و آنا رولسینگ است و انتشارات میلکان آن را به چاپ رسانده است. این کتاب به ده دلیل اثبات می‌کند که اوضاع دنیا رو به بهبود است؛ در همین راستا هنس که یک پزشک سوئدی، آماردان و از بنیان‌گذاران سازمان پزشکیان بدون مرز بود تاکید بر مخالفت با مثبت‌گرایی یا منفی‌گرایی دارد چرا که خود را یک امکان‌گرا می‌شناسد. وی در کتاب خود به ده خطای شناختی اشاره می‌کند که باعث شده بسیاری از ما، دنیا را تلخ‌تر از آن‌چه هست ببینیم و حتی احساس کنیم جهان به سرعت رو به نابودی پیش می‌رود.

در فصل اول کتاب به تفسیر غریزه شکاف می‌پردازد، مانند دسته‌بندی‌های ساده و اما اشتباهی چون: غرب و دیگر کشورها، ما و آن‌ها و مثال‌هایی از این دست. هنس در این‌باره معتقد است که در حقیقت اکثر افراد در حد واسط این دسته‌بندی ما و آن‌ها قرار می‌گیرند. با این تقسیم‌بندی، نواحی خاکستری از بین می‌رود و شکاف بزرگی که بین این قطب‌ها باقی می‌ماند، خطای ما را در تحلیل افزایش می‌دهد.

در بخش دوم کتاب به غریزه منفی‌گری، می‌پردازد؛ این ویژگی اگر چه به بقای انسان بر روی کره زمین کمک کرده، اما می‌تواند تصویری تیره‌تر از واقعیت دنیای بیرونی را در ذهن ما ترسیم کند.

موضوع بعدی هنس غریزه خط مستقیم است. خطوط مستقیم نسبت به آن‌چه در غریز و تصورات ما وجود دارد، کم‌تر پدید می‌آیند. در این تلقی نمودارهای آماری انگار همیشه در خط مستقیم حرکت خواهند کرد ولی این‌طور نیست، بلکه نمودارها اشکال مختلف دارند.

قسمت چهارم کتاب انسان را در مواجهه با غریزه ترس واکاوی می‌کند. در همین راستا ادامه می‌دهد که بشر انرژی زیادی صرف موضوعات ترسناکی می‌کند که در شرایط عادی احتمال رخداد آن‌ها کم است؛ در نتیجه از موضوعات خطرناک حقیقی غافل می‌شود.

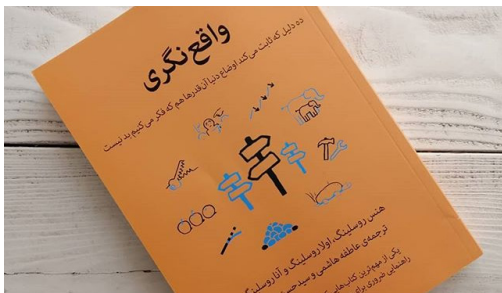
در بخش بعدی به غریزه اندازه و خطای تفکر انسان هنگام مشاهده اعداد بزرگ می‌پردازد، اعدادی که اگر با اعداد دیگر قیاس نشوند همیشه بزرگ به نظر خواهند رسید.

قسمت ششم کتاب به غریزه تعمیم اشاره دارد و توصیف می‌کند که ما معمولاً تجربیات شخصی خودمان را به دیگران نسبت می‌دهیم و بی‌توجه به تفاوت‌ها و شباهت‌های بسیار ریز و دقیق، به‌صورت نگاه کلی شتاب‌زده گروه‌بندی و دسته‌بندهای نادرست انجام می‌دهیم.

فصل هفتم به غفلت بشر از تغییرات کوچک می‌پردازد و عدم به‌روزرسانی اطلاعات در خصوص جامعه.

و در فصل بعدی، کتاب به غریزه دیدگاه یگانه نگریستن به مشکلات می‌پردازد. در این بخش برای درک بهتر این خطا مثال جالبی مطرح می‌شود؛ این که اگر شما یاد داشته باشید خوب از یک ابزار استفاده کنید، ممکن است بخواهید در مواجهه با مشکلات پیش از حد آن ابزار مورد استفاده قرار دهید.

بخش نهم کتاب غریزه مقصدانستن انسان را زیر ذره‌بین می‌برد و به این مسئله می‌پردازد که هنگامی که رویداد بدی رخ می‌دهد غریزه سرزنش به ما می‌گوید که به سرعت مقصر را پیدا کنید. این دید به مسائل، تک علتی نگاه می‌کند و با شناسایی مقصران و قهرمانان از پیچیدگی و چندگانگی تعامل علل در بروز رویدادها غفلت می‌کند. و بخش آخر ما را به غریزه اضطراب‌رمان رجوع می‌دهد، همان هنگام که در ترس و فشار روانی قدرت تفکر تحلیلی و انتقادی خود را از دست می‌دهیم. این غریزه به ما می‌گوید یا حالا یا هیچ‌وقت، فردا ممکن است خیلی دیر باشد؛ اما باید توجه داشت که هیچ‌وقت فوریت ضروری وجود ندارد. در انتهای کتاب هنس شرح می‌دهد که خبرنگاران و فعالان اجتماعی و سیاستمداران هم انسان هستند و به ما دروغ نمی‌گویند، بلکه خودشان هم به جهان بینی غم‌انگیزی مبتلا هستند.



فراخوان جشنواره ملی پایان نامه سال دانشجویی از سوی جهاد دانشگاهی منتشر شد

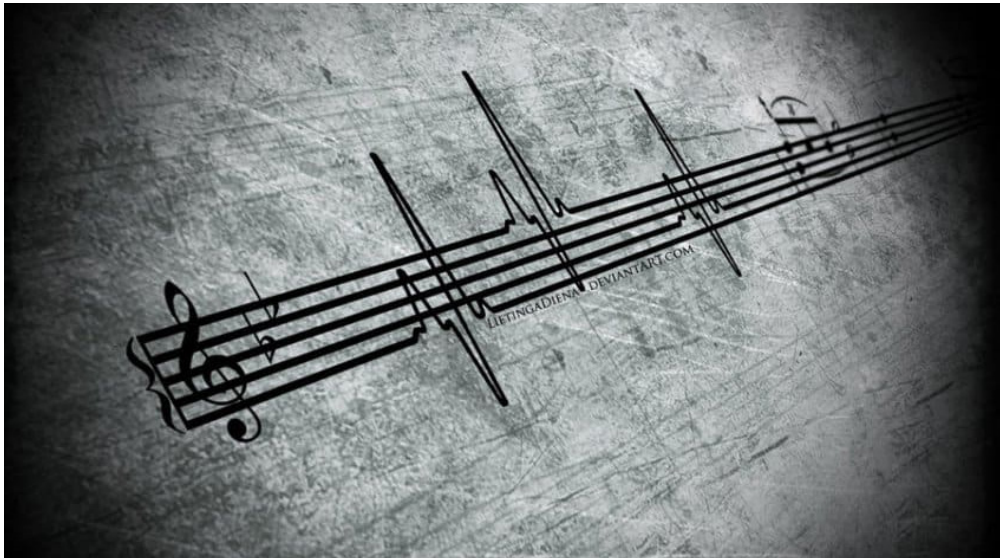


دبیرخانه جشنواره ملی پایان نامه سال دانشجویی از برخی تغییرات در ساختار این جشنواره خبر داد و اعلام کرد: این دوره از جشنواره با تاکید بیشتر بر توجه به نیازهای کشور و کاربردی بودن آثار شرکت کنندگان برگزار می شود. بر اساس فراخوان نوزدهمین جشنواره ملی پایان نامه سال دانشجویی، شرکت کنندگان می توانند آثار خود را در سه بخش اصلی، ویژه و بین الملل به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند. دانشجویان و طلابی که در بازه زمانی یک مهر ۹۷ تا ۳۱ شهریور ۹۹ از پایان نامه خود در مقاطع تحصیلات تکمیلی دفاع کرده اند، می توانند با مراجعه به پایگاه اینترنتی سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی به نشانی isba.ir در جشنواره شرکت کنند. آخرین مهلت ثبت نام نوزدهمین جشنواره ملی پایان نامه سال دانشجویی ۲۸ اسفند ۹۹ اعلام شده است

سال خاکستری

باشند، بلکه باید در قبالت احساس تکلیف کنند. از سخن شهید بهشتی که می فرمایند «دانشجو، موزن جامعه است» وام می گیریم و تا اهمیت این مسئولیت، آشکارتر شود. اقدامات فرهنگی در این بستر، با توجه به روی آوردن عمده مردم به آن از اسفند ۹۸ و آغاز قرنطینه، قطعا تاثیرات به سزایی خواهد داشت. تاثیراتی که در کمترین حالت، شاید بتواند در تقابل با سایر محتوای آفلاین و آنلاینی که برخی سلبریتی های فارسی زبان، در داخل و یا خارج از ایران تولید می نمایند و ضربه های فراوانی را بر پیکره فرهنگی جامعه، علی الخصوص قشر بسیار آسیب پذیر یعنی نوجوانان وارد می کنند، آثار آن ها را خنثی کند و حتی ورق را برگرداند.

اگرچه متأسفانه، به دنبال بی توجهی و عملکرد ضعیف در این زمینه، سبمه آنان به پشتوانه دنبال کنندگان شان پر زورتر است و روی دادن اتفاقات مثبت در این فضا، نیازمند سال ها ممارست خواهد بود؛ ممارستی که بدون دخالت و عملکرد قوی در مدارس، شاید تقریباً بی تاثیر یا کم تاثیر باشد. البته که اعضای شورای فرهنگی و شورای نظارت دانشگاه، در آغاز کرونا و برگزاری برنامه ها در فضای مجازی، به خصوص اینستاگرام، چندان موافق این امر نبوده و توصیه به استفاده از بستر وینار داشتند؛ فضایی که در همان ابتدا، ایرادات بسیار زیادی در حیطه آموزشی و برگزاری کلاس های دانشگاه داشت (که البته برخی از آن ها تا به امروز برطرف شدند)؛ چه رسد به فعالیت های داوطلبانه و به نوعی فوق برنامه. امید است که این احساس مسئولیت، همه دغدغه مندان و فعالین عرصه هنری و فرهنگی و حتی علمی را دربر گیرد، که «امید هیچ معجزی، زمرده نیست».



مشائق به فعالیت در کارگروه های مدنظرشان سازماندهی نمودیم. اما کرونا و تعطیلی فعالیت های حضوری، در کنار چالش هایی که ایجاد نمود، توجه ما را به مسائلی جلب کرد؛ علاوه بر قدر دانستن ایام گذشته و دل تنگی برای هیاهو و شور و شوق های جو دانشجویی، تجربه این سال به ما نشان داد که دغدغه هایمان و اقداماتی که در راستای آن ها انجام می دهیم را به محیط فیزیکی دانشگاه محدود نکرده و اندیشه و فرهنگ مردم در سطح شهر و حتی کشور را مورد توجه خود قرار دهیم و سعی در تاثیر بر آن داشته باشیم. و خب چه بستری بهتر از فضای مجازی، بستری که فعالین دانشجویی، نه تنها نباید نسبت به آن بی توجه

دانشجویی نیز ناگزیر آن را انجام دادند، به تنهایی برای دوام فعالیت های متنوع کافی نبوده و نیست؛ زیرا این افراد هستند که به هر مجموعه، هویت بخشیده و آن را استوار نگه می دارند. فاکتوری که با شیوع ویروس کرونا، بیش از پیش ارزش خود را نمایان نمود و خلاء آن به شکلی محسوس و ملموس احساس شد. این امر موجب شد تا در زمینه جذب اعضای علاقه مند به موسیقی و فعالیت در این زمینه، تلاش کنیم. تکاپوی خود را با برگزاری نشست های زنده با موضوع «آشنایی با کانون موسیقی»، با حضور دو تن از دبیران ادوار کانون و همچنین فراخوان عضویت در کارگروه های کانون موسیقی آغاز کردیم و در ادامه، افراد

مهدی رضازاده

دبیر کانون موسیقی

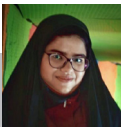


به خودمان آمدم و با فصلی نو در زندگی بشر مواجه شدیم؛ فصلی که در آن، بلای خانمان سوز دهه ۹۰ هجری شمسی، یعنی شبکه های اجتماعی، به نور چشم مردمان جهان و محلی برای کوچی موقت جهت گذران زندگی تبدیل شد. از راه های کسب درآمد و فروش های اینترنتی گرفته تا پخش زنده همایش ها و کنسرت های موسیقی در بسترهای متفاوت. ما نیز از قافله عقب نمانده و ادامه حیات خود را در این جهان یافتیم. جهانی که اگرچه اجازه حس و حضور را به ما نمی دهد، اما این فرصت را در اختیارمان می گذارد تا واقعیت ها را از یاد نبرده و حتی بدون لمس کامل شان، بسیاری از آن ها را ادامه دهیم. کوچ خود را با انتقال نشست های هفتگی و پژوهشی به صفحه اینستاگرام آغاز کردیم و با برگزاری اجراهای زنده گروه موسیقی ارغنون، پخش زنده دو برنامه «قطره، دریا، اشک» و «به بلندی نام مادر» و انتشار شماره سیزدهم نشریه ارغنون در چهلمین روز از درگذشت خسرو آواز ایران و شماره چهاردهم در بهمن ماه، به آن استمرار بخشیدیم. در نشست های هفتگی که به صورت زنده در صفحه اینستاگرام برگزار می شد، موضوعاتی از قبیل «اُپرا، هنر هنرها در سنت موسیقایی غرب»، «تربیت شنوایی در موسیقی ایرانی»، «آشنایی با موسیقی فیلم»، «نگاهی مختصر به آثار موتزارت»، «نگاهی مختصر به ردیف موسیقی ایرانی» و ... مورد بررسی قرار گرفتند. اما این کوچ، که نه فقط ما، بلکه سایر تشکل های

رویهایی که نباید فراموش شود



سیده ساجده طهماسبی
عضو شورای مرکزی کانون حس هفتم



طبق یافته های علمی و تجربیات ما انسان ها، هر کدام مان دارای پنج حس اصلی هستیم و حس ششم هم که قابل بیان نیست اما تکلیفش برای بسیاری از ما مشخص است. اما ما اینجا شما را دعوت می کنیم به تجربه یک حس جدید؛ «حس هفتم».

حسی که اصلی ترین عامل ایجاد آن، کودکان سرزمین مان هستن. کودکانی که یا از نعمت خانواده محروم اند و یا در خانواده های با بضاعت مالی بسیار کم زندگی می کنند. در این مسیر ما سعی می کنیم هم به آن ها امید بدهیم و هم پادشان بدهیم خودشان برای خودشان امید را بسازند. در آن سال های بدون ماسک، بدون دغدغه کنارشان زندگی می کردیم، در تابستان با طرح تدریس کنارشان بودیم و درس زندگی و درس علم به هم می آموختیم، شب های بلدایی که با قدم های کوچک شان مهمان مان می شدند، کیف می کردیم از میزبان آن ها شدن. و چه بسیار روزهای دیگری که با طرح های مختلف کنارشان بودیم، روزهایی که قطعا از عمرمان حساب نمی شود آن قدر که از عشق لبریز می شدیم. امسال ورود کرونا تمام زندگی بشریت را در جهان تغییر داد و البته کانون کوچک ما هم از گزند آن بی نصیب نماند. تمام آن همه مه ها و جیغ های بلند، موسیقی جشن ها و صدای خنده های از ته دل، همه آن سرودهای زندگی تبدیل شد به خاطره های دور خاطراتی که شاید حتی هیچ وقت تجربه دوباره شان به عمر دانشجویی بسیاری از ما قد ندهد. پس تصمیم گرفتیم اکنون که شرایط تغییر کرده، جایگزین آنچه پیش از این انجام می دادیم را به نحوی دیگر به ثمر برسانیم تا رسالت مان را فراموش نکنیم و نگذاریم کودکان مان حتی لحظه ای فکر کنند که این بیماری آمده تا تنهاترشان کند.

به جای جشن عید نوروز با لباس های نو و با «لبخند بهار» به استقبال شان رفتیم برای همیاری خانواده هایشان. به جای افطاری هایی که با صدای اذان را در حیاط مدرسه شان برپا می کردیم و با هم یک شب مهمان خدا بودیم «همدلان» ای راه انداختیم تا خودشان در سلامت کنار خانواده هایشان افطار کنند؛ با همیاری ما و با سفره هایی رنگین تر. به جای اردوها و آموزش های حضوری با «طرح تدریس مجازی» تابستان مان را گذرانیم و با ساختن دریم کچرها خواستیم تا یاد بگیرند رویاهای زیبای شان را هیچ وقت فراموش نکنند. با همکاری دوستان مان در چند کانون

ثبت تصویر در قاب مجازی

خود نگه داشته و محتوای سرگرم کننده ای را برای شان ایجاد کنیم. در ماه های نخست شروع قرنطینه و تعصبات اجباری، معرفی فیلم و سریال های مطرح در ژانرهای مختلف گزینه مناسبی بود که با استقبال فراوانی روبه رو شد و کمی بعد از آن نیز نشست های زنده اینستاگرامی با هنرمندان و افراد مطرح عالم هنر در حوزه سینما و موسیقی نظیر کریستف رضاعی (آهنگ ساز)، ناصر نظامی (دوبلور)، علیرضا برزنده (فیلم بردار) و ... جایگزین اکران های دانشجویی و حضور این عزیزان در دانشگاه فردوسی مشهد شد.

در این میان هیچ گاه همراهان و علاقه مندان به رشته عکاسی را از یاد نبردیم و برای آن ها با همکاری اعضای شورا، آلبوم های دیجیتالی جمع آوری کردیم که در آن ها به معرفی آثار سبک و خلاصه ای زندگی عکاسان مطرح جهان پرداخته شده بود. این آلبوم های عکس نیز با بازخورد مثبت فراوانی روبه رو شد و فرصت خوبی را برای تماشای عکس های کمتر دیده شده اما فاخر در اختیار عموم قرار داد.

در نهایت درست است که یک سال دور از فضای دانشگاه و محیط های فرهنگی و هنری به همه مان سخت گذشت، ولی از صمیم قلب امیدواریم به زودی به شرایط عادی و روال معمول بازگردیم و تعامل و تعادل محیط آموزشی و فرهنگی-هنری را دوباره تجربه کنیم.



ملیکا صباغ مقدم

عضو شورای مرکزی کانون فیلم و عکس



بعد از جشنواره رویش کشوری سال ۱۳۹۸ و برگزاری شدن کانون فیلم و عکس دانشگاه فردوسی مشهد، تیم جدید شورای مرکزی این کانون با انرژی مضاعف و انگیزه بیشتر، آماده فعالیت و ایجاد تنوع و گستردگی هرچه تمام تر برنامه ها بود. برنامه ریزی های انجام شده برای ترم پاییز ۹۸ به خوبی انجام شد و فعالیت های مدنظر به ثمر رسید. اما با شیوع ویروس کووید-۱۹ و همه گیری بیماری کرونا، تمامی مراکز آموزشی تعطیل و همه فعالیت ها به بسترهای مجازی منتقل شدند. تعطیلی به ظاهر موقتی که در آن روزها هیچ کس فکرش را نمی کرد به یک سال بینجامد و این گونه تداوم یابد. فعالین هنری و فرهنگی نیز تمامی فعالیت های خود را متوجه صفحات مجازی کردند. بسیاری از برنامه های معمول مانند اکران فیلم های مطرح، مسابقات عکاسی و ... که بخشی کوچکی از جذابیت های دوران دانشجویی بودند، متوقف شدند.

دیگر وقت آن رسیده بود که جلسات شورای مرکزی را در بسترهای مناسب نشست های مجازی برگزار کنیم تا بتوانیم برنامه هایی مناسب شرایط بنویسیم و دورادور مخاطبان کانون مان را در کنار

ما همینیم؛ تمام دلخوشی ما همین لبخندهاست. برای رفع کمی از خستگی روزمره کودکانی که گاهی به اجبار خیلی زودتر از آنچه باید، بزرگ می شوند. پس اگر تو هم مثل ما، درد آینده فرزندان محروم کشورمان را داری همراه شو عزیز که این درد مشترک هرگز جدا جدا درمان نمی شود

توضیح مدیر هنرهای تجسمی وزارت ارشاد مبنی بر لغو نمایشگاه «پرنسس‌های کوره»



نمایشگاه عکس «پرنسس‌های کوره» که قرار بود هشتم اسفندماه در نگارخانه کاما برگزار شود، با اقدام به‌هنگام اداره کل هنرهای تجسمی معاونت هنری وزارت ارشاد، نیامده لغو شد. هادی مظفری، مدیر کل هنرهای تجسمی معاونت هنری وزارت ارشاد، در گفت‌وگو با هنرتلایین درباره دلایل لغو نمایشگاه گفت: طبق قانون گالری‌ها موظف‌اند یک هفته پیش از برگزاری نمایشگاه جزئیات آن را به اداره کل هنرهای تجسمی ارائه دهند اما گالری کاما این رویداد را به ما اعلام نکرده بود و طبعاً از برگزاری آن بی‌اطلاع بودیم. به محض این‌که در فضای مجازی تبلیغات نمایشگاه منتشر شد، نگرانی‌هایی به وجود آمد که مبادا به شأن و منزلت کودکان و اقشار آسیب‌پذیر خدشه وارد شود؛ بنابراین به سرعت از مدیران نگارخانه خواستیم جزئیات نمایشگاه را در اختیار ما قرار دهند.

میانمار از دریچه دوربین کوین فرایر

آراکان را هدف حمله قرار داده است. در این حملات هزاران غیرنظامی جان باخته و حدود ۲۰۰ روستا توسط ارتش و بوداییان افراطی به آتش کشیده شده است. همچنین بیش از ۵۰۰ هزار میانماری از خانه و کاشانه خود فرار کرده و به بنگلادش پناهنده شدند. از سال ۱۹۷۰ تاکنون نیز ۸۴ درصد از جمعیت ۲ میلیونی مسلمانان آراکان در پی خشونت‌های ارتش میانمار و بوداییان افراطی به کشورهای اطراف گریخته‌اند.

خشونت‌های دولت و ارتش میانمار علیه مسلمانان روهینگیا باعث آواره شدن حدود ۴۰۰ هزار مسلمانان روهینگایی شد که برای نجات جان خود از طریق خشکی و دریا خود را به بنگلادش رسانده‌اند. در بنگلادش، پناهندگان در اردوگاه‌های موجود و سکونت‌گاه‌های از پیش ساخته شده بود، قرارگرفتند که شرایط بسیار بحرانی داشتند. ارتش به بهانه «جنگ با شبه نظامیان مسلح» منطقه

شده است. صدها هزار نفر از مسلمانان میانمار پس از حمله گروه‌های بودایی و نیروهای نظامی این کشور مجبور به ترک منازل خود و رفتن به سوی مرز بنگلادش شدند. از دسامبر ۲۰۱۷ قریب به ۶۵۵/۰۰۰ تا ۷۰۰/۰۰۰ نفر از مردم روهینگیا (مسلمان) که در ایالت راخین در غرب میانمار زندگی می‌کردند برای فرار از آزار و اذیت ارتش میانمار که حملات‌شان را از ۲۵ اوت ۲۰۱۷ مجدداً آغاز کرده بودند به بنگلادش گریختند.

کوین فرایر در سال ۱۹۷۳ در کانادا متولد شده است. وی مدت‌ها به عنوان عکاس ملی در مطبوعات کانادایی فعالیت می‌کرد و کمی بعد به عنوان عکاس اصلی از سوی آسوشیئدپرس در نوار غزه، اورشلیم، دهلی‌نو و هند عکاسی کرد و در حال حاضر با آژانس عکس گتی همکاری می‌کند. به گزارش مجله عکس نوریاتو، عکس‌های فرایر به طور گسترده‌ای در روزنامه‌ها، مجلات و سایت‌های اینترنتی در سراسر جهان منتشر



عکاس باشی‌ها؛ تاریخچه عکاسی در ایران

داگروتیپ یکی اهدایی از طرف ملکه انگلیس و دیگری هدیه امپراتور روسیه بود. متأسفانه به جز یک عکس، هیچ‌کدام از عکس‌های داگروتیپ ایرانی، باقی نمانده‌اند.

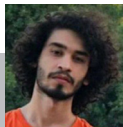
در سال‌های آغازین پیدایش عکاسی در ایران برخی از اروپاییانی که در مشاغل گوناگون در استخدام دولت ایران بودند نیز به تجربیاتی اندک در این زمینه دست زدند. این افراد اغلب معلمان رشته‌های مختلف دارالفنون بودند که مدرسه‌های فنی برای تربیت افسران، مهندسان نظامی و غیرنظامی، پزشکان و مترجمان زبان‌های خارجی به‌شمار می‌آمد و به دست امیرکبیر پایه‌ریزی و در سال ۱۸۵۰ م تأسیس شده بود.

عکاسان ایرانی نیز هم‌زمان با سال‌های اولیه پیدایش عکاسی در ایران دست به کار شدند و به تصویر جنبه‌های گوناگون زندگی مردم در دوران قاجار پرداختند. برای نمونه می‌توان به این افراد اشاره کرد: شاهزاده ملک قاسم میرزا که شاید نخستین عکاس ایرانی باشد، آقا رضا عکاس باشی، اولین عکاس حرفه‌ای و پرکار دربار ناصرالدین شاه که بسیاری از سفرها مراسم و جنبه‌های گوناگون دوران حکومت طولانی ناصرالدین شاه را ثبت کرده‌است.

باید خاطر نشان ساخت که نمونه عکس‌های دوره محمدشاه (که البته هیچ‌کدام باقی نمانده‌اند) را نباید با صنعت عکاسی مرسوم امروز یکی دانست، زیرا صنعت عکاسی (فتوگرافی) در سال ۱۲۶۵ هجری قمری ۱۸۴۹ میلادی اختراع شده است. یعنی یک سال بعد از فوت آن پادشاه، و آنچه در عهد محمدشاه وجود داشت و ریشارخان عمل می‌کرد دستگاه داگروتیپ بود که در سال ۱۸۳۹ میلادی به وجود آمده بود. سرآغاز عکاسی در ایران، رویدادها و حرکت‌هایی را دربردارد که گاه در نوع خود در جهان بی‌نظیر و برخی اوقات پیشرو حرکت‌های عکاسی در جهان است.

رسول هاشم آبادی

کارشناسی تاریخ ۹۶



پیدایش عکاسی و رواج روش‌های گوناگون این فن در ایران، با اختلاف حدود سه سال از اعلام موجودیت عکاسی در فرانسه روی داده‌است. صنعت عکاسی بر روی کاغذ حساس در سال ۱۸۳۹ میلادی به وجود آمد و در سال ۱۸۴۱ میلادی پلاک‌های شیشه برای عکاسی اختراع گردید و از قرائن موجود این اختراعات و همه انواع وسائل عکس‌برداری دو تا سه سال پس از اینکه به بازار می‌آمد به‌طور هدیه بدست پادشاه ایران می‌رسید.

نخستین دستگاه‌های عکاسی به روش داگروتیپ، به در خواست محمدشاه قاجار از کشورهای روسیه و انگلیس به دربار ایران وارد شد. دستگاه‌های عکس‌برداری روسیه که هدیه امپراتور بود، زودتر رسید و نیکلای پاولوف دیپلمات جوان روس که به این منظور تعلیم عکاسی دیده بود، این دستگاه‌ها را به تهران آورد و در اواسط دسامبر ۱۸۴۲ میلادی مطابق پایان آذر ۱۲۲۱ هـ ش نخستین عکس‌برداری در ایران را انجام داد.

ملک قاسم میرزا شاهزاده ایرانی و ژول ریشار فرانسوی نیز از جمله پیشروانی هستند که در ایران، به شیوه داگروتیپ، عکس‌برداری کرده‌اند. با اطلاعاتی که از کتاب مقالات گوناگون تألیف دکتر خلیل خان اعلم‌الدوله ثقفی از یادداشت‌های ریشارخان، اولین عکاسی که اعتمادالسلطنه از او نام برده حاصل می‌شود این است که اولین عکس‌برداری بر روی صفحه نقره در سال ۱۲۶۰ هجری قمری در تبریز، زمانی که ناصرالدین میرزا ولی‌عهد بود انجام شده‌است. از این دو دستگاه دوربین

نگاهی گذرابه عکاسی مستند

داشتن بینشی با زاویه بسیار باز است. از طریق عکس‌های مستند، بیننده از فرهنگ، سیاست و موقعیت‌های اجتماعی سایر مردم دنیا اطلاعات درستی به دست می‌آورد. بدون شک این شکل از عکاسی با به نمایش درآوردن مشکل فراگیر فقر، نقش بسیار مهمی در آگاه‌سازی مردم آمریکا از موقعیت اجتماعی کشور در رکود بزرگ سال ۱۹۳۰ داشته‌است.

به عبارت ساده‌تر، در این نوع عکاسی تصویر نقش یک شاهد و مدرک را برای اثبات وجود یک وضعیت خاص به عهده دارد. اگر چه بنا به باور پذیرفته شده، عکس مستند به عکسی گفته می‌شود که دخالت عکاس در رویداد مقابل دوربین باید در چنان حدی باشد که انگار عکاسی در پشت دوربین نبوده‌است؛ اما با وجود چنین محدودیتی، عکاسان موفق مستند، با رویکردهایی خاص، چنان عمل کرده‌اند که از یک سو کمترین دخالت را در تغییر چگونگی ثبت رخداد داشته‌اند و از سوی دیگر سبک شخصی‌شان در عکس محسوس بوده‌است (نمونه: آتری کارتیه-برسون و الیوت ارویت و...)

در عکاسی مستند اجتماعی که نوعی از عکاسی مستند است، هدف، مستند ساختن شرایط اجتماعی (و احتمالاً اثرگذاری برآن) است.

علی اکبری

کارشناسی روان‌شناسی ۹۷



عکاسی مستند، شاخه‌ای از عکاسی است در آن عکاس، رخداد‌های پیرامونش را ثبت می‌کند و می‌کوشد از موضوع، (عموماً مردم) بی‌طرفانه، عکسی واقعیت‌گرا، واقع‌نما و راستگو ارائه دهد. واژه عکاسی مستند در سال‌های رکود اقتصادی کاربرد پیدا کرد؛ زمانی که شرایط اسفبار کشاورزان باعث شد مردم آمریکا نیاز به اصلاحات اجتماعی را احساس کنند. عکس‌هایی که در آن‌ها، پس‌کوچه‌های کثیف و شرایط رقت‌بار شهری را تصویر کرده بود.

تصویر در عکاسی مستند یک سند تاریخی به حساب می‌آید. عکس‌های مستند در کنار محسنات زیبایی‌شناسانه و هنری، بیشتر به منظور تحولات اجتماعی و سیاسی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند، چراکه واقعیت را همان‌طور که هست به ثبت می‌رسانند. به عبارت ساده‌تر، در این نوع عکاسی تصویر نقش یک شاهد و مدرک را برای اثبات وجود یک وضعیت خاص به عهده دارد.

این نوع عکاسی مستند داشتن دوربین خیلی خوب و لنز تله نیست، بلکه مستلزم

NASA'S PERSEVERANCE ROVER TAKES ITS FIRST DRIVE ON MARS

Perseverance has wiggled its wheels and undertaken its first drive across the surface of Mars. Engineers have spent the time commissioning the vehicle and its many systems, including its instruments and robotic arm. Perseverance's mission is to explore a near-equatorial crater called Jezero, to search for evidence of past life. Scientists want to reach a number of enticing rock formations in the crater that might retain a record of ancient biological activity. Among these is what looks in satellite imagery to be a delta - a structure built up from the silt and sand dumped by a river as it enters a wider body of water. In Jezero's case, this was very likely a crater-wide lake that existed billions of years ago. The rover will spend the next few weeks driving to a suitable stretch of terrain where the Ingenuity chopper can be put safely on the ground.

BBC News



THE ENDURING CURIOSITY;

A brief voyage in the missions to the neighboring planet

The Red Planet has always been a glimmer of hope for possible signs of life beyond earth. Accordingly, several uncrewed spacecraft have been launched to land on the Martian surface since 1960. Over the decades, of NASA's 10 landing attempts, 9 spacecraft have made it to the rusty surface, which seemed out of the question back in 1960. Now let's get a glimpse of the National Aeronautics and Space Administration's successful Mars landings.

01 Viking 1

The first-ever spacecraft, which performed its mission successfully was on the way to Mars for 11 months and eventually pulled off the touchdown on July 20, 1976. Despite being unable to find any traces of life, Viking 1 mission succeeded in taking the first images, revealing many clues about the Martian surface structure.



02 Viking 2

As part of NASA's Viking program, Viking 2 put itself down at Utopia Planitia in September 1976, right after its predecessor's success. The lander remained in operation until April 1980, when the batteries failed.

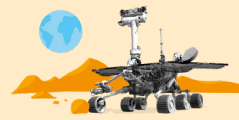
03 Mars Pathfinder

On July 4, 1997, aerospace engineering's advances were certified by the instrumented lander and the newly robotic rover, named Sojourner, touching down on the Red Planet. The novel technologies accomplished their goals to provide scientists with data on the Martian atmosphere and geology. The findings led us to believe that Mars was once warm and wet.



04 & 05 Spirit and Opportunity

Once more, NASA's tireless efforts paid off as the twin rovers settled down on opposite sides of Mars in January 2004, and the exploration was crowned with success. The scientific investigations collected fresh evidence of the potential habitability of the Red Planet. The outcomes suggest that ancient Mars was awash with water. Also, rock abrasion tools had been sent to study the interiors of the dusty rocks. The rovers outlived their designed 90-day lifetimes and operated for many years.



06 Phoenix

Following the previous missions, Phoenix lander touched down on Mars on May 25, 2008 to explore ice and soil samples in the Martian Arctic. As it achieved all the expected results, the project was considered an accomplishment.



07 Curiosity

Curiosity, named by a sixth-grade student, landed on the Gale crater on August 6, 2012 as the most ambitious Mars emissary with the object of discovering a livable environment. Astonishingly, The rover is still operational.



08 InSight

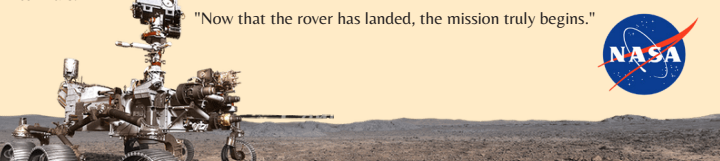
Digging into the deep composition of Mars, the craft was targeted to unravel how the rocky planets of the solar system were formed, "how tectonically active Mars is today," and meteorite impacts. Since its landing in November 2018, InSight is still operating in an extended mission until the end of the extension, in December 2022.

09 Perseverance

"Touchdown confirmed!"

The control room burst into cheers as the rover ultimately came to rest on the red surface on February 18, 2021, after a 7-month journey. As President of the US put it properly, "With the power of science, nothing is beyond the realm of possibility". The craft will seek traces of ancient microbial life and lay the foundations for future human visits to Mars.

"Now that the rover has landed, the mission truly begins."



EARTH'S JUNK BELT



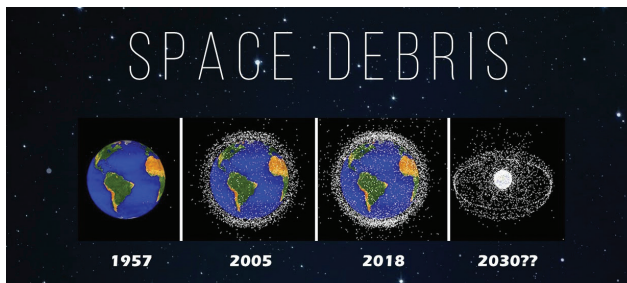
Kimia Erfani

French language and literature, BA student, '97

Do you remember feasting your eyes on the wild blue yonder of the sky, standing in awe and admiration? That lofty infinite just a few moments before dawn, that sunny and dreadfully cloudless late-afternoon or the gloomy, sunless heaven for which you yearn wholeheartedly. It all seems SO pure, so untainted, and so flawless. But to bypass this whole admiration thing, let's have a go at another outlook.

To come clean, I presume very little of our sophisticated readers have ever picked up information about "Space debris" or "Space junk". Accordingly I will today devote this article to those inquisitive enough to care, so please depend upon it!

This term is applied to represent human-generated objects off the hook in space-mainly in Earth Orbit- which now lack serviceability; such as parts of space crafts, inutility satellites, and tiny pieces of rockets, and so on. In approximately six decades of space activities, space agencies have detected more or less 7500 tons of objects in orbit! One of the main grounds of this phenomenon is in-orbit explosions. But why does this happen? Once a satellite or a rocket is discarded in Earth orbit, the



remaining fuel in tanks or fuel stations left on board are just around the corner to get mixed up with the space environment, blow up and shatter the objects into pieces, spreading the mass. Of further major reasons, we could mention rocket-motor firings begetting micrometresized dust and slag particles. One more classical source was the

1960's release of copper wires in the course of "Midas" radio communication experiment.

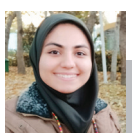
Correspondingly, by escalating the count of debris, odds for disastrous collisions in space will also grow. Hence, by doubling the objects, the collisions' risk will increase by almost four times. This critical process is known as "Kessler Syndrome".

Now it arises the question "Is it dangerous to Earth"? Well, I may jog your memory here: our atmosphere acts as a shelter, and ANYTHING remaining in orbit has to get through this firewall of ours first. In what way it exactly protects us is what ESA (European Space Agency) can provide us with answers. "10 minutes before reaching the ground, the atmosphere starts to heat up and decelerate the objects to prevent them from touching the ground". The ESA states. "However, it occurs occasionally that some massive satellite fragments or high melting-point material are involved which in that case they may touch the ground". Still, with the fact that 75% of the earth is covered with water, and the existence of vast uninhabited areas, the chance of an individual getting hit by one of these fragments is several times lower than risks in daily life. In fact, in 2002 NASA estimated the odds are 1 in 3,200!

After all is said and done, undoubtedly procedures are required to reduce space debris. The first but not the simplest strategy would be removing existing debris that can be operated from the ground or space.

But then again, either the financial funds may leave us short-handed or, due to the lack of technology, it doesn't look so credible as of now. As much as considering the removal method is essential, an additional approach aiming this purpose is to predict the collisions, which is limited to less than 10% of the debris population. A further element is deorbiting satellites at launch to prevent causing debris later, which leaves us thinking about those already in space without deorbiting provisions in place.

THE BEAUTIES OF THE SKY IN 2020



Sepide Sharifi Khorasani
MA in TEFL

Every year, meteor showers dazzle viewers, eclipses reveal the orbital balance of our planet with the sun and moon, and the other worlds of the solar system move across the sky against the backdrop of distant stars. Armed with a pair of binoculars, a simple telescope, or even just the naked eye, astronomy enthusiasts can witness some of the most spectacular phenomena in the night sky if they know when and where to look. Even as light pollution continues to threaten the future of observational astronomy, national parks and other conservation institutions are creating dark sky parks to preserve the precious resource of a clear night sky. These following events in 2020 provided the perfect opportunity to enjoy the

beauty of astronomy.

Annular Solar Eclipse - June 21

An annular eclipse happens when the moon is farthest from Earth. Because the moon is farther away, it appears smaller and does not block the entire view of the sun. Due to a remarkable cosmic coincidence, the moon and the sun are the correct sizes and distances away to appear roughly the same size in the sky. Sometimes during a solar eclipse, when the moon moves in front of the sun, the moon is close enough to Earth and big enough in the sky to cover the disk of the sun entirely, creating a total solar eclipse. Other times, however, when the moon is farther away and smaller in the sky, it does not cover the sun completely, but leaves a ring of light encircling the dark moon, known as an annular solar eclipse. One of these "ring of fire" eclipses occurred on June 21, 2020, visible in parts

of the Democratic Republic of Congo, South Sudan, Ethiopia, the Arabian Peninsula, Pakistan, northern India, southern China and the island of Taiwan. The eclipse was not visible in the Americas, and a partial solar eclipse was visible across most of Africa and Asia. Maximum eclipse occurred at about 6:40 UTC, 12:10 p.m. local time, in Uttarakhand, India. Be careful; during an annular solar eclipse, direct sunlight passes around the moon and reaches Earth, so eye protection must be worn to prevent eye damage. To see the ring of fire, look up the time and location to see the moon pass directly in front of the sun.

Conjunction of Jupiter and Saturn - December 21

The final astronomy event of the year was one of the most intriguing ones as Jupiter and Saturn made an extremely close encounter

following the first sunset of winter.

When two planets appear close in the sky, astronomers call it a conjunction. However, this meeting of Jupiter and Saturn on the first night of winter was incredibly close, the closest they have been since 1623, according to the Royal Astronomical Society of Canada. This extraordinarily close encounter was sometimes referred to as a «super conjunction.»

People looking to the southwestern sky might mistake the two planets for one really bright star while those with high-powered telescopes were able to see the planets in the same field of view. The planets were separated by only one fifth of the diameter of a full moon, or about 6 arcminutes of angular distance on the sky. However, the planets were low to the horizon in the southwest sky after sunset, and set themselves only about two and a half hours later.



Shahriar Ahmadi
English literature, BA student, '98

The sky seemed grayer behind the tram window. The music of the rails and whips and neighs was the symphony of the morning. Detective Nielsen said that they had found a body in the district of Skeppsholmen and had asked for my assistance. I do not understand though, why in all these days when I am on leave, corpses suddenly begin to appear? Anyways, I knew these days eventually would come. I got off near the park and started to walk the rest. It was then that I realized the importance of having the right show size. I could hear the muffled moans of my little toe, begging me to stop. The shadow of the Catholic Church of Eugenia weighed heavily on my head as if it had noticed the blasphemy going through my mind, and thereby tried to remind me of hell. It made me realize a somewhat interesting fact; the site of the body, Skeppsholmen Bridge, was exactly paralleled to the site of the church! But to be honest, sometimes I, myself, get angry about my mind going astray, let alone Detective Nielsen.

As I went along, the blue uniforms became more visible. I could see locals getting questioned, and Detective Nielsen looking at me from afar with rage.

+ Officer Falk! Where were you? Why so late?

_ I'm sorry, detective. It was a long way, I had to take the tram. The detective sighed.

+ I want a general report of the crime scene in my hand in two hours. I cannot trust these blind blondes. Am I clear gingerbread? The irony was that although Detective Nielsen was color-blind, he paid more attention to colors than other people did; from the color of your clothes to that of your skin and hair. I came closer to the crime scene.

On the bridge, a woman in a white robe with her hands clenched on her chest lay on her back. The cold weather prevented her hair from drying. As I put on my gloves and got closer to the

body, I assumed that her death was probably due to suffocation or drowning. Having opened her hands, I got really confused. There was a paper cicada resting on her chest.

I called the detective and showed him origami.

«What the hell is this?»

He took it and unfolded it.

«What is written here?»

He picked up his goggles from his dark coat's pocket and read: «Motherhood isn't a received title, but earned

Anyone who betrayed the role got what they deserved

But here lies a question to wonder:

Doesn't that child deserve a mother?»

What a strange text! But what did these words mean? Whose mother are we talking about? Everything was very obscure to me.

The detective archived it as evidence and sent it to the center.

Meanwhile, I saw a stranger who was writing something in his notebook nearby. He had a tired look. He glanced at me and then his pocket watch and walked away.

I did not care. Such cases are usually sniffed out by reporters. I handed over the crime scene report to the detective and he ordered the scene to be evacuated.

All the officers went to the station, but since I was technically on leave, I headed back. I still do not understand why, for a simple crime scene report, Nielsen had to ruin my vacation.

I got on the tram. All the seats were full except for one. As soon as I sat down, I saw the stranger in the chair in front of me again, looking at me.

I asked:

+ Do we know each other sir?

_ No, I do not think so.

+ I saw you near the bridge today.

_ Oh yes ... I came to gather information ... You can call it a personal obsession.

+ Would you please introduce yourself?

He extended his hand towards me

_ Vandenberg. You can call me Kilian.

POPE FRANCIS ON IRAQ VISIT CALLS FOR END TO VIOLENCE AND EXTREMISM

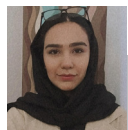
The pontiff is making his first international trip since the start of the coronavirus pandemic. Covid and security fears have made this his riskiest visit yet, but the 84-year-old insisted he was «duty bound». He is hoping to foster inter-religious dialogue - meeting Iraq's most revered Shia Muslim cleric - and will celebrate Mass at a stadium in Irbil in the north. About 10,000 Iraqi Security Forces personnel are being deployed to protect the Pope, while round-the-clock curfews are also being imposed to limit the spread of Covid. Hundreds of people lined the airport road as the Pope's convoy, heavily chaperoned by police motorcycles, left for the city.

«May the clash of arms be silenced... May there be an end to acts of violence and extremism, factions and intolerance!» Francis said.

BBC News



THREE COLORS TRILOGY: CLASSIC MASTERPIECE OF KIESLOWSKI

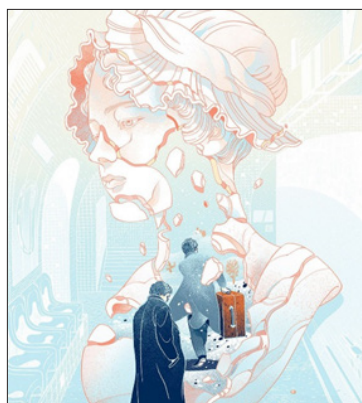


Saba Samadi
TEFL, MA student, '99

Three colors" is the official title of a trilogy directed by Krzysztof Kieslowski. The series is named after the colors of the French flag: blue, white, and red which symbolize, the motto of the French republic: LIBERTY, EQUALITY, and FRATERNITY, respectively.



The theme of the first movie, Blue, is not the political notion of freedom. In the opening scenes of the film, "Julie" loses both her husband, a well-known composer, and her young daughter in a car accident, in which, she, herself is severely injured and goes through an emotional paralysis period. She undesirably gets her life back but she has lost her loved ones and nothing is left to her. Trying to wipe out all her past possessions, Julie puts the house up for sale and moves to an obscure street in an anonymous corner of Paris. The only thing she keeps is a mobile of blue beads, a memento of her young daughter. With Julie leaving behind everything she considered "traps of" life, the director artfully and successfully envisions emotional liberty.



White, the second film, and the second color of the French flag, symbolizes "equality". Karol is a Polish hairdresser whose wife asks for a divorce. After the divorce, one trouble leads to another, and he loses all his money, residency, and his wife. Poor Karol resorts to begging in Metro stations, where he meets his savior, Paolo! He manages to go back to his home in Warsaw, hiding in a suitcase. Karol buys land in a shady deal, which brings him profit and makes him rich. In revenge for the misery he had been going through, he buys a Russian corpse and has it buried as himself, and leaves all his money to his ex-wife in his will. He makes other people think that Dominique, his ex-wife, has killed him to inherit the money. The wife, unaware of his ex-husband's trap, comes to collect the money while Karol is still alive. She's accused of killing her husband and then you see her standing at the window of a prison in the final scene. Although Karol is still obsessed with his wife, he only finds equality in revenge, hence he tastes the sweetness of revenge. The actor develops this elliptical character in a way that makes you not want to step away from your monitor.



In Red, the final movie, the director tries to convey that everything in humans' lifetime is accidental. You continue your life as if it has a plan but Kieslowski tries to prove you wrong. Valentine, a model who lives in Geneva,

strikes a dog and decides to take her to the home of her owner, a retired judge, who barely seems to care; therefore, she nurses the dog back to health. The Judge is fond of eavesdropping on his neighbors' phone calls to the point that the obsession makes everything else worthless to him. At first glance, you notice there is no bond between Valentine and the Judge. But the theme of "Red", fraternity, comes true with Valentine and the Judge bonding, although they have nothing in common. Throughout the film, lots of questions pop into your head; for instance, if the Judge and Valentine will ever meet again or what the relationship symbolizes. Another character whose life seemingly looks similar to that of the Judge's, in that they both got cheated on by the love of their life, is Auguste. Valentine and Auguste live nearby. They seem to become a really good couple but will they ever meet? Kieslowski arouses your curiosity while he is making you doubt if you have a pre-determined lifetime. Nothing ever takes place as you wish. Kieslowski tells a parable but unlike many filmmakers, does not preach the lesson out loud. Using symbolism makes you feel more deeply connected to the idea of the films. Juliet Binoche, in the "Blue", finds liberty, after the loss of her husband and daughter and starts living again. Karol, in the "White", goes through a great deal of trouble after Dominique, her wife, leaves him but in Poland, makes a lot of money and takes revenge. In the "Red", even though there are barriers of age and gender between Valentine and the Judge, they eventually become friends. Kieslowski invites us to be aware of our limitations and peculiarities as you can feel this in the tenderness of every single frame.